

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: دکتر بتول عطاران

مدیر داخلی: علی محمد بخشوده

هیئت تحریریه: مهندس محسن جعفرآبادی، دکتر بهناز مرجانی، دکتر بتول عطاران،

غلامحسین حسین زاده یوسفی، نصرالله دادار، احمد رضا دوراندیش

ویراستار: دکتر حسین داوودی

طراح گرافیک: علیرضا جوادی

نشانی دفتر مجله: تهران ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶ صندوق پستی ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵

تلفن دفتر مجله: ۹-۸۸۸۴۳۲۵۱-۰۲۱ داخلی ۲۷۰

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: faniherfeie@roshdmag.ir

تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۸۳۹۲۳۲ و ۸۸۳۰۱۴۸۲

چاپ: شرکت افست

شمارگان: ۴۵۰۰ نسخه

۲ مهارت، نقطه تبدیل فکر به ارزش افزوده/بتول عطاران

۴ آموزش فنی و حرفه‌ای از دیدگاه عام‌گرای/دکتر علی اصغر خاقلی

۸ ضرورت تولید محتوای الکترونیکی آموزشی/دکتر حمیدرضا کفاش

۱۸ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و اشتغال/محمد شریف‌زاده

رابطه امکانات آموزشی و مهارت آموزی هنرجویان

۲۱ دکتر محمد طالقانی/دکتر زهره شکیبایی/عزت‌الله مرادی

ضرورت تحول در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای/دکتر نعمت‌اله متین

۳۶ علم، فناوری و بازار/اسفندیار معتمدی

برنامه‌ی آموزش‌های مهارتی در شاخه‌ی کاردانش

۳۹/دکتر احد نویدی/سریه محمدی

برنامه‌ریزی مدیریت سازمانی یک شهر (لایه‌جان)

۴۸ دکتر محمد دوستار/دکتر محمد تقی امینی/محمود کوه‌نشین لیلی

۵۹ معرفی کتاب/علی محمد بخشوده



مهارت، نقطهٔ تبدیلی

✿ | tvoccd88@roshdmag.ir | |

دکارت، اگر یک تکیه‌گاه مطمئن به من بدهید، با آن زمین را جابه‌جا می‌کنم!

همبستگی خانوادگی و اجتماعی در پی خواهد داشت. از نقاط ضعف عمدهٔ مدارس فعلی ما که به شکل سنتی سازماندهی شده‌اند و دانش و مهارت را همزمان در اختیار هنرجویان قرار می‌دهند و فرصتی برای افزایش مهارت جامعه فراهم می‌آورند، این است که بین مهارت‌های آموزش داده شده در مدرسه و مهارت مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی فاصله انداخته‌اند. در مدارس ما جایگاه تکیه‌گاه دوم (گرانیه‌گاه اهرم) که عمل به دانسته‌هاست غالباً ناشناخته و یا متزلزل است. تجهیزات صنعتی نصب شده، شبیه‌سازی مناسبی از محیط کار نیست و اگر هست آموزشی نیست. ما در محیط کلاس و کارگاه شاهد مبلمان آموزشی مناسب نیستیم. لذا مربی و مسئول کار، چون برای اندازه‌گیری عملکرد هنرجو ابزار مناسب ندارد، دانش نظری او را پایهٔ توان علمی‌اش قرار می‌دهد و این جاست که فنی‌وحرفه‌ای ما الگویی نظری می‌گیرد و فراموش می‌شود که کار به عمل برآید و نه به سخن!

نقطهٔ حساس دربارهٔ حرفه‌آموزی بازار کار است که مستقیماً از کمبودهای مهارتی ناشی می‌شود. لذا انتظار می‌رود برنامه‌ریزی رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای به گونه‌ای منعطف باشد که بتواند به‌طور مؤثر منافع متقاضیان (جوانان، بیکاران) را دنبال نماید. به دلیل بی‌توجهی به

بیست و هشتم ماه جولای، مطابق ششم مرداد هر سال، روز ملی مهارت یادآور پرداختن به موضوعی است که نشر و ترویج مباحث نظری را بدون کسب عمل و کاربردی نمودن آنها تا سطح کسب مهارت بی‌ارزش می‌داند.

حاصل مأموریت آموزشی فنی‌وحرفه‌ای در ابعاد فردی و اجتماعی در بلندمدت به دست می‌آید. این نظام باید ضمن تأمین مهارت‌های پایه و تخصصی، افراد را برای اشتغال، راه‌اندازی کسب و کار مستقل و انجام کار مولد آماده و پذیرای فناوری‌های جدید نماید. این نظام تکیه‌گاهی در نظر و تئوری و تکیه‌گاهی در کاربرد و عمل دارد و بدون این دو تکیه‌گاه، به هدف‌غایی خود، که شامل اهداف اقتصادی و بهبود بهره‌وری شخصی و اجتماعی است نخواهد رسید.

مهارت‌آموزی، ابزاری برای تغییرات ساختاری در تمام سطوح مهندسی و کارگری است. هم‌چنین برای کسب درآمد و برقراری توزیع درآمد عادلانه‌تر در میان گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه یک فرصت است.

مهارت‌آموزی در سطح کلان، تقویت توسعه اقتصادی، حمایت از صنایع، گسترش صادرات و جذب سرمایه‌ها را به دنبال دارد. هم‌چنین علاوه بر تأثیرات اقتصادی، تأثیرات دیگری چون کاهش جرم، بهبود سطح بهداشت و

مل فکر به ارزش افزوده

رشد آموزش

دوره ششم / شهری ۱۳۹۰ / تابستان ۱۳۹۰

مهارت و حرفه

۳

بیشتر و توسعه‌ی ظرفیت صادراتی بالاتر؛
■ کاهش مستمر نرخ جرایم، بهبود ارتباطات اجتماعی،
و ارتقاء کیفیت زندگی بهداشتی و تأمین سلامت
خانواده‌ها؛
■ تحقق روزافزون عدالت توزیع درآمد و افزایش درآمد
سرانه و ملی.

چشم‌انداز

عمده‌ترین محرک‌های تغییر تقاضا برای آموزش
فنی و حرفه‌ای در چند سال آینده، فعالیت اقتصادی یا
افزایش نرخ رشد جمعیت نخواهد بود، بلکه گسترش (و
تسری) دامنه شمول استانداردهای شایستگی در برنامه
درسی ملی به صنایع و نیاز به نیروی کار چند مهارته و در
نتیجه علاقه‌مندی فرد به یادگیری مداوم خواهد بود.
اولویت اصلی نظام تربیت فنی و حرفه‌ای پاسخ
دادن به کمبود مهارت‌هاست. وقتی دانش‌آموختگان
(فارغ‌التحصیلان) نظام فعلی دارای آن مهارتی نیستند که
بیشترین بهره‌وری را در کار خود ایجاد نمایند و ارزش
افزوده‌ای به وجود آورند، کدام برنامه نقص داشته است؟

سردبیر

این موضوع که، اولاً کسب مهارت در جامعه تولید ارزش
افزوده می‌نماید؛ و ثانیاً برای آموزش این فرایند نیازمند
به‌روزرسانی تجهیزاتی است که هزینه‌های بالایی را طلب
می‌نماید. ثالثاً سپردن این موضوع به بخش خصوصی عاملی
شده است تا رشته‌های معینی در فنی و حرفه‌ای شکل
گیرند (و متقاضی فراوان داشته باشد که لزوماً نیاز جامعه
و بازار کار نیست)، متأسفانه شاهد بروز نابه‌سامانی‌هایی
در خصوص مهارت‌آموزی هستیم.

اگر مهارت را نقطه تبدیل فکر به ارزش افزوده بدانیم
باید در درجه اول این موضوع در برنامه‌ریزی‌های آموزشی
و درسی تجلی کند.

کسب مهارت، علاوه بر سودرسانی فردی، منافع
اجتماعی نیز در بردارد و چنانچه آن منافع حاصل نشود
کارآمدی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زیر سؤال می‌رود، از
این‌رو کارآمدی نظام آموزشی یاد شده به شایستگی‌های
کسب‌شده‌ی خروجی‌هایی بستگی دارد که نتایج زیر را
ببار آورند:

- افزایش اشتغال، بهبود درآمد و بهره‌وری ملی؛
- فراوانی کارگران ماهر در سطح جامعه و جذب
سرمایه‌گذاری؛
- هدایت تولید ملی به سمت محصول با ارزش افزوده

دربشست علمی گروه پژوهش در آموزش فنی و حرفه‌ای ارائه شد



دکتر علی اصغر خلاقی
استادیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی

کلیدواژه‌ها: آموزش فنی و حرفه‌ای، نیروی انسانی،
بازار کار، عام‌گرایی.

مقدمه:

به‌طور خلاصه می‌توان گفت امروزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید دارای سه ویژگی اساسی باشند:
۱. آموزش فنی و حرفه‌ای یک آموزش مداوم و مادام‌العمر است؛

۲. انعطاف‌پذیر است و توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای در حال تغییر را دارد؛

۳. آموزش نظری و عملی را با هم تلفیق می‌کند.

مفهوم آموزش فنی و حرفه‌ای:

بنابر تعریف یونسکو، آموزش فنی و حرفه‌ای علاوه بر دانش عمومی تمام اشکال و سطوح فرایند آموزشی، شامل مطالعه فناوری و علوم مربوط به آن، کسب مهارت‌های عملی، توانایی و نگرش را دربرمی‌گیرد و مسائل مرتبط با اشتغال را در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی زندگی برعهده دارد (Sue Tappin, 2002).^۱

بنابراین؛ همان‌طور که در این تعریف نیز ملاحظه می‌شود آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح گسترده‌ای تربیت نیروی انسانی را برعهده دارد و محدود به آموزش‌های رسمی نمی‌شود بلکه آموزش مداوم و مادام‌العمر است. مفهوم مادام‌العمر بودن به معنای این است که آموزش فنی و حرفه‌ای یا به عبارت دیگر تربیت حرفه‌ای باید از آغاز مدرسه تا پایان دبیرستان و پس از آن تا پایان عمر ادامه یابد.

برای درک جایگاه واقعی آموزش فنی و حرفه‌ای در شرایط امروز در آموزش و پرورش باید توجه نمود که شرایط امروز جهان و ایران با سی سال پیش بسیار تغییر کرده است. جهان امروز با روندهای کلی مانند جامعه اطلاعاتی، جهانی‌شدن در حوزه‌های مختلف، تغییر روش‌های تولید و سازمان‌دهی کار در سازمان‌های تولیدی و اقتصادی و توسعه دانش و تغییرات پیوسته فناوری و نقش مهم دانش در تولید روبه‌رو است که موجب تغییر مهارت‌ها و تولد مشاغل جدید می‌شود و مرتباً بازارکار به نیروی انسانی با مهارت‌های جدید یا تکمیلی نیاز دارد (Stenstrom, 2009).^۱

بنابراین، آموزش فنی و حرفه‌ای نمی‌تواند صرفاً با کندی و آرامی به آموزش مهارت‌ها با ابزارهای قدیمی و فناوری‌های از کار افتاده بپردازد بلکه ناگزیر است مرتباً خود را به‌روز نماید و امکان آموزش مهارت‌ها و فناوری‌های نو، که دائماً در حال توسعه و تغییرند فراهم آورد. علاوه بر آن امروزه کارفرمایان، کارآفرینان و کارگزاران و کارکنان فقط به مهارت صرف فنی نیاز ندارند بلکه نیازمند مهارت‌های مقدماتی و عمومی دیگری نیز هستند که باید آن‌ها را پیش از یادگیری مهارت‌های فنی بیاموزند تا بتوانند در محیط کار موفق باشند.

تربیت حرفه‌ای نمی‌بینند. بنابراین محدود کردن آموزش فنی و حرفه‌ای به یک دوره نیمه تخصصی دو ساله برای بخشی از دانش‌آموزان، بدون فراهم کردن شرایط لازم برای آموزش مهارت‌های عمومی و پایه و ایجاد روحیه و توانایی لازم برای رویارویی با جنبه‌های حاشیه‌ای و پشتیبانی‌کننده کار در واقع جفا کردن به این آموزش‌هاست؛ به این معنی که اسماً آموزش فنی و حرفه‌ای داریم اما عملاً نیروی کارآمدی برای بازار کار تربیت نمی‌کنیم.

این آموزش‌ها که با استفاده از روش‌های کهنه و ابزارها و فناوری‌های از کار افتاده همراه است و نیروی انسانی آن آموزش کافی ندیده است چگونه می‌تواند هنرجویان را با تغییرات سریع و گسترده فناوری امروز و نیازهای دائماً در حال تغییر بازار کار هماهنگ کند و محصولات آموزش فنی و حرفه‌ای پاسخ‌گوی نیازهای بازار کار باشد. این ضعف‌ها حتی مانع مشارکت جدی کارفرمایان و بخش صنعت و خدمات در برنامه‌ریزی‌ها و تجهیز هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای شده است.

برای توانمندساختن آموزش دیدگان باید دانش نظری با کار عملی درهم آمیخته شود تا شرایط لازم برای آموختن مهارت‌ها و تربیت حرفه‌ای دانش‌آموختگان فراهم شود

اگر به همه این واقعیت‌ها این را هم اضافه کنیم که بسیاری از تحقیقات انجام شده در سال‌های اخیر نشان داده است که برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای با نیازهای بخش سه‌گانه اقتصادی انطباق کافی ندارد و در ایجاد و گسترش رشته‌ها و واحدهای آموزشی و تدوین محتوا به نیازها، امکانات و اقتضات مناطق مختلف کشور توجه کافی نمی‌شود و آموزش‌های ارائه شده در هنرستان‌ها، عموماً با نیازها و پیشرفت‌های فناوری هماهنگ نیست. اگر به این واقعیت نیز توجه کنیم که شواهد پژوهشی هم‌چنین نشان می‌دهد که تعداد قابل ملاحظه‌ای از دانش‌آموختگان (فارغ‌التحصیلان) فنی و حرفه‌ای بیکارند و بسیاری از آنان (حدود ۶۰ درصد) در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی خود مشغول به کار نشده‌اند (نوبدی و همکاران، ۱۳۸۴). آن وقت معلوم می‌شود از این ۴۰ درصدی (با نگاه خوش‌بینانه) که به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای وارد می‌شوند ۶۰ درصد آن‌ها عملاً از آموزش‌های دیده شده سودی نمی‌برند و در شغل

به بیان دیگر، آموزش فنی و حرفه‌ای به عنوان یک آموزش عام فقط به دوره خاصی از گذر تحصیلی و برای بخش معینی از دانش‌آموزان اختصاص ندارد، بلکه باید همه دانش‌آموزان را در همه دوران تحصیل دربرگیرد و همه دانش‌آموزان باید آمادگی لازم را برای حضور در محیط کار پس از پایان تحصیلات خود به دست آورند، زیرا سرنوشت همه کودکان، نوجوانان و جوانان در گذر تحصیلی و در هر ایستگاهی که از قطار تحصیلی پیاده شوند به دنیای کار ختم می‌شود و هر فردی باید دارای شغلی شود تا بتواند بار زندگی را بر دوش بکشد و نقشی در حرکت اجتماعی و اقتصادی جامعه ایفا کند.

روشن است که یکی از جنبه‌های مهم زندگی فردی و اجتماعی در تمام جوامع بشری کار است. کار از یک‌طرف منبع درآمد فردی برای تأمین زندگی و عامل اساسی حل مشکلات و تأمین نیازهای اجتماعی است و از طرف دیگر اسباب تعالی روحی و عزت‌نفس، تعامل اجتماعی و بالا بردن توان فردی و اجتماعی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی است و بالأخره دمیدن روح ملی در افراد را فراهم می‌آورد.

آموزش فنی و حرفه‌ای باید بتواند با تعامل با دنیای کار و ارباب صنعت و تولید و مشارکت آنان در فرایند آموزش از یک‌طرف امکانات و شرایط لازم را متناسب با تحولات فناوری روز و تغییر مهارت‌ها و مشاغل فراهم سازد و از طرف دیگر با درک نیازهای دنیای کار پاسخ‌گوی نیازهای در حال تغییر آنان باشد. برای توانمندساختن آموزش دیدگان باید دانش نظری با کار عملی درهم آمیخته شود تا شرایط لازم برای آموختن مهارت‌ها و تربیت حرفه‌ای دانش‌آموختگان فراهم شود.

آموزش فنی و حرفه‌ای در نظام آموزشی کشور ما:

آنچه امروز به عنوان آموزش فنی و حرفه‌ای در آموزش و پرورش داریم چیست؟

یک دوره دو ساله (در واقع دو دوره نه ماهه یا به عبارت دیگر مدت جمعاً ۱۸ ماه) در پایه‌های دوم و سوم آموزش متوسطه، شامل ۹۶ واحد درسی که حدود ۶۰ واحد آن دروس عمومی و تنها حدود ۳۶ واحد آن دروس اختصاصی است.

از مجموع دانش‌آموزان ثبت‌نامی در دوره متوسطه بین ۳۵ تا ۴۰ درصد آن‌ها به رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش وارد می‌شوند و بیش از ۶۰ درصد دانش‌آموزان

غیر مرتبط مشغول به کار می‌شوند. در واقع اگر فرض کنیم آموزش‌ها به خوبی انجام شده باشد عملاً حوزه اثر گذاری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ۱۶ درصد کل دانش‌آموزان دوره متوسطه را در بر می‌گیرد. افزون بر این، آن گروه از دانش‌آموختگانی که موفق به ورود به دوره‌های کاردانی و کارشناسی می‌شوند، با توجه به مقایسه برنامه‌های درسی دوره آموزش فنی و حرفه‌ای در هنرستان با برنامه درسی دوره‌های کاردانی و کارشناسی، بسیاری از محتوای درسی دوره هنرستان آنان مجدداً در دوره کاردانی و کارشناسی تکرار می‌شود.

بنابراین، کسانی که دوره هنرستان‌ها را می‌گذرانند اگر به دانشگاه در رشته مرتبط وارد شوند بخشی از مطالب آموخته شده آنان مجدداً تکرار می‌شود و موجب اتلاف وقت آنان می‌گردد. به بیان دیگر، دانشجویانی که رشته فنی و حرفه‌ای نخوانده‌اند و از رشته‌های ریاضی یا

تجربی به این رشته‌ها راه یافته‌اند در نهایت به دلیل بهتر بودن ریاضی آنان و یادگیری دروس فنی به لحاظ درسی از دانش‌آموختگان رشته‌های فنی و حرفه‌ای جلوتر می‌افتند.

اما از دیدگاه عام‌گرایی، تربیت حرفه‌ای یک نیاز عمومی و به بیان دیگر یک آموزش عمومی است که همه احاد جامعه به آن نیاز دارند و باید همه دانش‌آموزان از آغاز

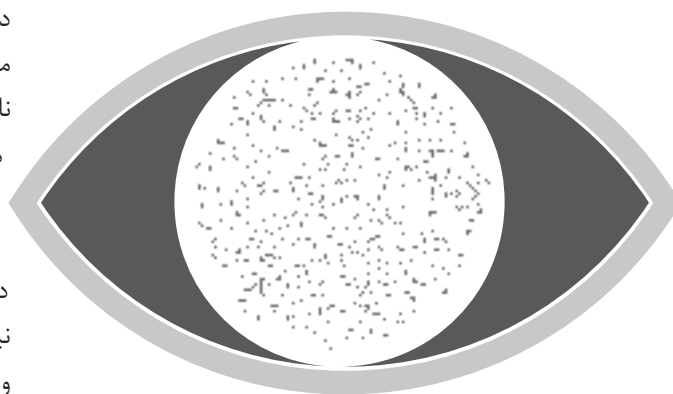
مدرسه تا پایان دبیرستان به صورت یک آموزش مداوم و مادام‌العمر پیوسته آنرا بیاموزند. اگر تربیت حرفه‌ای یا آموزش فنی و حرفه‌ای را یک پیکره کل و واحد در نظر بگیریم و آنرا به یک درخت تشبیه کنیم، هم دارای ریشه و تنه است که از یک زمین (شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) آب می‌خورد و تغذیه می‌کند و هم دارای شاخه‌های متعدد و متنوعی است که به گل و میوه می‌انجامد. حال برای درک جایگاه آموزش فنی و حرفه‌ای

باید دید فرایند و گذر تحصیلی جایگاه هر یک از این اجزا (ریشه، تنه، شاخه‌ها و گل و میوه) در کجا قرار دارد.

ریشه این درخت در واقع در اندیشه و باور کودکان قرار دارد، شامل زمینه‌های ذهنی و مهارت‌های اولیه جسمانی و هماهنگی آن با ذهن است، یعنی باور آن‌ها نسبت به اهمیت و ارزش کار، درک اهمیت و کاربرد و توانایی اجزای بدن و ارزش آن‌ها در انجام فعالیت‌های مختلف و متنوع، شناخت اموری مانند فناوری و اهمیت آن در تولید، درک برخی رفتارهای اقتصادی مانند اهمیت انرژی و صرفه‌جویی آن، درک نسبی توانایی‌های بالقوه خود در انجام کارها و استفاده از اعضا همراه با تمرکز ذهنی برای انجام فعالیت‌ها، و... این‌ها اموری است که لازم است همه دانش‌آموزان به عنوان آموزش عمومی در گذر از آموزش دوره ابتدایی به آن دست یابند.

آنچه بخشی از تنه این درخت را تشکیل می‌دهد

درک و آشنایی با تنوع مشاغل، درک متغیر و نامعین بودن مشاغل و مهارت‌ها در طول زمان است به دلیل تغییرات فناوری‌ها و توسعه دانش بشری، همچنین نیاز همگان به کار کردن و آشنایی نسبی و اولیه با محیط کار و مسیرهایی که امکان کسب مهارت در آن‌ها وجود دارد و مهارت‌هایی مانند حساب کردن، نوشتن، درک برخی عناصر اقتصادی، مانند پول و نقش آن،



آموزش فنی و حرفه‌ای به عنوان یک آموزش عام فقط به دوره خاصی از گذر تحصیلی و برای بخش معینی از دانش‌آموزان اختصاص ندارد، بلکه باید همه دانش‌آموزان را در همه دوران تحصیل دربرگیرد

بازار، تولید و مصرف. این‌ها مواردی هستند که برای یک آموزش عمومی در گذر تحصیلی از مقطع راهنمایی (یا دوره اول متوسطه) باید آموخته شوند.

بخش دیگر این تنه مهارت‌های عمومی یا پایه است که شایستگی‌های اساسی را برای حضور در زندگی اجتماعی و محیط کار در دانش‌آموزان به وجود می‌آورد و شرایط موفقیت در زندگی کاری و اقتصادی آنان را فراهم می‌کند. این‌ها مهارت‌هایی است که همه دانش‌آموزان باید به

آن‌ها مسلط باشند مانند اخلاق حرفه‌ای، کارآفرینی و شایستگی‌های شش‌گانه پایه، تحت عنوان‌های:

○ مهارت‌های اساسی سواد خواندن، نوشتن، حساب کردن و استفاده از فناوری؛

○ مهارت‌های ارتباط بین فردی، کار گروهی، ارتباط با مشتری؛

○ مهارت‌های تفکر مانند گردآوری و پردازش اطلاعات، حل مسئله، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی، مهارت چگونه آموختن، تفکر خلاق، تفکر سیستمی؛

○ مهارت‌های شخصیتی مانند مسئولیت‌پذیری، منعطف‌بودن، توانایی مدیریت زمان، اعتماد به نفس داشتن، سخت‌کوشی؛

○ مهارت‌های کسب و کار مانند نوآوری، کارآفرینی، تجارت و مهارت‌های شغلی؛

○ مهارت‌های اجتماعی مانند مهارت و دانش شهروندی.

و فعالیت‌های اقتصادی و شاغل‌شدن و در یک کلام در زندگی به دست آورند.

شاخه‌های این درخت همان تخصص‌های متنوعی است که به نیازهای بازار کار پاسخ می‌دهد. این شاخه‌ها بعد از دوره متوسطه به دو شکل قرار می‌گیرند. دانش‌آموختگانی که می‌خواهند بلافاصله وارد بازار کار شوند، با گذراندن دوره‌های کوتاه مدت و فشرده (مثلاً شش ماهه) که توسط بخش صنعت یا سازمان‌هایی مانند سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای برای مشاغل معینی تشکیل می‌شود، وارد بازار کار می‌شوند و دانش‌آموختگانی که علاقه‌مند به ادامه تحصیل یا تخصص در سطوح بالاترند و به دوره‌های بلندمدت کاردانی و کارشناسی وارد می‌شوند و تخصص‌های مورد علاقه خودشان را به دست می‌آورند. بنابراین دوره‌های تخصصی برای ورود به بازار کار یا ادامه تحصیل در حوزه آموزش‌های پس از متوسطه یا آموزش عالی قرار می‌گیرد.

از دیدگاه عام‌گرایی، تربیت حرفه‌ای یک نیاز عمومی و به بیان دیگر یک آموزش عمومی است که همه‌ی آحاد جامعه به آن نیاز دارند و باید همه‌ی دانش‌آموزان از آغاز مدرسه تا پایان دبیرستان به صورت یک آموزش مداوم و مادام‌العمر پیوسته آن را بیاموزند

این مهارت‌ها باید در دوره دوم متوسطه آموخته شود و دانش‌آموختگان این دوره را برای ورود به زندگی اقتصادی و کاری آماده سازند تا پس از دانش‌آموختگی بتوانند صلاحیت و شایستگی لازم را برای حضور در محیط کار

منابع

1. Stenstrom, Marja-Leena (editor) (2009). Towards Interfation of Work and Learning: Strategies for Connectivity and Transformation, Springer Scinece and Business Media B.V.
2. Tappin, Sue (Senior International advisor of British Council), (2002). The UK Vocational Education and Training System. Professional and Competence, Brazil.
۳. نویدی و همکاران (۱۳۸۴). آموزش فنی و حرفه‌ای - چکیده تحقیقات. جلد چهارم، چاپ اول، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.



ضرورت تولید محتوای الکترونیکی آموزشی

دکتر حمیدرضا کفاش

چکیده

مختلف آموزشی کشور در دستور کار قرار داد. این کار گروه در قالب پاسخ‌گویی به پنج سؤال اساسی به‌طور علمی و هدفمند دیدگاه‌ها و تجارب شرکت‌کنندگان را طبقه‌بندی کرد. در این کار گروه از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا فرصت‌ها، چالش‌ها و مشکلات تولید و کاربست محتوای الکترونیکی آموزشی و همچنین راهبردهای منطقه آموزشی خود را در این رابطه بیان کنند.

نتیجه نهایی این کار گروه نشان داد که موانع ساخت‌افزایی، زیرساختی و مالی هم‌چنان مهم‌ترین مانع رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات در معنای عام و تولید محتوای الکترونیکی در معنای خاص است. کمبود نیروی متخصص، دانش و مهارت ناکافی معلمان و دانش‌آموزان، مقاومت مدیران و معلمان در مقابل نوآوری و نگرش منفی والدین به اینترنت در مناطق کم‌تر توسعه یافته و بعضاً کادر آموزشی و معلمان، موانع مهم دیگری است که در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)، محتوای الکترونیکی، محتوای دیجیتالی، شبکه مدرسه، آموزش و پرورش، انگیزه، نگرش، دانش و مهارت، تجهیزات و امکانات.

تعلیم و تربیت مانند بسیاری از فناوری‌های نوین، در تلاش است که از همه توان فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در جهت منافع نظام‌های آموزشی بهره بگیرد. در این راستا قریب به دو دهه میزان بهره‌مندی و رشد این فناوری در نظام‌های آموزشی از طریق شاخص‌های کمی و سخت‌افزاری، مانند نسبت تعداد رایانه‌ها به دانش‌آموزان، زیرساخت‌ها، میزان دسترسی به اینترنت و مانند آن‌ها مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است. اما نتایج پژوهش‌های چند سال اخیر در کشورهای برخوردار نشان می‌دهد که رشد این شاخص‌ها به تنهایی بیانگر بهره‌گیری مطلوب از این فناوری نیست؛ لذا در کنار آن باید به محتوای الکترونیکی، نوع بهره‌برداری، نسبت این فناوری با برنامه درسی و مانند آن‌ها توجه جدی نشان داد.

ایران نیز در اولین سند راهبردهای توسعه این فناوری در آموزش و پرورش، که در قالب طرح تکفا تعریف شد، به توسعه و تولید محتوای الکترونیکی به منزله یکی از راهبردهای اساسی توجه ویژه نشان داد. از این‌رو در بیست و پنجمین اجلاس رؤسای آموزش و پرورش سراسر کشور یکی از کار گروه‌ها تحت عنوان «تولید محتوای الکترونیکی»، بررسی فرصت‌ها، چالش‌ها و راهبردهای چرخه تولید و مصرف محتوای الکترونیکی را در مناطق

مقدمه

بعد از اختراع و ورود فناوری‌هایی چون رادیو، فیلم و تلویزیون به حوزه آموزش و پرورش، که در دوران خود اختراعات بسیار بزرگی بوده‌اند، حال نوبت به فناوری بسیار پیشرفته و پیچیده فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) رسیده است تا در میدان تعلیم و تربیت به جولان پردازد. چندین دهه است که فناوری نوین اطلاعات و ارتباطات تمام حوزه‌های فعالیت بشری از جمله تعلیم و تربیت را تحت تأثیر قرار داده است.

فرا پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که تاکنون در برخورد با این فناوری سه رویکرد مختلف اتخاذ شده است: **تحول‌گرا، اصلاح‌گرا و مدیریتی.**

در رویکرد اول تصور بر این است که این فناوری از چنان قابلیت‌هایی برخوردار است که می‌تواند در تمام ارکان آموزش و پرورش - از هدف‌ها گرفته تا ابزارها - تحول اساسی ایجاد کند.

اما طرفداران رویکرد اصلاح‌گرا امیدوارند که این فناوری بتواند کاستی‌ها و نواقص حال حاضر نظام آموزش و پرورش را برطرف کند و همگام با توسعه جوامع جهانی، ضمن تحقق هدف‌های ارزشی چون برقراری عدالت آموزشی، کیفیت فرایند یاددهی و یادگیری را ارتقا دهد.

در رویکرد مدیریتی، فناوری اطلاعات بیش‌تر در جهت هدف‌های مدیریتی، از جمله راه‌اندازی شبکه‌های ملی و محلی مدارس به منظور پایش و هدایت عملکرد نظام آموزشی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

در مقایسه فناوری اطلاعات و ارتباطات با دیگر فناوری‌ها، باید متذکر شد که فناوری اخیر از این امتیاز برخوردار بوده است که رویکرد جهانی در قبال به‌کارگیری آن در امر آموزش ابتدا به ساکن مثبت بوده است؛ در حالی که دیگر فناوری‌ها مدت‌ها بعد از اختراع و به‌کارگیری آن‌ها در دیگر حوزه‌های فعالیت بشری وارد حوزه آموزش شده‌اند. با وجود این رویکرد مثبت جهانی، باید اذعان کرد که کارشناسان و سیاست‌گذاران تعلیم و تربیت از بسیاری جهات باید منتظر فراهم شدن زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در سطح کلان کشور، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی باشند.

شاخص‌های رشد آی‌سی‌تی (ICT)

اگر همه‌گیر شدن فناوری‌هایی چون رادیو و تلویزیون در طول پنجاه و بیست سال اتفاق افتاد، نفوذ فناوری

آی‌سی‌تی در کشورهای مختلف در کم‌تر از یک دهه رخ داده است. در سطح بین‌المللی شاخص‌های^۱ متفاوتی را برای تعیین میزان برخورداری کشورها از این فناوری در نظر می‌گیرند که از جمله آن‌ها می‌توان به تعداد رایانه‌های شخصی (PC)، کاربران اینترنت، تعداد شرکت‌های خدمات‌دهنده اینترنت (ISP, Server)، پهنای باند^۲ و قیمت اتصال به اینترنت اشاره کرد.

بنا به گزارش بانک جهانی درباره وضعیت آی‌سی‌تی کشورها، برای نمونه تعداد کاربران اینترنت در سال ۲۰۰۳ در ایران حدود ۵۰ نفر، در فرانسه حدود ۴۰۰ نفر و در مالزی حدود ۲۰۰ نفر برای هر ۱۰۰۰ نفر بوده است. چنین تفاوت فاحشی را می‌توانید در مقایسه کامپیوترهای شخصی و تعداد مشترکین تلفن‌های ثابت و همراه نیز مشاهده کنید.

طبق آمار منتشر شده از سوی ITU (۲۰۰۴) شاخص‌های آی‌سی‌تی در کشورهای در حال توسعه (مانند ایران) بسیار پایین‌تر از متوسط کل جهان است (۳/۶۸ در مقابل ۱۲/۲۴ و ۵/۹۵ در مقابل ۱۳/۶۵). اما در بین کشورهای در حال توسعه (بدون در نظر گرفتن کشور مالزی که از وضعیت بسیار بهتری برخوردار است) ایران از جایگاه نسبتاً قابل قبولی برخوردار است. مطابق همین آمار تعداد کاربران اینترنت در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در طی دو سال (سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴) بیش از چهار برابر رشد کرده است.

شاخص‌های رشد آی‌سی‌تی در آموزش و پرورش

پیش از این اشاره کردیم که رویکرد جهانی درخصوص به‌کارگیری آی‌سی‌تی در امر آموزش مثبت بوده و یکی از ارکان آی‌سی‌تی در جهان را به خود اختصاص داده است و حوزه‌های هشت‌گانه آن در جهان عبارت‌اند از:

۱. بهداشت و درمان، ۲. اقتصاد اطلاعات، ۳. آموزش الکترونیک، ۴. ارتباطات اجتماعی، ۵. تجارت الکترونیک، ۶. تعامل بین دولت و جامعه، ۷. اشتغال و تحقیقات، ۸. سازمان‌های تحقیقاتی

پژوهش‌های متعددی درخصوص به‌کارگیری آی‌سی‌تی در حوزه تعلیم و تربیت صورت گرفته است. عموم این پژوهش‌ها تأکید دارند که در صورت استفاده صحیح و مناسب از ظرفیت‌های این فناوری، می‌توان ارتقای پیشرفت تحصیلی، افزایش سرعت یادگیری، تفکر

و استدلال عمیق‌تر، حمایت از مطالعه خود - راهبر و بالا رفتن عزت‌نفس در دانش‌آموزان را انتظار داشت (انصاری، ص ۷۰).

بی‌شک آی‌سی‌تی می‌تواند روندهای قدیم و سنتی تدریس را بهبود بخشد و روندهای ابتکاری و جدیدی را نیز خلق کند، به شرط آن‌که در جایگاه مناسب خود در نظام آموزشی قرار گیرد. در دهه اخیر کشورها برای ورود هرچه بیش‌تر آی‌سی‌تی به حوزه آموزش و پرورش تلاش کرده‌اند.

اندازه‌گیری میزان رشد و توسعه در این بخش نیازمند شاخص‌های ویژه‌ای بوده است. از این‌رو مراکز مختلف و یا کشورهای مختلف درصدد تعریف کردن شاخص‌های توسعه آی‌سی‌تی در حوزه آموزش و پرورش بوده‌اند. با وجود شباهت‌های فراوان این شاخص‌ها به یکدیگر، در حال حاضر مجموعه شاخص مشترک و واحدی در سطح بین‌المللی به چشم نمی‌خورد. برخی از کشورها بر بُعد سخت‌افزاری و زیربنایی آی‌سی‌تی و برخی دیگر بر کیفیت یاددهی و یادگیری آن تأکید کرده‌اند.

جدول شماره (۱)، برخی شاخص‌های توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش

یونسکو	کشورهای حوزه بالتیک
۱. زیرساخت آی‌سی‌تی برای آموزش ۱-۱. مدت زمان استفاده دانش‌آموزان از کامپیوتر ۱-۲. تعداد کامپیوترها ۱-۳. کیفیت کامپیوترها ۲. زیرساخت آی‌سی‌تی برای کارمندان ۲-۱. تعداد کارمندان متصل به شبکه ۲-۲. کیفیت کامپیوترها ۲-۳. کیفیت اتصال بین پایگاه‌های فعال ۳. سواد ۳-۱. استفاده از آی‌سی‌تی در مدیریت ۳-۲. استفاده از آی‌سی‌تی در کتابخانه ۴. اتصال به اینترنت ۴-۱. پهنای باند اختصاص یافته به هر کاربر ۴-۲. دستیابی به پیام‌نگار (ایمیل) ۴-۳. دستیابی به سرویس جست‌وجو ۴-۴. دستیابی به امکانات و تسهیلات وب سرور محلی و بهینه‌سازی پهنای باند ۵. اینترنت ۵-۱. حوزه تحت پوشش اینترنت ۵-۲. ظرفیت مرکز پشتیبانی اینترنت (back bone) ۵-۳. کیفیت فیزیکی مرکز پشتیبانی اینترنت (back bone) ۵-۴. کیفیت و اعتبار ۵-۵. استفاده واقعی از اینترنت ۵-۶. میزان خدمات ارائه شده در شبکه ۶. ظرفیت کنترل و تنظیم ۶-۱. داده‌های به دست آمده جهت کنترل و تنظیم شبکه ۶-۲. نرم‌افزار موجود جهت کنترل و تنظیم شبکه ۷. امنیت شبکه (ضد ویروس، فایروال، مدت زمان قطعی شبکه) ۸. بودجه آی‌سی‌تی (هزینه‌های اتصال به اینترنت، درآمدهای مرکز کامپیوتر) ۹. ظرفیت انسانی (تعداد کارمندان، سطح سواد کارمندان)	۱. محتوای آموزشی ۲. نسبت آی‌سی‌تی و آموزش و پرورش الف) جایگاه برنامه درسی در آی‌سی‌تی ب) آی‌سی‌تی به عنوان یک موضوع (درسی) مستقل پ) استفاده از آی‌سی‌تی برای حمایت از دیگر موضوعات برنامه درسی ۳. سخت‌افزار و تجهیزات الف) تعداد کلاس‌هایی که به کامپیوتر دسترسی دارند. ب) نسبت دانش‌آموزان به کامپیوتر ۴. نرم‌افزار الف) درصد نرم‌افزارهایی که توسط متخصصین داخلی برای آموزش درس‌های دوران ابتدایی، علوم، علوم انسانی، انفورماتیک و فناوری اطلاعات طراحی شده است. ب) درصد نرم‌افزارهایی که توسط متخصصین خارجی برای موضوعات بند الف طراحی شده است. ۵. ابزار ارتباط بین‌المللی الف) درصد دسترسی به اینترنت از طریق خط تلفن ب) درصد دسترسی به اینترنت از طریق اِدی‌اس‌ال (ADSL) پ) درصد دسترسی به اینترنت به شکل بی‌سیم ۶. کارمندان (سطح سواد آی‌سی‌تی معلمان و کارمندان در تمام سطوح)

با دقت در شاخص‌های یونسکو می‌توان به جای خالی برنامه‌درسی و نسبت آن با آی‌سی‌تی، معیارهای محتوایی آموزش الکترونیکی، ارزش‌یابی و مانند آن‌ها پی برد. اما در شاخص‌های کشورهای حوزه‌التیک به محتوای الکترونیکی آموزشی و نسبت آی‌سی‌تی و آموزش‌وپرورش توجه شده است.

اگر همه‌گیر شدن فناوری‌هایی چون رادیو و تلویزیون در طول پنجاه و بیست سال اتفاق افتاد، نفوذ فناوری آی‌سی‌تی در کشورهای مختلف در کم‌تر از یک دهه رخ داده است

در اولین مجموعه شاخص‌هایی که معرفی شده است، تنها دغدغه آموزش‌وپرورش فراهم کردن بسترها و زیرساخت‌های فناوری اطلاعات است. در این مرحله مسئله مهم وجود کامپیوتر و اتصال آن به شبکه است. و نوع استفاده از آی‌سی‌تی، میزان محتوای الکترونیکی و تأثیر آن بر امر یاددهی و یادگیری، کیفیت نرم‌افزاری مورد استفاده و در مجموع نسبت آی‌سی‌تی و برنامه‌درسی مورد غفلت قرار گرفته یا در درجه دوم اولویت واقع شده است. اما در شاخص‌های بعدی، غلبه بعد محتوایی و کیفی آی‌سی‌تی بر بعد سخت‌افزاری کاملاً مشهود است. مالزی نیز در شاخص‌های خود، فراهم بودن جنبه‌های سخت‌افزاری را پیش‌فرض گرفته و تنها به جنبه‌های محتوایی توجه کرده است. شاخص‌های آی‌سی‌تی در آموزش‌وپرورش کشور مالزی عبارت‌اند از:

۱. آی‌سی‌تی در برنامه‌درسی

۲. آی‌سی‌تی در تعلیم و تربیت

۳. آی‌سی‌تی در ارزیابی

۴. آی‌سی‌تی در محتوا

آی‌سی‌تی در آموزش‌وپرورش ایران

ایران نیز به تبع دیگر کشورهای توسعه یافته و در حال رشد، توسعه فناوری آی‌سی‌تی را در آموزش‌وپرورش دنبال کرده است. این روند با تصویب و ابلاغ طرح تکفا و گنجاندن آن در قالب برنامه توسعه سوم در دستور کار وزارت آموزش‌وپرورش قرار گرفت.

نخستین اقدام طراحی سیستم مدیریت بر مبنای اطلاعات بود که در سال ۱۳۶۹ در این خصوص مطالعه

جامعی برای تهیه سیستم ام‌آی‌اس (MIS) انجام گرفت. اما این روند در ادامه به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی واگذار شد. از سال ۱۳۸۰ تاکنون بخش‌های مختلف طرح و تدوین برنامه‌های عملیاتی راهاندازی گردیده و پروژه‌های اجرایی طرح توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات تعریف شده است. در ادامه به عناوین مهم‌ترین پروژه‌ها یا محورهای توسعه آی‌سی‌تی اشاره می‌شود.

- پروژه تجهیز مدارس به آزمایشگاه رایانه (با اولویت‌دادن به دبیرستان‌ها)؛
- پروژه آموزش (معلمان، مدیران، دانش‌آموزان)؛
- پروژه پژوهش و توسعه؛
- پروژه تولید محتوای الکترونیکی؛
- پروژه شبکه ملی مدارس.

همان‌طور که از پنج پروژه فوق و محتوای سند راهبردی برداشت می‌شود، وزارت آموزش‌وپرورش در ابتدای کار در کنار شبکه و سخت‌افزار، به محتوای الکترونیکی، آموزش و تحقیق و توسعه نیز به خوبی توجه کرده است. در شکل (۱)، سند راهبردی توسعه فناوری اطلاعات در آموزش‌وپرورش نشان داده شده است.

باید توجه داشت که توسعه سخت‌افزاری شرط لازم برای توسعه آی‌سی‌تی در آموزش‌وپرورش است، اما شرط کافی نخواهد بود. برای نمونه در پژوهش بین‌المللی چین و فایلی (۲۰۰۶) در مورد کاربرد آی‌سی‌تی در کشورهای در حال توسعه، این نتیجه مهم به دست آمد که بین متغیر قیمت اتصال به اینترنت از طریق تلفن ثابت و میزان استفاده از آن در این کشورها هم‌بستگی وجود ندارد.

پژوهشگران از این نتیجه این‌طور

استنباط کرده‌اند که قیمت

پایین اتصال به اینترنت

دلیل استفاده بیش‌تر

از آن نمی‌شود.

یکی از دلایل مهم استفاده از اینترنت خدماتی است که کاربر از آن منتفع می‌شود. اگر خدمات ارائه شده از طریق اینترنت مطابق نیاز کاربر باشد، قیمت اتصال به اینترنت چندان تعیین‌کننده نخواهد بود.

توسعه سخت‌افزاری شرط لازم برای توسعه آی‌سی‌تی در آموزش و پرورش است، اما شرط کافی نخواهد بود

با کمی تساهل و احتیاط می‌توان در مورد نرم‌افزارهای آموزشی و شبکه‌های اینترنتی وابسته به حوزه تعلیم و تربیت نیز چنین نتیجه گرفت که اگر تمام زیرساخت‌ها فراهم باشد اما محتوای ارائه شده مبتنی بر ویژگی‌ها و نیازهای

مخاطب یا کاربر نباشد، هدف نهایی سرمایه‌گذاری‌ها عقیم خواهد ماند. برعکس اگر محتوا یا خدمات ارائه شده متناسب با مخاطب و برآورده‌کننده نیازهای کاربران باشد، تقاضا برای فراهم شدن زیرساخت‌ها افزایش پیدا خواهد کرد و چه بسا افراد یا مدارس خود را برای تهیه برخی از تجهیزات و سخت‌افزارها ملزم نمایند.

برای نمونه اگر شبکه رشد (شبکه ملی مدارس ایران) از لحاظ کیفی و محتوایی قوی و قدرتمند باشد و با برنامه درسی به درستی تلفیق شود، چه بسا خانواده‌ها برای بهره‌مندی فرزندان از مزایا و خدمات آن خود را در تهیه رایانه شخصی ملزم سازند.



زیرساخت‌های کشور - با تمام نارسایی‌ها - خوش‌بختانه، تا جایی که بتوان از جنبه‌های کیفی و محتوایی سخن گفت، پیشرفت کرده است. برای نمونه ایران در رتبه‌بندی ITU (۲۰۰۳) براساس دسترسی دیجیتال با ۴۳٪ دسترسی (هم‌ردیف کشورهای چین عربستان و اردن) در سطح متوسط طبقه‌بندی شده است. علاوه بر این رتبه ایران از لحاظ آمادگی الکترونیکی، در بین کشورهای جهان در سال ۲۰۰۵، پنجاه و نه و در سال ۲۰۰۶، شصت و پنج بوده است (سایت اطلاع‌رسانی وزارت ارتباطات و اطلاعات WWW.ICT.GOV.IR).

در همین راستا در بیست و پنجمین اجلاس سران آموزش و پرورش کشور یکی از کار گروه‌ها به تولید محتوای الکترونیکی اختصاص داده شد. در این کار گروه سعی شد که مشکلات تولید و بهره‌برداری از محتوای الکترونیکی آموزشی از دید رؤسای مناطق آموزشی مورد بررسی قرار گیرد. برای آن که جلسات از نظم و از انسجام لازم برخوردار باشد، پیش از شروع جلسات ریاست گروه به اتفاق دیگر اعضای گروه، از جمله اعضای هیئت علمی، به بررسی ابعاد مختلف توسعه محتوای الکترونیکی پرداختند.

ماحصل این جلسات مقدماتی آن بود که در ابتدای جلسه مفاهیم اساسی و مشترک کار گروه به شرکت‌کنندگان معرفی شود تا به‌طور نسبی همگی از ادبیات مشترکی برخوردار شوند. در ادامه محورهای اساسی بحث که همان موانع اصلی چرخه تولید و مصرف محتوای الکترونیکی بود به شرکت‌کنندگان ارائه شد تا به‌طور نظام‌مند به بیان مشکلات و راهکارها بپردازند.

لازم است یادآوری شود این محورها تنها جنبه پیشنهادی داشتند و شرکت‌کنندگان به هیچ‌وجه مجبور نبودند که در قالب تعیین‌شده حرکت کنند. محورهای اساسی‌ای که در تولید و مصرف محتوای الکترونیکی مؤثر هستند از منابع معتبر استخراج و طبقه‌بندی شد و به شرح زیر در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت:

عوامل و مفاهیم کلیدی، در چرخه تولید و مصرف محتوای الکترونیکی در آموزش و پرورش

۱. نگرش

(الف) دانش‌آموزان

(ب) معلمان

(ج) مدیران مدارس و کادر آموزشی

۲. دانش و مهارت

(الف) دانش‌آموزان

(ب) معلمان (آموزش‌های ضمن خدمت)

(ج) مدیران مدارس و کادر آموزشی

۳. بستر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری

(الف) امکانات و تجهیزات مدارس

(ب) شبکه‌های ملی و محلی یا پایگاه‌های مدارس

(ج) میزان دسترسی دانش‌آموزان و معلمان (در مدرسه و خارج از مدرسه)

(د) پشتیبانی (مالی، سخت‌افزاری و نرم‌افزاری)

۴. انگیزه

(الف) پشتیبانی

(ب) مسائل حقوقی

(ج) نظام تشویقی

۵. محتوای الکترونیکی

(الف) تولید

الف - ۱: معلمان

الف - ۲: دانش‌آموزان

الف - ۳: بخش خصوصی و دیگر سازمان‌ها

ب: مصرف

ب - ۱: معلمان

ب - ۲: دانش‌آموزان

ب - ۳: مدیران و کادر آموزشی

ب - ۴: فرهنگ مصرف

ج: مدیریت و توزیع

ج - ۱: برنامه‌ریزی و تعیین سیاست‌ها

ج - ۲: کنترل کیفیت محتوا

ج - ۳: نظارت بر سیستم توزیع

ج - ۴: حق مالکیت / مسائل حقوقی

ج - ۵: بازاریابی / تبلیغ

۶. پژوهش و ارزش‌یابی

همان‌طور که اشاره شد برای هدفمند کردن بحث‌های

کارگروه مفاهیم کلیدی مربوط به محتوای الکترونیکی در

ابتدای بحث به شرکت‌کنندگان معرفی شد و هر جا نیاز

بود در مورد هر یک توضیح مختصری ارائه شد. مفاهیم

ارائه شده موردنظر عبارت‌اند از:

آموزش / یادگیری

یادگیری: به فرایند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان

رفتاری که حاصل تجربه است گفته می‌شود (سیف، ۱۳۸۱).

آموزش: فراهم آوردن فرصت‌هایی برای این که دانش‌آموزان یاد بگیرند (سیف). مجموعه تصمیمات و اقداماتی که یکی پس از دیگری اتخاذ می‌شود یا انجام می‌گیرد و هدف از آن‌ها دستیابی هرچه بیش‌تر فراگیرنده به هدف‌های آموزشی است (فردانش، ۱۳۸۳). نگرش‌ها و رویکردهای متخصصان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت به آموزش در دهه‌های اخیر تغییر کرده است.

جدول شماره (۲) بین نگرش‌های سنتی و امروزی مقایسه‌ای انجام داده است.

فناوری اطلاعات و ارتباطات آی‌سی‌تی

به مجموعه امکانات سخت‌افزاری، نرم‌افزاری، شبکه‌ای و ارتباطی به منظور دستیابی مطلوب به اطلاعات گفته می‌شود. فناوری اطلاعات و ارتباطات اغلب در یک مفهوم و جایگاه خاص، مورد بررسی کاربردی دقیق‌تر قرار می‌گیرد. نظیر فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش، بهداشت، کتابخانه‌ها و غیره (www.Sakh Ravesh.com, ۱۳۸۲).

در سال ۱۹۸۵ مؤسسه جورجیای آمریکا تعریف نسبتاً جامع و قابل قبولی از فناوری اطلاعات و ارتباطات ارائه کرد: «فناوری اطلاعات و ارتباطات دانشی است که به بررسی ویژگی‌ها و چگونگی اطلاعات، نیروهای حاکم بر جهان

اطلاعات، و ابزار آماده‌سازی آن‌ها برای به حداکثر رساندن دستیابی به اطلاعات، و قابل استفاده کردن آن می‌پردازد. آماده‌سازی اطلاعات شامل تفکیک اطلاعات دقیق، علمی و مستند، جمع‌آوری، سازمان‌دهی، ذخیره، بازیابی، تفسیر، اشاعه و استفاده از آن می‌شود.» (خوشکنار، ۱۳۸۳).

زیرساخت‌های کشور - با تمام نارسایی‌ها - خوش‌بختانه، تا جایی که بتوان از جنبه‌های کیفی و محتوایی سخن گفت، پیشرفته کرده است

میزان دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات

سهولت دسترسی و همچنین میزان ساعات در دسترس بودن رایانه و اینترنت در طول شبانه‌روز مدنظر است. به این ترتیب در پژوهش حاضر دسترسی در خانه به صورت بیش‌ترین میزان دسترسی در نظر گرفته شده است و به ترتیب دسترسی در مدرسه، کافی‌نت، خانه اقوام و دوستان و عدم دسترسی در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

جدول شماره (۲)، مقایسه نگرش‌های سنتی و امروزی به آموزش

مؤلفه‌های آموزشی	نگرش سنتی (قرن ۱۹ و ۲۰)	نگرش امروزی
نگاه به آموزش و یادگیری	فردی	اجتماعی
سازماندهی و ساختار	هرمی - سلسله‌مراتبی	شبکه‌ای - توزیع شده
تصمیم‌گیری	براساس نظریه‌های موجود	براساس انبوه اطلاعات جمع‌آوری شده
راهبرد	از بالا به پایین	از پایین به بالا
روش‌های مدیریت آموزشی	سازمان یافته	انعطاف‌پذیر
نوع سیستم	پایدار	تغییرپذیر (همگام با تغییرات و نیازهای جامعه)
تأکید بر	رقابت	مشارکت
محوریت	معلم محور	شاگرد محور
وظیفه یادگیرندگان	ذخیره‌سازی مطالب از پیش تعیین شده (غیرفعال)	مدیریت اطلاعات و تولید دانش (فعال هستند)
روابط مربیان و یادگیرندگان	دانا - نادان	جامعه یادگیرندگان
نقش مربیان	یادگیرندگان به او وابسته‌اند	تسهیل‌کننده فعالیت‌های آموزشی
حجم مطالب	محدود و انتخاب شده (یادگیری کمی)	نامحدود و متنوع (یادگیری کیفی)
تولید محتوا در فرایند یاددهی - یادگیری	هیچ (تدوین نمی‌شود)	حاصل کار گروهی و ارتباطات داخلی
دوره آموزشی	دبستان - دبیرستان - دانشگاه	آموزش برای تمام عمر
هدف آزمون	ارتقا به دوره بالاتر	وسایلهای برای تعیین میزان دستیابی به اهداف آموزشی

نشان می‌دهند و جهت صرف انرژی و وقت برای استفاده از آن حاضرند و در مواردی آن را بر دیگر روش‌ها ترجیح می‌دهند.

تجهیزات و امکانات

منظور از تجهیزات و امکانات، وجود رایانه، دسترسی به اینترنت، اختصاص بودجه کافی برای تهیه مواد آموزشی برای استفاده در رایانه، وجود نرم‌افزارهای مناسب، و مانند آن در مدرسه است.

در سال ۱۹۸۵ مؤسسه جورجیای آمریکا تعریف نسبتاً جامع و قابل قبولی از فناوری اطلاعات و ارتباطات ارائه کرد: «فناوری اطلاعات و ارتباطات دانشی است که به بررسی ویژگی‌ها و چگونگی اطلاعات، نیروهای حاکم بر جهان اطلاعات، و ابزار آماده‌سازی آن‌ها برای به حداکثر رساندن دستیابی به اطلاعات، و قابل استفاده کردن آن می‌پردازد»

شبکه مدارس

مفهوم شبکه مدارس از اواسط دهه ۱۹۹۰ رواج یافته است یعنی همان زمانی که اینترنت به صورت گسترده‌تری در آموزش مورد استفاده قرار گرفت. تعاریف و فعالیت‌های شبکه مدارس متفاوت هستند اما به‌طور کلی می‌توان شبکه مدارس را به عنوان شبکه‌ای توصیف کرد. برای پشتیبانی از استفاده مؤثر آی‌سی‌تی، به ویژه اینترنت جهت ارتقای آموزش و تشویق ارتباط و همکاری بیش‌تر در بین شبکه‌های مدارس (یونسکو، ۲۰۰۷). شبکه‌های مدارس می‌توانند بومی، ملی یا بین‌المللی (منطقه‌ای) باشند.

یکی از اولین شبکه‌های مدارس بین‌المللی (در سطح منطقه) شبکه مدارس نوردیک^۳ (Nordic) بود که در اوایل دهه ۱۹۹۰ توسط شورای مدیران نوردیک تأمین شد. تقریباً در همان زمان، در جاهای دیگر نیز شبکه مدارس بومی و ملی راه‌اندازی شد، مثلاً شبکه مدارس اوهایو (Ohio) در سال ۱۹۹۴ یا شبکه مدارس اروپا و شبکه مدارس کانادا که هر دوی آن‌ها در اواسط دهه ۱۹۹۰ تأسیس شدند (همان، ص. ۱۰).

میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات

میزان استفاده در این کار گروه به مدت زمانی اشاره دارد که هر فرد از رایانه و اینترنت استفاده می‌کند.

نگرش

از نظر آلپورت (۱۹۹۱) نگرش‌ها شبیه صفات هستند، به جز این‌که نگرش‌ها هدف‌های خاصی دارند و شامل ارزیابی‌های مثبت و منفی هستند. از نظر کتل، نگرش‌ها تمایلات، هیجان‌ها، و رفتارهای ما نسبت به یک شخص، شیء یا رویداد هستند. نگرش‌ها در برگیرنده هیجان‌ها، اعمال و عقاید هستند (سید محمدی، ۱۳۷۹؛ ص. ۵۶۲). منظور از نگرش به فناوری اطلاعات و ارتباطات در این کار گروه، دیدگاه کلی مدیران، دبیران، دانش‌آموزان و والدین در قبال فناوری جدید (رایانه و اینترنت) است که مثبت، منفی یا خنثا ارزیابی خواهد شد.

دانش و مهارت

در این پژوهش، منظور از دانش و مهارت فناوری اطلاعات و ارتباطات، دانش و مهارت‌های عملی‌ای است که دبیران در قالب آموزش‌های رسمی و غیررسمی در جهت به‌کارگیری و بهره‌گیری از رایانه و اینترنت، با هدف‌های گوناگون از آن برخوردارند. دانش، بیش‌تر به داده‌ها و اطلاعات شناختی اشاره دارد. برای نمونه اطلاع از مبانی رایانه و اینترنت و درک صحیح و جامع نسبت به فرایندهای کلی آن در طبقه دانش قرار می‌گیرد. اما واژه مهارت، بیش‌تر به توانایی‌های عملی، مانند کار با ویندوز، مدیریت فایل‌ها، جست‌وجوی اینترنتی، گفت‌وگوی اینترنتی و مانند آن اشاره دارد.

انگیزه

سیفرت (۱۹۹۱) انگیزه را به صورت نیاز یا خواست ویژه‌ای تعریف می‌کند. لفرانسوا (۱۹۹۷) انگیزه را علت و دلیل رفتار می‌داند «دلیل این‌که چرا ما برخی رفتارها را انجام می‌دهیم ولی برخی دیگر را انجام نمی‌دهیم، انگیزه‌های ما هستند» (سیف، ۱۳۸۰؛ ص. ۳۴۷). منظور از انگیزه دبیران، مدیران، کادر آموزشی و دانش‌آموزان نسبت به استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات این است که این افراد تا چه اندازه به استفاده از رایانه و اینترنت در تدریس، آموزش و یادگیری علاقه

آن‌ها مدنظر متخصصان تعلیم و تربیت نیست. از این‌رو تقسیم‌بندی زیر می‌تواند به تفکیک محتوای الکترونیکی آموزشی از دیگر انواع آن کمک کند.

محتوای الکترونیکی انواع مختلفی دارد که همه آن‌ها مدنظر متخصصان تعلیم و تربیت نیست

الف) انواع محتوای الکترونیکی

- محتوای مبتنی بر اطلاعات: مانند نقاط دینی و گردشگری یک شهر، اخبار؛
- محتوای سرگرم‌کننده: بازی برخط، تالار گفت‌وگو، موسیقی محلی، کلیپ‌های ویدئویی؛
- محتوای تجاری: تبلیغات؛
- محتوای آموزشی: شبکه‌های آموزشی، کتاب‌های دیجیتال آموزشی و

ب) ضرورت و اهمیت محتوای الکترونیکی آموزشی
در ادامه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به اهمیت و ضرورت محتوای الکترونیکی آموزشی پرداخته شده است و سپس لزوم بهره‌برداری از محتوای الکترونیکی در سرفصل‌های زیر خلاصه شده است:

اهداف کلی شبکه آموزشی عبارت‌اند از:

- ترویج، تقویت و حمایت از همکاری و مشارکت در بین مدارس؛
- در دسترس قرار دادن خدمات اطلاعاتی و آموزشی براساس ارزش و معیارهای ملی و محلی؛
- حمایت و پشتیبانی از ارتقای حرفه‌ای معلمان؛
- کمک به توسعه فناوری که موجب افزایش یادگیری در مدارس می‌شود؛
- اشاعه نمونه‌هایی از تجربه‌های خوب و بررسی الگوهای جدید تحصیل و یادگیری؛
- ارائه خدمات، محتوا و ابزار به اعضا و مشارکت‌کنندگان شبکه مدارس، براساس فناوری جدید ارتباطات و اطلاعات و تسهیل توسعه رویکردی مشترک در راستای معیارها و قابلیت اجرایی کار شبکه‌های مدارس و سازماندهی آن‌ها در سه شاخه زیر:
- خدمات و شبکه‌ای کردن مدارس (Networking)؛
- ایجاد دانش و تبادل تجربه و خط‌مشی آی‌سی‌تی؛
- تبادل محتوا و قابلیت اجرایی.

محتوای دیجیتالی و منابع یادگیری

محتوای الکترونیکی انواع مختلفی دارد که همه

- تسهیل فرایند تمرکززدایی از نظام آموزشی؛
- اشتراک منابع (با توجه به محدودیت منابع در کشورهای در حال توسعه)؛
- قابلیت فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهت به کارگیری رویکردهای جدید یادگیری (از جمله سازنده گرایی)؛
- رشد دانش و مهارت به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات؛

- پرکردن خلأ محتوایی به زبان فارسی در فضای مجازی و جلوگیری از آسیب های احتمالی فناوری اطلاعات و ارتباطات (از جمله هرزگی اطلاعات، خستگی اطلاعات، ...)

- فراهم کردن بستری برای نوآوری های آموزشی؛
- حمایت از زبان فارسی در فضای مجازی؛
- تحقق عدالت آموزشی؛
- تسهیل فرایند تولید علم و پژوهش؛
- ...

ج: قالب های محتوای الکترونیکی آموزشی

- متن
- صدا
- صدا - تصویر
- تصاویر ثابت
- تصاویر متحرک
- فیلم
- بازی
- بازی و سرگرمی
- تلویزیون
- محتوای برخط (وبکم های برخط، ویدئو کنفرانس های برخط، و...).

پی نوشت

1. indicators
2. bandwidth
۳. نوردیک (Nordic) شامل کشورهای دانمارک، فنلاند، جزایر فارو، گرینلند، ایسلند و نروژ، سوئد و آکند است. برای اطلاعات بیشتر در مورد وبسایت شبکه مدارس نوردیک به این سایت مراجعه کنید:
www.nordiskol.org

منابع

۱. گزارش روند برگزاری اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی (wsis) و مشارکت ایرا (ژنو - ۲۰۰۳)، دبیرخانه شورای عالی

اطلاعرسانی ۱۳۸۳.

۲. آثار اجتماعی اقتصادی فناوری اطلاعات و ارتباطات بر آموزش (گزارش اول)، مریم انصاری (۱۳۸۲)، شورای عالی اطلاعرسانی.

۳. بررسی آثار چالش های فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه آموزش (گزارش دوم)، مریم انصاری (۱۳۸۳)، شورای عالی اطلاعرسانی.

۴. شبکه ملی مدارس ایران. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دفتر تکنولوژی آموزشی (بی تا).

۵. اسکندری، حسین، بررسی عوامل مؤثر بر بهره گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در بین دبیران دوره متوسطه استان خراسان شمالی، سازمان آموزش و پرورش استان خراسان شمالی، ۱۳۸۵.

۶. جلالی، علی اکبر و عباسی، محمدعلی، فناوری ارتباطات و اطلاعات در آموزش و پرورش سایر کشورهای دنیا. **همایش سالانه برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات**، تهران، انجمن برنامه ریزی درسی ایران، تیرماه ۱۳۸۳.

۷. خوشکنار، احمد. بررسی و مقایسه میزان دسترسی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در میان معلمان و دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان قم، در سال تحصیلی ۱۳۸۳-۸۴. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی ۱۳۸۳.

۸. یونسکو (۲۰۰۷). سری درس های آموخته شده فناوری اطلاعات و ارتباطات؛ جلد ۳؛ راه اندازی و مدیریت شبکه مدارس. وزارت آموزش و پرورش دفتر توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات آموزشی ۱۳۸۷.

9. Michael Tracono, Knowledge Maps: ICT in Education. InfoDev. World Bank Washington. D.C. (2005)

10. Report of Experts Meeting on Documenting Experiences the Use of ICT in Education and Schoolnet Operations. Bangkok, Thailand 7-8 July 2003. Unesco Bangkok (2004)

11. Closing the Gap in Education and Technology, David de Ferranti et al. (2003), the World Bank Washington D.C.

12. 2006 Information and Communications for Development Global Trends and Policies (2006) the World Bank Washington. D.C.

13. ICT Use in the Developing World An Analysis of Differences in Computer and International Penetration. Menzie D. Chinn & and Robert W. Fairlie (2006).

12. WWW.ICT.GOV.IR

13. WWW.ITU.UN

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و اشتغال

✿ محمد شریف‌زاده ✿

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه جامعه واقعی
انکارناپذیر تلقی می‌شود.

اگر بخواهیم تعریفی از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ارائه دهیم، باید بگوییم آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، انجام فعالیت‌هایی است که می‌تواند فرد را برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار آماده کند یا کارآیی و توانایی وی را در انجام آن افزایش دهد. این آموزش‌ها کمک می‌کنند تا در راستای فناوری و علوم وابسته، به همراه دانش‌های خاص مربوط به شغل و در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهارت‌های لازم کسب گردد.

نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه جامعه واقعی انکارناپذیر تلقی می‌شود

با توجه به تعریف فوق، انتظار می‌رود آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بتواند، شیوه آموزش را به گونه‌ای طراحی کند که مهارت‌های لازم را به هنرجویان ارائه نماید. آموزش مهارت‌های لازم باید در راستای نیازهای جامعه باشد. در غیر این صورت، جامعه قدرت جذب آن‌ها را نخواهد داشت.

آموزش مهارت‌ها، ضمن آن‌که باید با نیازهای جامعه و سطح توسعه یافتگی آن متناسب باشد، باید بتواند فناوری‌های نوین را نیز مورد توجه قرار دهد.

هم‌چنین، در آموزش مهارت‌ها نباید فرهنگ جامعه را مورد غفلت قرار داد. از این منظر، پرورش نیروهای فنی و حرفه‌ای و به تبع آن توسعه تکنولوژی باید همگام و متوازن با رشد فرهنگی جامعه باشد، زیرا نبودن هماهنگی و توازن بین فرهنگ و تکنولوژی، به استفاده نادرست و نامطلوب از تکنولوژی منجر می‌شود.

اگر نکات یاد شده در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مورد توجه قرار گیرد، می‌توان انتظار داشت که همراه با توسعه یافتگی جامعه و پرورش نیروهای مؤثر در آن، اشتغال نیروهای فعال جامعه به طور قابل ملاحظه‌ای صورت

کلیدواژه‌ها: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، اشتغال، توسعه.

پیدایش ابزار و شکل‌گیری حرفه، با شکل‌گیری فرهنگ و ساختارمند شدن زبان و توسعه جامعه قرین است. نمی‌توان بین پیدایش فرهنگ و فناوری (تکنولوژی) فاصله‌ای قائل شد. زیرا انسان زمانی که ابزار ساز گردید انسانی اندیشه‌ورز و با فرهنگ بود. در فرهنگ دینی و ملی ما کار و اهمیت پیشه‌ها و هنرها از قداست و اهمیت خاصی برخوردار است.

در این باره در قابوس‌نامه، تألیف عنصرالمعالی کیکاوس ابن اسکندر، می‌خوانیم: «هر چند پیشه، نه کار کودکان [، که کار] محتشمان است، هنر دیگر است و پیشه دیگر؛ اما از روی حقیقت، نزدیک من، پیشه بزرگ‌ترین هنر است». در سده‌های اخیر نیز آموزش فنون و مهارت‌ها، علاوه بر کارگاه‌ها و مراکز مختلف اشتغال، حتی در مدارس که غربیان در ایران تأسیس کردند مورد توجه بوده است. چنان‌که پرکینز آمریکایی، صرف‌نظر از مقاصد خاصی که غالباً مسیونرهای مذهبی داشتند، مدرسه‌ای برای دروس علمی و عملی را در دوره قاجار در تبریز تأسیس می‌کند. هم‌چنین، در این دوران شاهد تأسیس دارالفنون هستیم. به تدریج، با عمومی‌تر شدن کار تعلیم و تربیت، تأسیس مدارس متعدد در شهرهای بزرگ و کوچک ایران هم‌چنان ادامه یافت، اما به دلیل درک نشدن ضرورت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی، مدارس، بیش‌تر در جهت آموزش‌های تئوری و فاصله گرفتن از تعلیم فنون و حرفه‌ای مورد نیاز جامعه گسترش یافت.

این رشد ناهم‌گون تا آن‌جا پیش رفت که شمار دانش‌آموختگان (فارغ‌التحصیلان) هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای حتی به میزان یک پنجم دانش‌آموختگان دبیرستان‌های نظری نیز نرسید. در حالی‌که نیاز جامعه به نیروی ماهر و حرفه‌ای به شدت احساس می‌شد. از سوی دیگر، با توجه به اهداف برنامه‌های توسعه، نقش

پذیرد. در نتیجه، نقش آموزش و پرورش درخصوص تربیت نیروهای فنی و توسعه صنعت و فناوری جامعه پررنگ‌تر و با اهمیت‌تر می‌شود.

حال، اگر آموزش و پرورش نتواند در این قسمت نیروهایی را در شاخه فنی و حرفه‌ای تربیت کند که مورد نیاز بخش صنعت جامعه باشد یا توانایی لازم را برای فعالیت در این بخش نداشته باشند، به تدریج، بخش خصوصی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مؤثرتری را ایفا می‌کند و مورد استقبال بیش‌تر مردم قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، آموزش‌های غیررسمی فنی و حرفه‌ای، نسبت به آموزش‌های رسمی در تأثیر بر توانمندی شغلی اولویت پیدا می‌کنند.

یکی از تنگناهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آن است که این نوع آموزش از یک‌سو هم‌گون و متوازن با آموزش‌های نظری نیست و از سوی دیگر این توازن و هماهنگی حتی در درون آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بین بخش‌های مختلف، از جمله صنعت، خدمات و کشاورزی به چشم نمی‌خورد.

انتظار می‌رود آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بتواند، شیوه‌ی آموزش را به گونه‌ای طراحی کند که مهارت‌های لازم را به هنرجویان ارائه نماید

آموزش مطلوب فنی و حرفه‌ای در هر جامعه عبارت از توازن بین این بخش‌ها با یکدیگر و توجه کردن به نیازها و مقتضیات جامعه است. طبیعی است در یک جامعه کشاورزی باید محور آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در جهت رشد و توسعه این نوع آموزش‌ها باشد، همین‌طور در یک شهر صنعتی فاقد زمین‌های حاصل‌خیز، باید به صنعت و گسترش آن اندیشید.

از آنجایی که کشور ایران، هم از لحاظ زمین‌های قابل کشت و هم از جنبه سطح توسعه یافتگی، در زمینه کشاورزی از توانمندی‌های مطلوبی برخوردار است، انتظار می‌رود برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران، برنامه‌های کوتاه مدت و بلندمدت خود را در این راستا طراحی نمایند.

یکی از دلایل خالی شدن روستاها از سکنه و بلااستفاده ماندن زمین‌های قابل کشت و مهاجرت افراد به شهرها و پیدایش حومه‌نشینی، بی‌توجهی به بخش کشاورزی، ارائه نشدن آموزش‌های علمی در این بخش و

سنتی بودن آن است. این عوامل فعالیت در این بخش را برای قشر تحصیل‌کرده فاقد جذابیت لازم ساخته است. از سوی دیگر، توسعه نامتوازن بخش خدمات در شهرها بر جذابیت شهر افزوده و جوانان روستایی را راهی شهرها نموده است.

یکی از تنگناهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آن است که این نوع آموزش از یک‌سو هم‌گون و متوازن با آموزش‌های نظری نیست و از سوی دیگر این توازن و هماهنگی حتی در درون آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بین بخش‌های مختلف، از جمله صنعت، خدمات و کشاورزی به چشم نمی‌خورد

هم‌اکنون، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در وزارت آموزش و پرورش تلاش می‌کند با شناخت درست از نیازهای جامعه، وضعیت اشتغال، چگونگی توسعه و همپا و همگام شدن با فناوری‌های نوین، سامانه آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی کشور را به گونه‌ای طراحی نماید که (۱) موجب جذب دانش‌آموزان مستعد در این بخش شود. (۲) توسعه رشته‌ها در هر یک از بخش‌های فنی و حرفه‌ای، متناسب با نیازهای جامعه و در راستای فرایند پیشرفت جامعه باشد.

(۳) در برنامه‌ریزی‌ها به پیامدهای مثبت و منفی برنامه‌ها، با توجه به سنجش آن در شرایط واقعی جامعه، توجه شود. (۴) در توسعه رشته‌ها و بخش‌های صنعتی، به مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه توجه شود.

(۵) توسعه هنرستان‌ها در هر منطقه براساس نوع فعالیت‌های زندگی آن‌ها طراحی شود. آموزش مهارت‌های غیرمرتبط با دام‌پروری در یک جامعه عشایری یا بدون ارتباط با کشاورزی در مناطق کشاورزی، نه تنها نیروی کار آن جامعه را از آن‌ها می‌گیرد، بلکه به دلیل نوع آموزش‌های ارائه شده، زندگی افراد را در مناطق عشایری و کشاورزی ناممکن می‌سازد و افراد به ناچار براساس توانمندی علمی خود راهی شهرها می‌شوند. در آن‌جا نیز، به دلیل افزونی نیروی کار بر نیروی مورد نیاز، شاهد پیدایش شغل‌های کاذب خواهیم بود، ضمن این‌که زمین‌های کشاورزی و دام، که قسمت عمده‌ای از منابع تأمین غذای مردم یک جامعه را دربرمی‌گیرند، به تدریج بلااستفاده و نابود می‌شوند.

رابطه امکانات آموزشی و مهارت‌آموزی هنرجویان

دکتر محمد طالقانی
استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر زهره شکیبایی
استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

عزت‌الله مرادی
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی

چکیده

کلیدواژه‌ها: شاخهٔ کاردانش، مهارت‌آموزی، تجهیزات و امکانات هنرستان‌ها، فضای آموزشی.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین هدف‌هایی که در سال‌های اخیر بر آن تأکید می‌شود تحقق استقلال و خودباوری ملی است. از مهم‌ترین وجوه این هدف تأمین استقلال علمی و فنی است و لازمهٔ تحقق چنین هدفی نیز وجود نیروی انسانی کارآزموده و متخصص است. به عبارت دیگر، خودباوری ملی بدون وجود نیروی انسانی کاردان و شایسته امکان‌پذیر نیست.

هدف شاخهٔ کاردانش، تقویت نیروی انسانی موردنیاز بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات براساس نیازهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است. برای نیل به این هدف وجود امکانات و تجهیزات هر رشته ضروری و لازم به نظر می‌رسد، چرا که در چنین رشته‌هایی ابزار و تجهیزات نقش عمده‌ای در مهارت‌آموزی این رشته‌ها دارد. هدف این پژوهش بررسی امکانات آموزشی موجود رشته‌های مختلف هنرستان‌های کاردانش استان گیلان و رابطهٔ آن با میزان مهارت‌آموزی هنرجویان است. نتایج حاصل گویای آن است که امکانات استاندارد رشته‌ها از امکانات موجود کمتر است و امکانات آموزشی با مهارت‌آموزی دانش‌آموزان رابطه دارد. ضمناً امکانات آموزشی در همهٔ شهرستان‌ها به‌طور یک‌سان نیست و رشته‌های دارای سابقه بالا و پایین از نظر امکانات با یکدیگر تفاوت معنی‌دار دارند.



بیان مسئله

شاخهٔ کاردانش، به عنوان محور نظام جدید آموزش متوسطه، هم‌چنین برای گسترش آموزش‌های مهارتی و پاسخ به نیازهای شغلی و اجتماعی جامعه با سرمایه‌گذاری‌های فکری و مادی تأسیس گردید. اما عوامل مختلفی از جمله مدیریت، کیفیت نیروی انسانی شاغل در هنرستان‌ها و امکانات و تجهیزات و غیره آن‌ها بر کیفیت مهارت‌آموزی تأثیر دارد و کمیت و کیفیت این عوامل می‌تواند بر بهبود این آموزش‌ها و کمک به تحقیق اهداف این شاخهٔ مهم تحصیل تأثیر بگذارد. در این بین کمیت و کیفیت امکانات آموزشی می‌تواند بر میزان مهارت‌آموزی دانش‌آموزان و بهبود عملکرد هنرستان‌ها اثری اساسی داشته باشد (چهاربند، ۱۳۷۹، ص ۳).

توجه به این موضوع و اهمیت امکانات و بهبود و کیفیت مهارت‌آموزی، محقق را بر آن داشت تا به تأثیر این عامل در کیفیت مهارت‌آموزی بپردازد. بنابراین محقق در این پژوهش قصد دارد ضمن بررسی امکانات آموزشی موجود در هنرستان‌های استان گیلان، رابطه آن را با میزان مهارت‌آموزی هنرجویان مورد بررسی قرار دهد (بافکر، ۱۳۸۵، ص ۲).

تدوین یک الگو یا معیار مناسب جهت امکانات کارگاهی و آزمایشگاهی لازم است، به گونه‌ای که با شرایط تخصصی هر رشته و کشف نقاط ضعف و قوت آن‌ها در جهت بهبود بخشیدن به کیفیت آموزش متناسب باشد و بودجهٔ عمومی آموزش و پرورش استان را تأمین و هم‌چنین امکان جذب سرمایه و تجهیزات بیشتری را فراهم کند. بنابراین برای حفظ سرمایه‌های کشور (نیروی انسانی و امکانات) و استفادهٔ بهینه از این سرمایه‌ها برای حال و آیندگان و هم‌چنین بالا بردن کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، چاره‌ای جز استاندارد نمودن امکانات کارگاهی و آزمایشگاهی دیده نمی‌شود (رضاپور، ۱۳۸۲، ص ۲۰).

اگر نسبت به عوامل مؤثر در افزایش میزان اثربخشی این نوع مهارت‌ها، از جمله امکانات کارگاهی، توجه نشود از میزان کارایی آن‌ها کاسته می‌شود، در نتیجه هزینه‌های سنگینی بر پیکرهٔ جامعه وارد می‌گردد و در آینده نیز با جوانانی فاقد مهارت و توانمندی علمی مواجه خواهیم شد. هدف کلی این پژوهش بررسی میزان امکانات آموزشی موجود رشته‌های مختلف هنرستان‌های کاردانش استان

گیلان و رابطهٔ آن با میزان مهارت‌آموزی هنرجویان است. اهداف فرعی نیز عبارت‌اند از:

- بررسی و تعیین وضعیت موجود امکانات هنرستان‌های مربوط به هر رشته؛

- بررسی و تعیین وضعیت موجود میزان مهارت‌آموزی هنرجویان؛

- بررسی رابطهٔ بین امکانات آموزشی هنرستان‌ها و میزان مهارت‌آموزی هنرجویان؛

- مقایسهٔ میزان امکانات آموزشی رشته‌های مختلف، هنرستان‌های کم‌سابقه و باسابقه در مناطق مختلف استان.

سؤالات تحقیق

۱. امکانات آموزشی موجود در هر یک از رشته‌های کاردانش هنرستان‌های گیلان تا چه میزان با استانداردها مطابقت دارد؟

۲. آیا بین میزان امکانات آموزشی هنرستان‌های گیلان با میزان مهارت‌آموزی هنرجویان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

۳. آیا بین امکانات آموزشی رشته‌های کاردانش مناطق مختلف استان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

۴. آیا بین امکانات آموزشی رشته‌های مختلف هنرستان‌ها با یکدیگر تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

۵. آیا بین امکانات آموزشی رشته‌های دارای سابقهٔ بالا و پایین تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

مبانی نظری و پیشینهٔ تحقیق مدل‌ها و راهکارهای نوین در اتصال آموزش به بازار کار

برای ایجاد نزدیکی بین آنچه که در مدارس به دانش‌آموزان آموخته می‌شود و آنچه مورد نیاز بازار کار و منابع از حیث توانایی‌ها، قابلیت‌ها و شایستگی‌های نیروی ماهر است مدل‌ها و شیوه‌های زیر تدوین و توسعه یافته است.

الف) مدل کار محور: که در کشور ژاپن به عنوان روشی جهت آماده‌سازی جوانان برای حضور در نظام اقتصادی - اجتماعی مورد توجه و تأکید فراوان قرار گیرد و ناظر به نقش و اهمیت محیط واقعی کار در تربیت اثربخش‌تر نیروهای کار جامعه است.

ب) مدل مدرسه محور: که بیشتر در نظام آموزش

۵. نوعی معتقد است اکثر دانش‌آموختگان هنرستان‌ها و آموزشکده‌ها از آموخته‌های دوران تحصیل در شغل خود بهره نمی‌گیرند.

برای حفظ سرمایه‌های کشور (نیروی انسانی و امکانات) و استفاده‌ی بهینه از این سرمایه‌ها برای حال و آیندگان و همچنین بالا بردن کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، چاره‌ای جز استاندارد نمودن امکانات کارگاهی و آزمایشگاهی دیده نمی‌شود

روش تحقیق

روش تحقیق از نوع پیمایشی توصیفی است و برای ارزیابی امکانات و تجهیزات آموزشی مورد نیاز هنرستان‌ها از روش میدانی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان هنرستان‌های کار دانش استان گیلان در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ است، که پایه تحصیلی دوم و سوم را (جمعاً ۴۱۰۵ دانش‌آموز با ۳۳ رشته) که جمعاً در ۴۵ هنرستان مشغول به تحصیل‌اند، شامل می‌شود.

در این پژوهش ۱۰ رشته تحصیلی و نیز تعداد ۳۲۷ دانش‌آموز در این رشته‌ها مشغول به تحصیل‌اند، که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب گردیدند. در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات از روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شده و جهت گردآوری نمره مهارت دانش‌آموزان به بررسی پرونده و جست‌وجو در اسناد مدرسه پرداخته شده است.

برای جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش، از پرسش‌نامه (چک لیست) استفاده گردیده است. چک لیست تجهیزات و امکانات همان لیست استاندارد تجهیزات رشته‌های کار دانش است که مشخصات فنی تجهیزات و تعداد تجهیزات برای هر دانش‌آموز را شامل می‌شود. بنابراین برای جمع‌آوری اطلاعات از دو نوع ابزار استفاده شده است:

- فرم مقایسه وضعیت مطلوب با وضعیت موجود امکانات آموزشی (چک لیست)؛
- فرم و لیست نمرات مهارت و مقایسه آن با میزان امکانات کارگاهی استاندارد.

آمریکا و انگلستان مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد. در این کشورها اعتقاد بر این است که نظام آموزشی مسئولیت دارد دانش‌آموزان را در مدارس آموزش دهد و آن‌ها را برای دنیای کار آماده سازد.

ج) مدل مختلط مدرسه/ کار محور: که بارزترین آن در کشور آلمان است.

از دیدگاه صاحب‌نظران و براساس مفروضات این مدل، آماده‌سازی جوانان برای بازار کار به اشتراک مساعی نظام آموزش و بخش صنعت و مراکز جامعه نیازمند است. از این رو مشاهده می‌شود که کشورهای توسعه یافته، متناسب با وضعیت اقتصادی خود، با الگو قرار دادن یکی از این مدل‌ها جهت انطباق هر چه بیشتر فعالیت‌های آموزش در زمینه‌سازی پرورش افراد با خصوصیات و مهارت‌های اساسی مورد نیاز بازار کار به ایجاد تغییرات عمده و نوآوری‌های آموزشی دست زده‌اند، که مهم‌ترین آن‌ها پرورش نیروی انسانی خلاق برای بازار کار است.

کشور ایران قدم اولیه را برای پیشرفت و صنعتی شدن برداشته است. عامل اساسی پیشرفت، نیروی انسانی ماهر و متخصص است که توسط نظام آموزشی تربیت می‌شود. یکی از راهکارهای تربیت نیروی انسانی حرفه‌ای کردن آموزش است که نظام آموزشی، از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش، به آن روی آورده است (عزیزی، ۱۳۷۷، صص ۵۲-۴۸).

از مجموع پژوهش‌های انجام شده، که مورد استفاده این پژوهش قرار گرفته است، نتیجه‌گیری می‌شود:

۱. اکرام‌نیا دریافت رشته‌های فنی و کشاورزی نسبت به رشته‌های حرفه‌ای و هنرستان‌های دخترانه تجهیزات بیشتری دارد.

۲. مرادی نتیجه گرفت رابطه هماهنگی بین رشته‌های مهارتی موجود کار دانش با نیازهای بازار کار در کوتاه مدت و بلندمدت وجود ندارد.

۳. فتح‌آبادی بیان می‌دارد کارفرمایان، دانش نظری دانش‌آموختگان را برای پاسخ‌گویی به نیازهای شغلی کافی نمی‌دانند اما مهارت‌های عملی آنان را کافی ارزش‌یابی کردند.

۴. نفیسی نتیجه می‌گیرد دانش‌آموختگان (فارغ‌التحصیلان) آموزش فنی و حرفه‌ای از مهارت لازم برخوردار نیستند و برای اشتغال در مراکز تولیدی و صنعتی، قبل از شروع به کار، به آموزش نیاز دارند.

اعتبار و پایایی ابزار

در این تحقیق روایی، صوری و محتوایی است. برای سنجش روایی فرم‌های جمع‌آوری اطلاعات از روایی محتوایی استفاده شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در این پژوهش برای توصیف متغیرهای تحقیق از آمار توصیفی استفاده شده و برای پاسخ به سؤالات تحقیق از آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسن، آزمون تی تست (t-test) و تحلیل واریانس استفاده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش از ۱۰ رشته برق، کامپیوتر، تعمیر ماشین، ساختمان‌سازی، جوشکاری، نقشه‌کشی ساختمان، نقشه‌کشی به کمک رایانه، تعمیر لوازم خانگی،

جدول (۱): بررسی امکانات آموزشی رشته‌های مختلف هنرستان‌ها با استاندارد موجود

رشته‌ی تحصیلی	زیراستاندارد		استاندارد		بالای استاندارد		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
برق صنعتی	۱۱۷۱	۷۹/۳	۲۲۹	۱۵/۵	۷۷	۵/۲	۱۴۷۷	۱۰۰
کامپیوتر	۳۴	۵۶/۷	۲۲	۳۶/۷	۴	۶/۷	۶۰	۱۰۰
تعمیر ماشین	۳۷۰	۶۹/۵	۱۴۶	۲۷/۴	۱۶	۳	۵۳۲	۱۰۰
جوشکاری برق	۹	۳۷/۵	۱۱	۴۵/۸	۴	۱۶/۷	۲۴	۱۰۰
نقشه‌کشی	۲۹	۶۹	۱۳	۳۱	-	-	۴۲	۱۰۰
تعمیر لوازم خانگی	۲۰۶	۵۷/۹	۱۳۵	۳۷/۹	۱۵	۴/۲	۳۵۶	۱۰۰
ساختمان‌سازی	۶۱	۸۲/۴	۹	۱۲/۲	۴	۵/۴	۷۴	۱۰۰
مکانیک	۲۴۷	۶۷/۵	۱۰۵	۲۸/۷	۱۴	۳/۸	۳۶۶	۱۰۰
پی‌ال‌سی (PLC)	۱۲	۵۲/۵	۱۹	۴۷/۵	-	-	۴۰	۱۰۰
نقشه‌کشی به کمک رایانه	۴	۴۴/۴	۴	۴۴/۴	۱	۱۱/۱	۹	۱۰۰

جدول فوق حاوی توزیع فراوانی امکانات آموزشی رشته‌های مختلف هنرستان‌ها با استانداردهای موجود است. طبق داده‌های جدول در رشته برق صنعتی بیشترین درصد مربوط به زیراستاندارد و ۱/۵ درصد امکانات رشته برق در حد استاندارد است. در رشته کامپیوتر نیز بیشترین درصد مربوط به امکانات زیراستاندارد و ۳۶/۷ درصد امکانات این رشته در حد استاندارد است. امکانات رشته تعمیر ماشین ۶۹/۵ درصد زیر استاندارد و در رشته جوشکاری برق ۳۷/۵ درصد زیر استاندارد است در حالی که

مکانیک و پی‌ال‌سی (plc) انتخاب شده است. بیشترین تعداد از رشته برق با ۱۷/۴ درصد بودند که ۶۲/۷ درصد آنان از پایه دوم تحصیلی و ۳۷/۳ درصد از پایه سوم انتخاب شدند.

شاخص آماری نمرات دانش‌آموزان هنرستان‌های استان گیلان بیانگر این است که میانگین نمره دانش‌آموزان رشته ساختمان‌سازی بالاتر از سایر رشته‌هاست. دانش‌آموزان رشته پی‌ال‌سی از لحاظ نمره در رتبه دوم‌اند و کمترین نمره به دانش‌آموزان رشته برق تعلق دارد. نتایج حاصل از آزمون‌های آماری درخصوص پاسخ به سؤالات تحقیق به این شرح است:

سؤالات اول تحقیق: امکانات آموزشی در هر یک از رشته‌های کاردانش هنرستان‌های گیلان تا چه میزان با استاندارد مطابقت دارد؟

درصد استاندارد آن ۴۵/۸ درصد است. درخصوص امکانات رشته تعمیر لوازم خانگی ۵۷/۹ درصد زیراستاندارد و ۳۷/۹ درصد استاندارد است و تنها ۴/۲ درصد از امکانات این رشته بالای استاندارد است. درخصوص رشته پی‌ال‌سی (plc) ۵۲/۵ درصد امکانات این رشته زیر استاندارد و ۴۷/۵ درصد استاندارد است. امکانات رشته نقشه‌کشی به کمک رایانه ۴۴/۴ درصد زیراستاندارد و همین درصد نیز استاندارد است، در حالی که ۱۱/۱ درصد امکانات بالای استاندارد است.

سؤال دوم تحقیق: آیا بین میزان امکانات آموزشی هنرستان‌های گیلان با مهارت‌آموزی دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جدول (۲): بررسی رابطه بین امکانات آموزشی رشته مکانیک با مهارت‌آموزی دانش‌آموزان

تعداد	سطح معناداری	مقدار آزمون
۵	۰/۸۱	-۰/۱۲

بین امکانات آموزشی رشته مکانیک با مهارت‌آموزی دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. H_1 با دقت در جدول فوق می‌توان دریافت که فرض صفر تأیید و فرضیه محقق رد می‌گردد، زیرا سطح معناداری حاصل از آزمون ۰/۸ و بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین بین دو متغیر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. رابطه به دست آمده یک رابطه معکوس است؛ یعنی با افزایش امکانات آموزشی این رشته، نمره مهارت‌آموزی آن‌ها کاهش می‌یابد و برعکس، هرچند شدت این رابطه بسیار ضعیف است (۱۲٪).

آیا بین امکانات آموزشی رشته مکانیک (تعمیر موتور خودرو) با مهارت‌آموزی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟

این سؤال از طریق ضریب هم‌بستگی پیرسن مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل در جدول (۲) وارد شده است. در این سؤال فرض صفر و فرض تحقیق به شرح زیر است:

بین امکانات آموزشی رشته مکانیک با مهارت‌آموزی دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. H_0

جدول (۳): بررسی رابطه بین امکانات آموزشی رشته تعمیر لوازم خانگی با مهارت‌آموزی دانش‌آموزان

تعداد	سطح معناداری	مقدار آزمون
۴	۰/۰۳	۰/۹

بین امکانات آموزشی رشته تعمیر لوازم خانگی با مهارت‌آموزی دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. H_1

با دقت در جدول فوق می‌توان دریافت که فرض صفر رد و فرضیه محقق پذیرفته می‌شود، زیرا سطح معناداری حاصل از ضریب هم‌بستگی ۰/۰۳ و کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت بین دو متغیر رابطه وجود دارد و با توجه به مقدار آزمون، که مثبت است، می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه مستقیم وجود دارد. به این معنی که هرچه امکانات آموزشی رشته تعمیر لوازم خانگی بیشتر باشد مهارت‌آموزی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد و برعکس هرچه امکانات آموزشی رشته تعمیر لوازم خانگی کمتر باشد، مهارت‌آموزی دانش‌آموزان نیز کمتر می‌شود.

آیا بین امکانات آموزشی رشته تعمیر لوازم خانگی با مهارت‌آموزی دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

این سؤال از طریق ضریب هم‌بستگی پیرسن مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل در جدول (۳) وارد شده است. در این سؤال فرض صفر و فرض تحقیق به شرح زیر است:

بین امکانات آموزشی رشته تعمیر لوازم خانگی با مهارت‌آموزی دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. H_0

آماده‌سازی جوانان برای بازار کار به اشتراک مساعی نظام آموزش و بخش صنعت و مراکز جامعه نیازمند است

جدول (۴): بررسی رابطه بین امکانات آموزشی با مهارت‌آموزی دانش‌آموزان رشته نقشه‌کشی

تعداد	سطح معناداری	مقدار آزمون
۴	۰/۴	۰/۵

دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. H_0
 بین امکانات آموزشی رشته نقشه‌کشی با مهارت‌آموزی
 دانش‌آموزان تفاوت معنی‌دار وجود دارد. H_1
 با دقت در جدول بالا می‌توان دریافت که سطح
 معناداری حاصل از ضریب هم‌بستگی $0/4$ و بزرگ‌تر از
 $0/05$ است. بنابراین فرضیه H_0 یعنی فرضیه محقق رد
 و فرضیه صفر پذیرفته شده است و بین دو متغیر رابطه
 معنی‌داری وجود ندارد.

آیا بین امکانات آموزشی رشته نقشه‌کشی با مهارت‌آموزی دانش‌آموزان این رشته تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

این سؤال از طریق ضریب هم‌بستگی پیرسن مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل در جدول (۴) وارد شده است. در این سؤال فرض صفر و فرض تحقیق به شرح زیر است:

بین امکانات آموزشی رشته نقشه‌کشی با مهارت‌آموزی

جدول (۵): بررسی رابطه بین امکانات آموزشی با مهارت‌آموزی دانش‌آموزان رشته تعمیر ماشین الکتریکی

تعداد	سطح معناداری	مقدار آزمون
۵	$0/82$	$0/12$

آیا بین امکانات آموزشی رشته تعمیر ماشین الکتریکی با مهارت‌آموزی دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

این سؤال از طریق ضریب هم‌بستگی پیرسن مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل در جدول (۵) وارد شده است. در این سؤال فرض صفر و فرض تحقیق به شرح زیر است:

بین امکانات آموزشی رشته تعمیر ماشین الکتریکی با مهارت‌آموزی دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. H_0

بین امکانات آموزشی رشته تعمیر ماشین الکتریکی با مهارت‌آموزی دانش‌آموزان تفاوت معنی‌دار وجود دارد. H_1

با دقت در جدول بالا می‌توان دریافت که فرض صفر قبول و فرضیه محقق رد می‌گردد، زیرا سطح معناداری حاصل از ضریب هم‌بستگی $0/8$ و بزرگ‌تر از $0/05$ است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

جدول (۶): بررسی رابطه بین امکانات آموزشی با مهارت‌آموزی دانش‌آموزان رشته کامپیوتر

تعداد	سطح معناداری	مقدار آزمون
۴	$0/57$	$0/42$

شاخص آماری نمرات دانش‌آموزان هنرستان‌های استان گیلان بیانگر این است که میانگین نمره‌ی دانش‌آموزان رشته‌ی ساختمان‌سازی بالاتر از سایر رشته‌هاست



آیا بین امکانات آموزشی رشته کامپیوتر با مهارت آموزشی دانش آموزان رابطه وجود دارد؟

این سؤال از طریق ضریب همبستگی پیرسن مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل در جدول (۶) وارد شده است. در این سؤال فرض صفر و فرض تحقیق به شرح زیر است:

بین امکانات آموزشی رشته کامپیوتر با مهارت آموزشی دانش آموزان این رشته تفاوت معنی داری وجود ندارد. H_0

بین امکانات آموزشی رشته مکانیک با مهارت آموزشی دانش آموزان تفاوت معنی داری وجود دارد

بین امکانات آموزشی رشته کامپیوتر با مهارت آموزشی دانش آموزان این رشته تفاوت معنی داری وجود دارد. H_1
با دقت در جدول بالا می توان دریافت که فرض صفر رد و فرضیه محقق پذیرفته می شود، زیرا سطح معناداری حاصل از ضریب همبستگی ۰/۵۷ است. بنابراین، می توان نتیجه گرفت بین دو متغیر رابطه معنی داری وجود ندارد.

جدول (۷): بررسی رابطه بین امکانات آموزشی با مهارت آموزشی دانش آموزان رشته برق صنعتی

تعداد	سطح معناداری	مقدار آزمون
۶	۰/۱	-۰/۶۷

آیا بین امکانات آموزشی رشته برق با مهارت آموزشی دانش آموزان رابطه وجود دارد؟

این سؤال از طریق ضریب همبستگی پیرسن مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل در جدول (۷) وارد شده است. در این سؤال فرض صفر و فرض تحقیق به شرح زیر است:

بین امکانات آموزشی با مهارت آموزشی دانش آموزان رشته برق تفاوت معنی داری وجود ندارد. H_0
بین امکانات آموزشی با مهارت آموزشی دانش آموزان

سؤال سوم تحقیق: آیا بین میزان امکانات آموزشی رشته های کاردانش مناطق مختلف استان تفاوت معنی داری وجود دارد؟

جدول (۸): بین امکانات آموزشی رشته های کاردانش مناطق مختلف استان تفاوت معنی دار وجود دارد

درجه ی آزادی	مقدار F	سطح معناداری	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص های آماری
						شهرستان ها
۵	۲۸/۸	۰/۰۰۱	۴۲/۷	۳۵/۱	۳۸۴	ماسال
			۳۹/۳	۲۶/۲	۳۲۶	لنگرود
			۳۲/۹	۲۱/۷	۲۱۱	فومن
			۴۸/۷	۵۳/۱	۵۳۵	رشت
			۴۳/۸	۳۹/۳	۴۷۳	انزلی
			۳۸/۹	۲۹/۷	۵۸۹	رضوانشهر
			۸۳/۳	۸۱/۹	۱۱۴	آستانه
			۴۶/۶	۲۴/۳	۳۴۸	تالش
			۴۶/۶	۳۶/۵	۲۹۸۰	جمع

آیا بین امکانات آموزشی رشته‌های کاردانش مناطق مختلف استان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

این سؤال از طریق آزمون تحلیل واریانس (Anova) مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل در جدول (۸) آورده شده است. در این سؤال فرض صفر و فرض تحقیق به شرح زیر است:

بین امکانات آموزشی رشته‌های کاردانش مناطق مختلف استان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. H_0
 بین امکانات آموزشی رشته‌های کاردانش مناطق مختلف استان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. H_1

با دقت در جدول فوق می‌توان دریافت که فرض صفر رد و فرض محقق قبول می‌گردد. سطح معناداری حاصل از آزمون $0/01$ و کوچک‌تر از $0/05$ است. بنابراین، می‌توان

گفت امکانات آموزشی در شهرهای مختلف متفاوت بوده است. با مقایسه میانگین‌ها می‌توان گفت امکانات آموزشی شهرستان آستانه از مناطق دیگر بیشتر و امکانات مربوط به شهرستان فومن از مناطق دیگر کمتر است.

حال سؤال این است که تفاوت مشاهده شده بین کدام یک از گروه‌هاست. برای مشخص کردن موضوع آزمون تعقیبی شفه اجرا شد. نتایج حاصل از آزمون تعقیبی در جدول (۸) وارد شده است.

جهت بررسی تفاوت، از آزمون تحلیل واریانس استفاده گردیده است.

سؤال چهارم تحقیق: آیا بین میزان امکانات آموزشی رشته‌های کاردانش مناطق مختلف استان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جدول (۹): بررسی تفاوت امکانات آموزشی رشته‌های مختلف هنرستان‌های استان گیلان

مقدار آزمون	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
۵/۲	۹	۰/۰۰۱	۱۰۹/۴	۴۰/۳	۱۴۷۷	برق صنعتی
			۱۴۴/۳	۶۷/۵	۳۵۶	تعمیر لوازم خانگی
			۱۳۳/۹	۴۶/۳	۵۳۲	تعمیر ماشین
			۳۱۱/۷	۱۷۲/۹	۲۴	جوشکاری برق
			۵۲/۳	۳۸/۱	۷۴	ساختمان‌سازی
			۵۵/۱	۵۴/۷	۶۰	کامپیوتر
			۶۰/۸	۴۹/۲	۳۶۶	مکانیک
			۴۵/۷	۳۸/۸	۴۲	نقشه‌کشی
			۵۰/۱	۴۸/۴	۴۰	پی‌اس‌سی (PLC)
			۶۲/۱	۷۰/۸	۹	نقشه‌کشی به کمک رایانه
			۱۱۴/۹	۴۷/۲	۲۹۸۰	جمع

شرح زیر است:

بین امکانات آموزشی رشته‌های مختلف هنرستان‌های استان گیلان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. H_0

بین امکانات آموزشی رشته‌های مختلف هنرستان‌های استان گیلان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. H_1
 با دقت در جدول (۹) می‌توان دریافت که فرض صفر

آیا بین امکانات آموزشی رشته‌های مختلف هنرستان‌های استان گیلان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

این سؤال از طریق آزمون تحلیل واریانس (Anova) مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل در جدول (۹) آورده شده است. در این سؤال فرض صفر و فرض تحقیق به

رد و فرضیه تحقیق قبول می‌گردد، زیرا سطح معناداری حاصل از آزمون ۰/۰۰۱ و کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین، می‌توان گفت امکانات آموزشی در رشته‌های مختلف هنرستان‌های گیلان متفاوت است. با مقایسه میانگین‌ها می‌توان دریافت کمترین امکانات به رشته ساختمان‌سازی

اختصاص یافته است و نیز در رشته جوشکاری برق امکانات آموزش بیشتری وجود دارد.

سؤال پنجم تحقیق: آیا بین میزان امکانات آموزشی رشته‌های دارای سابقه بالا و پایین تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جدول (۱۰): تطابق امکانات آموزشی رشته‌های دارای سابقه بالا و پایین

مقدار آزمون	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
۵/۲	۹	۰/۰۰۱	۴۶/۷	۳۴/۸	۲۵۳۵	رشته‌های قدیم
			۴۴/۳	۴۶/۳	۴۴۵	رشته‌های جدید

از آزمون ۰/۰۰۱ و کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین، می‌توان گفت بین امکانات آموزشی رشته‌های دارای سابقه بالا و پایین تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به این معنی که رشته‌های جدید از امکانات آموزشی بیشتری برخوردارند. به عبارت دیگر، امکانات آموزشی رشته‌های جدید با استانداردهای موجود مطابقت بیشتری دارد. جهت بررسی تفاوت بین رشته‌های دارای سابقه بالا و پایین از آزمون تی‌تست (t-test) استفاده شده است.

بین امکانات آموزشی رشته‌های کاردانش مناطق مختلف استان تفاوت معنی‌داری وجود دارد

محقق در این فرضیه به بررسی میانگین امکانات موجود با استانداردهای موجود می‌پردازد. جهت بررسی سؤال یا فرضیه تحقیق از آزمون تی‌تست (t-test) استفاده شده است. جدول فوق به بررسی تفاوت امکانات آموزشی رشته‌های دارای سابقه بالا و پایین می‌پردازد. سطح معناداری حاصل



پیشنهاده‌ها

با توجه به نتیجه‌ی به‌دست آمده از یافته‌ها و اطلاعات موجود پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. تخصیص امکانات به‌طور یکسان و مساوی به مدارس استان؛
۲. اختصاص دادن امکانات آموزشی در حد استاندارد به مدارس استان؛
۳. توجه مساوی و هم‌زمان به رشته‌های مختلف هنرستان‌ها؛
۴. توجه و پی‌گیری بیشتر مدیران هنرستان‌ها جهت دریافت وسایل و تجهیزات لازم رشته‌ها.



۶. مرادی، ناصر، (۱۳۷۷)، بررسی رابطه بین رشته‌های مختلف شاخه کاردانش با نیازهای بازار کار در سطح شهرستان‌های استان تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

۷. نطاق‌بافکر، رحمان، (۱۳۸۵)، نشریه داخلی ویژه معرفی تجهیزات، امکانات، رشته‌های مختلف تحصیلی، انتشارات سازمان آموزش و پرورش استان گیلان.

۸. نفیسی، عبدالحسین، (۱۳۷۸)، بررسی نارسایی‌های ارتباط نظام آموزش فنی‌وحرفه‌ای با بازار کار و ارائه راه‌حل‌های اصلاحی، تهران، انتشارات مدرسه، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزشی.

۹. نوحی، مه‌ری، (۱۳۷۵)، بررسی مسائل اشتغال فارغ‌التحصیلان دختر هنرستان‌ها و آموزش‌شکده‌های فنی‌وحرفه‌ای، طرح پژوهشی، تهران، معاونت آموزش متوسطه، دفتر تألیف و برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه.

منابع

۱. اکرام‌نیا، غلامرضا، (۱۳۸۰)، بررسی فضاهای کارگاهی و آزمایشگاهی هنرستان‌های استان اصفهان و مقایسه آن با استانداردهای مربوط به هر رشته، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۲. چهاربند، اسفندیار، (۱۳۷۹)، فصل‌نامه آموزشی کردانش، شماره ۳۳ و ۳۴.
۳. رضایپور، غلامرضا، (۱۳۸۲)، بررسی تناسبی نیازهای آموزشی آموزشگاه‌های شاخه کاردانش با امکانات موجود آن‌ها در شهرستان کاشان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان.
۴. عزیزی، نعمت‌اله، (۱۳۷۷)، ارتباط آموزش و توسعه اقتصادی، ضرورت بررسی روش‌ها و راهکارهای نوین اتصال نظام آموزشی به بازار کار، فصل‌نامه تعلیم و تربیت شماره ۳ و ۴.
۵. فتح‌آبادی، محمدباقر، (۱۳۸۰)، بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ شاخه کاردانش استان مرکزی، طرح پژوهشی، اراک، سازمان آموزش و پرورش.

ضرورت تحول در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

دکتر نعمت‌اله متین

عضو هیئت علمی پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت

کلیدواژه‌ها: آموزش فنی و حرفه‌ای، تحول، اشتغال، بازار کار.

کار می‌نماییم.

مطابق اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله باید ۲/۵ درصد از رشد ۸ درصدی اقتصاد کشور، حاصل از ارتقای بهره‌وری باشد که متأسفانه اهدافمان با واقعیات فاصله دارند.

سرعت علم و پیشرفت آن در بعضی از کشورها برای همه ما محسوس است. جایگاه ما در این سرعت و پیشرفت، مناسب و شایسته نیست. این جایگاه را اصولاً آموزش و پرورش تعیین می‌کند. آموزش و پرورش باید جلوتر از زمان حرکت کند، زیرا برای آینده تربیت می‌کند. آموزش و پرورش در کشور ما نه فقط با زمان حرکت نمی‌کند، که از زمان هم عقب مانده است! مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ما ریشه‌اش در آموزش و پرورش است و به نظر نگارنده ضرورت و اهمیت تحول در آموزش و پرورش امری حتمی و جدی است.

برای فراگیر نمودن آموزش و پرورش با کیفیت و نوآور نمودن آن و رسیدن به اهداف سند بیست ساله کشور باید گام‌های محکم و سریع، با دقت و جدیت برداشته شود. مدیریت دانش محور به سادگی در حوزه‌های مختلف ایجاد نمی‌شود. آموزش‌ها باید خود را با شرایط جهانی شدن وفق دهند. بنابراین لازم است در جای‌جای آموزش و پرورش تحول ایجاد شود. یکی از این ایستگاه‌ها حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است.

افزایش جمعیت فعال کشور، با توجه به ساختار جمعیتی و رشد نرخ بیکاری در کشور، هم‌چنین وجود

آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل، نیروی کار چین را بزرگ‌ترین ثروت این کشور قلمداد می‌کند، ثروتی که در حال حاضر در کشور ما به‌وفور یافت می‌شود. اما چرا به‌جای بهره‌برداری از این ثروت گران‌بها، همواره با مشکل اشتغال‌زایی و بهره‌وری نیروی کار روبه‌رو هستیم؟ با اندکی تأمل در اوضاع اقتصادی چین و با توجه به تأثیر بحران جهانی بر اقتصادهای قدرتمند دنیا، می‌بینیم که توان مدیریت اقتصادی این کشور که ناشی از تکامل نیروی کار، سرمایه و مدیریت آن است، چین را به سکاندار اقتصاد جهان تبدیل کرده است. امروزه دغدغه اصلی کشورهای دنیا، چگونگی افزایش تولیدات با استفاده از انواع ابزارها و اهرم‌های تکنولوژیکی و مدیریتی و بهره‌گیری از منابع انسانی کارآمد است؛ موضوعی که در کشور ما جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است.

یقیناً اگر برنامه‌ریزی‌های کشور بر توسعه منابع هماهنگ و همگام با کیفیت نیروی انسانی پایه‌گذاری می‌شد، اکنون با این نرخ فزاینده بیکاری تحصیل‌کردگان روبه‌رو نبودیم. البته دلیل آن هم کاملاً روشن است؛ زیرا ما همواره نیروی کار کشورمان را بدون بررسی‌ها و نیازسنجی‌های شغلی-برخلاف کشورهای نظیر ژاپن که سالانه میلیون‌ها دلار صرف مطالعات و امکان‌سنجی‌های شغلی نیروی کارشان می‌کنند- وارد دانشگاه و سپس بازار

دانش آموختگان (فارغ التحصیلان) بیکار برخی رشته‌های دانشگاهی، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را بیشتر از گذشته به اهمیت ارائه آموزش‌های متناسب با نیازهای جامعه و ایجاد تعادل در توزیع امکانات و فرصت‌های آموزشی متوجه می‌نماید.

ضرورت توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

یکی از مناسب‌ترین راه‌حل‌های مشکلات اشتغال، رشد و توسعه کمی و کیفی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش است. هرچه کیفیت آموزش‌های کاربردی و مهارتی غنی‌تر و تنوع رشته‌ها با سیاست‌های توسعه کشور هماهنگ‌تر باشد، جذب دانش‌آموختگان در مشاغل مرتبط بیش‌تر و انحراف شغلی آن‌ها کم‌تر می‌شود.

بنابراین لازم است این‌گونه آموزش‌ها از لحاظ ساختار، محتوا و کیفیت متحول شوند و با نیازهای اشتغال و نیازهای منطقه‌ای و جهانی همخوانی داشته باشند و به موازات تغییرات سریع و وسیع فناوری، خود را با این دگرگونی‌ها هماهنگ‌سازند. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای عامل مهمی در تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد است. به‌طوری که سازمان یونسکو معتقد است، آموزش فنی و حرفه‌ای باید بخش مکمل نظام آموزشی همه‌جانبه باشد، از این‌رو باید به محتوای فرهنگی آن توجه کافی شود. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید همگام با آموزش عمومی شخصیت و منش فرد را نیز پرورش دهد.

امروزه به بخش آموزش و اثرات آن از دیدگاه‌های مختلف نگریسته می‌شود. از یک دیدگاه کلی، اثرات آموزش از دو جنبه رشد فردی و رشد اجتماعی قابل بررسی است. بنابراین، از جنبه‌های اخلاقی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد.

آن‌چه مسلم است تعداد زیادی از افراد، گذشته از برخورداری از اثرات فردی و تربیتی آموزش، (به‌خصوص آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کارودانش) به آن به‌منزله ابزاری برای رسیدن به شغلی مناسب می‌نگرند. واقعیت این است که در بررسی انگیزه‌های روی آوردن دانش‌آموزان به تحصیل، به‌ویژه در بعد آموزش‌های رسمی، دستیابی به مشاغل مناسب، از جمله انگیزه‌های غالب آن‌ها در تحصیل به‌شمار می‌آید.

از سوی دیگر، عده‌ای عقیده دارند که صرف کردن وقت برای آموزش‌های رسمی بلندمدت چنانچه بدون برنامه‌ریزی و آینده‌نگری باشد، فرصت‌های شغلی و

زمانی افراد را از آن‌ها سلب می‌نماید. به‌خصوص اخیراً که دانش‌آموختگان حوزه فنی و حرفه‌ای فرصت‌های شغلی مناسبی پیدا نمی‌کنند، این عقیده ملموس‌تر شده است. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای فعالیت‌هایی هستند که فرد را برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار آماده می‌کند و یا کارایی و توانایی او را در انجام وظایف مربوط به شغل و حرفه، افزایش می‌دهد. در نظام جدید آموزش متوسطه، یکی از اهداف مهم شاخه فنی و حرفه‌ای ایجاد زمینه مناسب جهت هدایت دانش‌آموزان به سمت اشتغال مفید است.

آموزش فنی و حرفه‌ای باید بخش مکمل نظام آموزشی همه‌جانبه باشد؛ از این‌رو باید به محتوای فرهنگی آن توجه کافی شود

انتظار می‌رفت که برنامه جدید آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در این نظام، بتواند در برقراری ارتباط و هماهنگی با نیازهای بازار کار و به تبع آن اشتغال مفید و مؤثر دانش‌آموختگان، به‌ویژه در بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دختران عمل نماید. اما پژوهش‌های به‌عمل آمده در این ارتباط نتایج دیگری را ارائه می‌دهند.

با توجه به یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش‌های انجام‌شده، مشخص شده است:

- اکثر دانش‌آموختگان در مشاغل غیر مرتبط با رشته‌های تحصیلی خود اشتغال دارند؛
- هماهنگی بین نوع رشته تحصیلی و نیاز بازار کار در بسیاری از موارد وجود ندارد؛
- براساس اظهارات کارفرمایان، بعضی از دانش‌آموختگان رشته‌های فنی و حرفه‌ای، مهارت‌های لازم را برای تصدی مشاغل مربوطه ندارند.
- اکثر دانش‌آموختگان بیان داشته‌اند مهارت‌های کسب‌شده در هنرستان در اشتغال آنان تأثیر قابل توجهی نداشته است.

آن‌چه در ادامه این مقاله می‌آید به دنبال آن است که برای پرسش‌های زیر پاسخ مناسب تهیه کند:

- چالش‌های حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کدام‌اند؟
 - موانع ارتباط آموزش فنی و حرفه‌ای با بازار کار چیست؟
 - چه تحولاتی در این حوزه لازم است؟
- درخصوص چالش‌های حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بحث بسیار است، که در این‌جا فرصت تحلیل آن‌ها نیست،

فنی و حرفه‌ای است. هم‌چنین سایر اسناد، از قبیل سند ملی آموزش و پرورش، در این خصوص می‌توانند راه‌گشا باشند.

سند چشم‌انداز در افق ایران ۱۴۰۴ ویژگی‌های جامعه ایرانی را ترسیم نموده است. در این چشم‌انداز دانش‌آموزان ایرانی باید از دانش پیشرفته برخوردار و در تولید، علم و فناوری توانا و متکی بر خود به عنوان سرمایه اصلی تولید متکی بر خود باشند تا از این طریق کشور ما بتواند در سطح منطقه و در جهان به رتبه‌های علمی مناسب برسد.

ارتباط با بازار کار مهم‌ترین ویژگی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است و محوری است که تمام مؤلفه‌های نظم آموزش فنی و حرفه‌ای بر گرد آن مشکل می‌پذیرند

توصیه‌های بین‌المللی در مورد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز وضعیت مطلوبی را برای کشورها رقم می‌زند و تأمل برانگیز است. در این توصیه‌ها به مشارکت فعال زنان و مردان در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بسیار اشاره شده است، از جمله: رابطه آموزش؛ دنیای کار و جامعه به عنوان یک رابطه اساسی، تلفیق مناسب فنی و حرفه‌ای در آموزش عمومی برای کلیه سطوح تحصیلی، در دسترس بودن آموزش فنی و حرفه‌ای برای همگان، سازگاری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با تغییرات سریع فناوری، روش‌های ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مشارکت بخش خصوصی و دولت در ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، اولویت دادن به توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، توجه دادن به استانداردهای بین‌المللی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تضمین کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و...، که ذکر و بیان کلیه آن‌ها در این مقاله امکان‌پذیر نیست.

در خصوص موانع ارتباط آموزش فنی و حرفه‌ای با بازار کار، باید به دو طرف عرضه و تقاضای نیروی کار در بازار توجه نمود. دو طرف عرضه باید به موضوعات آموزش فنی و حرفه‌ای و موانع توسعه آن و هم‌چنین به برنامه‌های کیفی‌سازی آن توجه نمود. در خصوص طرف تقاضا باید بازار اشتغال و موانع آن در اقتصاد کشور را بررسی نمود. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تا چه حد موفق بوده است؟ همه از آموزش و پرورش این پرسش را دارند که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تا چه حد موفق است؟

اما می‌توان عمده‌ترین عوامل بازدارنده موفقیت برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای را به شرح زیر بیان نمود:

- ناهماهنگی رشته‌های فنی و حرفه‌ای با فناوری‌های جدید؛
- نابه‌سامانی وضعیت اقتصادی و در نتیجه بازار کار؛
- نبودن هماهنگی میان نیازهای جامعه و برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای؛
- نبود نهاد سیاست‌گذار در سطح ملی به منظور مشخص نمودن چشم‌انداز حوزه فنی و حرفه‌ای؛
- مناسب نبودن ساختار بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی برای آموزش فنی و حرفه‌ای؛
- مشکل سرمایه‌گذاری در بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛
- پایین بودن منزلت اجتماعی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و گرایش جوانان به ورود به دانشگاه.
- ضعف فرهنگ پژوهش و ارزش‌یابی در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛
- پی نبردن جامعه به اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، به خصوص درک ناقص دولت در این زمینه؛
- ضعف در آموزش عمومی و پایه؛
- ضعف مبانی نظری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛
- ابهام درباره مراحل و مکان‌های مناسب برای آموزش فنی و حرفه‌ای؛
- رعایت نکردن اصل واقع‌بینی در تدوین برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید همگام با آموزش عمومی، شخصیت و منش فرد را نیز پرورش دهد

چالش‌های فوق از عمده‌ترین مسائل موجود در فنی و حرفه‌ای کشور است. لازم است به تناسب هر مسئله اقدامات لازم انجام شود:

برای ایجاد تحول در این بخش، که امری ضروری است، باید وضع مطلوب را ترسیم نمود و اهداف و چشم‌اندازها را در مراحل مختلف تعیین کرد و با در دست داشتن یک برنامه استراتژیک پاسخ‌گوی مسائل شد. اولین اقدام در این خصوص توجه به اسناد بالادستی، به خصوص چشم‌انداز بیست‌ساله است. اقدام دیگر توجه به اسناد و توصیه‌های فجایع بین‌المللی در مورد آموزش‌های

از آن جایی که این آموزش‌ها از یک‌طرف به آموزش و پرورش و از سویی به بازار کار مربوط است، موفقیت در آن نیز منوط به این است که بازار کار در کشور ما چه‌قدر آماده پذیرش و استقبال از آموزش آموزش‌دیده‌هاست. هر جا که ارتباط بین بازار کار و آموزش به‌خوبی برقرار شده، نتیجه کار رضایت‌بخش بوده است، و بالعکس، اما باید گفت این ارتباط یک ارتباط تعریف‌شده و مستحکم نیست. اینک به نکاتی چند در طرف تقاضا و به عبارت دیگر اشتغال و بازار کار اشاره می‌شود. تجربه کشورهای صنعتی نشان می‌دهد که برای دستیابی به توسعه همه‌جانبه، بهره‌گیری بهینه از سرمایه‌های مادی و انسانی ضرورت دارد. ایران کشوری است که از منابع طبیعی ارزشمند و نیروی کار فراوان برخوردار است ولی به سبب نقش مهم نفت در تأمین نیازهای ارزی کشور، نرخ مشارکت جمعیت

در نیروی کار ایران که طبیعتاً دانش‌آموختگان رشته‌های فنی و حرفه‌ای نیز جزو آن هستند در مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه پایین است.

درآمد بالای حاصل از صدور نفت خام، صنایع سرمایه‌بر و کاراندوز را ایجاد کرد و

تقاضا برای نیروی کار را پایین نکه داشت.

به منظور برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای ایجاد اشتغال، باید ویژگی‌ها و تحولات نیروی کار را بررسی کرد که در این جا ممکن نیست. نیروی انسانی در اقتصاد ایران طی سه دهه گذشته نشان داده است از جنبه‌های مختلفی چون نرخ‌های اشتغال و بیکاری و نرخ مشارکت و بهره‌وری نیروی کار در بخش‌های مختلف اقتصاد وضعیت مناسب نداشته و در عین حال بسیار پایین است. هم‌چنین کاهش نرخ مشارکت و بار تکفل نرخ پس‌انداز و توان اشتغال‌زایی اندکی دارد و بیش‌ترین قدرت جذب سرمایه انسانی به بخش خدمات مربوط می‌شود. علاوه بر موارد فوق توزیع فضای نامتعادل اشتغال نیز از دیگر مشکلات بازار کار در ایران است.

برای ریشه‌ابی و بررسی علل بیکاری، باید به مجموعه

درهم تنیده‌ای از عوامل اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و نظایر آن‌ها اشاره کرد که هر یک بر دیگری تأثیر می‌گذارند. بیکاری فزاینده سبب نگرانی لایه‌های گوناگون جامعه به‌ویژه دانش‌آموختگان جوان شده است. دولت برای ایجاد تحولی مثبت در شرایط نامطلوب بازار کار از سیاست‌های حمایتی گوناگون پیروی کرده است تا فرصت‌های شغلی را افزایش دهد. به همین منظور در دو دهه گذشته بخش چشم‌گیری از بودجه دولت به‌منظور اشتغال‌آفرینی هزینه شده است، هر چند در عمل به راه‌هایی افتاده که به پدید آمدن فرصت‌های شغلی پایدار نینجامیده است.

برای حل کلان مسئله بیکاری و ایجاد اشتغال، اراده مردم و عزم بالاترین مقام‌های تصمیم‌گیرنده کشور، همراه با داشتن برنامه جامع و چندجانبه و پذیرفتن برخی تغییرات و تحولات قانونی و اداری راه‌گشا خواهد بود.

از جمله عامل مدیریتی، بازرگانی خارجی، نظام قضایی، نظام بانکی، سرمایه‌گذاری خارجی، تولید و صنعت، توسعه نیروی انسانی و گسترش عقلانیت در جامعه، ایجاد نظام مناسب اقتصادی، ترویج فرهنگ متناسب با فرایند توسعه، ارتقای

سطح تخصصی و فناوری‌ها و تشدید انباشت سرمایه‌ها در کشور از متغیرهایی هستند که باید در کوتاه‌مدت و بلندمدت مد نظر مسئولان و مجریان قرار گیرند.

یکی از اصلی‌ترین چالش‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در ایران ارتباط با بازار کار است. تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جوامع در قالب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از اواخر قرن نوزدهم مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفت. در پی پیشرفت‌های علمی و صنعتی پس از جنگ جهانی دوم، این آموزش‌ها به‌طور بی‌سابقه‌ای گسترش یافت، تا آن‌جا که اکنون آموزش و پرورش در بسیاری از کشورها، به‌ویژه جوامع صنعتی، در جهت برآوردن نیازهای اقتصادی و اجتماعی در حرکت است.



برای فراگیر نمودن آموزش و پرورش با کیفیت و نوآور نمودن آن و رسیدن به اهداف سند بیست ساله کشور باید گام‌های محکم و سریع، با دقت و جدیت برداشته شود

امروزه ملت‌ها سخت در تلاش‌اند تا با ایجاد نظام‌های آماده‌سازی افراد برای اشتغال، منابع خود را مورد استفاده بهینه قرار دهند. درحقیقت همه افراد حتی مردم کشورهای در حال توسعه به شرطی می‌توانند در بازار کار رقابت کنند که در کاربرد تکنولوژی‌های نوین از مهارت‌های تخصصی برخوردار باشند (گرت لوز، ۱۳۷۸).

در ایران، اولین نظام رسمی آماده‌سازی افراد برای اشتغال در سال ۱۲۶۸ هجری قمری بنا شد. وجود تنگناها و مشکلات متعدد در نظام آموزشی کشور، به‌خصوص بی‌توجهی آن به نیازهای جامعه و دانش‌آموزان، ضرورت تحول در آموزش و پرورش را فراهم آورد و برای این تحول شورای تغییر نظام آموزش و پرورش شکل گرفت.

ضرورت ارتباط نظام‌مند آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با بازار کار

نظام جدید، که حاصل فعالیت شورای تغییر نظام است، شاخه‌گردانش و فنی‌وحرفه‌ای را به مسئولان و مجریان نظام آموزشی توصیه نمود و سمت‌گیری عمده آن آماده کردن جوانان مستعد کشور برای اشتغال مفید بود. بنابراین ارتباط با بازار کار مهم‌ترین ویژگی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای است و محوری است که تمام مؤلفه‌های نظم آموزش فنی‌وحرفه‌ای بر گردن آن شکل می‌پذیرند.

ارتباط آموزش گیرنده نظام آموزش فنی‌وحرفه‌ای و بازار کار یک ارتباط خطی نیست بلکه ارتباطی نظام‌مند (سیستماتیک) است که در آن تمام اجزا کنش و ارتباط متقابل با یکدیگر را تجربه می‌نمایند. آموزش فنی‌وحرفه‌ای در ایران هم در قالب رسمی و هم غیررسمی عرضه می‌شود. هم‌چنین، بخش قابل توجهی از منابع در بخش‌های دولتی و غیردولتی برای ارائه این آموزش‌ها به‌کار گرفته می‌شود. با این وجود مطالعات و پژوهش‌های مختلف از اثربخشی پایین این آموزش‌ها حکایت دارند. به عبارت دیگر هدف و فلسفه وجودی آموزش‌های یاد شده در ایران محقق نگردیده است. ارتباط ناکافی و کیفیت آموزش‌ها دو مقوله هستند که در مجموعه مسائل و مشکلات نظام آموزش

فنی‌وحرفه‌ای مهم‌ترین چالش را پیش‌روی این نظام به‌وجود آورده‌اند.

ارتباط نداشتن آموزش فنی‌وحرفه‌ای با نیازهای بازار کار یا تقاضای بنگاه‌ها و مؤسسات تولیدی و خدماتی از آن‌جا ناشی می‌شود که رشته‌ها و تخصص‌ها و مهارت‌هایی عرضه شده دو بازار کار فاقد تقاضا هستند یا با وجود تقاضا با طرح ملاحظات منطقه‌ای، جنسیتی، سطوح مهارت و... بیش‌تر نیز خواهد شد.

در صورت وجود تقاضا، بحث کیفیت مورد نیاز کارفرما از دیگر مقوله‌هایی است که آموزش فنی‌وحرفه‌ای باید نسبت به آن حساس باشد. خروج از این وضعیت و حرکت برای تحقق اهداف نظام مستلزم طرح‌ریزی و پی‌گیری سیاست‌هایی است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها در برنامه چهارم توسعه کشور مطرح گردیده‌اند و اکنون جای بحث آن‌ها نیست.

هم‌اکنون آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای نسبت به آموزش متوسطه کشور حدود ۳۶ درصد است. اگرچه این کمیت با وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور رابطه دارد، اما هزینه‌های مترتب بر این نسبت هزینه کمی نیست. باید در جهت کارآمدی این گونه آموزش‌ها قدم‌های مؤثری برداشت و تحولات جهانی می‌طلبد که آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای تغییر یابد.

از طرف دیگر اعتبارات هزینه‌ای و مصرف‌شدنی مرتبط با این هزینه‌ها باید اقتصادی باشد و فایده آن دیده شود. باید دانش‌آموختگان فنی‌وحرفه‌ای مشکلی از مشکلات مملکت را پاسخ‌گو باشند. باید آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای بر بنیاد و پایه علمی بنا نهاده شود. به همین دلیل است که تحول در این حوزه از ضروریات است. هر اقدامی که برای توصیف وضع موجود آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، بیان تهدیدها و فرصت‌های ناظر برای آموزش‌ها و اتخاذ تدابیر مناسب‌تر برای اشتغال دانش‌آموختگان این حوزه به عمل آید بسیار پسندیده است.

از مطالعات و یافته‌های پژوهشی و سایر شواهد درمی‌یابیم که وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان شاخه‌گردانش و فنی‌وحرفه‌ای چندان رضایت‌بخش نیست. پیش‌بینی می‌شود با استمرار شرایط موجود، این وضعیت باز هم بدتر شود. موفقیت برنامه‌گردانش و فنی‌وحرفه‌ای وابسته به این است که رابطه‌ای نظام‌دار میان بازار کار و نظام آموزشی برقرار شود تا نظام آموزش فنی‌وحرفه‌ای

بتواند از نیازهای کمتی و کیفی بازار کار بازخوردهایی بهروز و تفصیلی دریافت کند.

برای ریشه‌ابی و بررسی علل بیکاری، باید به مجموعه درهم تنیده‌ای از عوامل اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و نظایر آن‌ها اشاره کرد که هریک بر دیگری تأثیر می‌گذارند

راهنمایی تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس نیازهای جامعه صورت نمی‌گیرد

با این وجود راهنمایی تحصیلی دانش‌آموزان براساس نیازهای جامعه صورت نمی‌گیرد و راهنمایان تحصیلی برای دخالت دادن نیازها، بازار کار و هدایت تحصیلی دانش‌آموزان معیار و الگوی مشخصی در اختیار ندارند. حتی نظام آموزش و پرورش برنامه‌ای برای شناسایی نیازهای بازار کار ندارد. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند که تعداد قابل توجهی از دانش‌آموختگان آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش بیکار هستند یا در مشاغل غیر مرتبط با رشته تحصیلی خود به کار گرفته می‌شوند. برای مثال یافته‌های پژوهشی شکوهی، ۱۳۶۹، مؤسسه مطالعات و برنامه‌ریزی آموزشی ۱۳۶۷، حسینی نسب ۱۳۶۹، میرحسینی ۱۳۷۱، فرشاد ۱۳۷۴، نویدی ۱۳۷۴، مرادی ۱۳۷۷، حق پرست ۱۳۷۷، جلالی پور ۱۳۷۹، متین ۱۳۸۹، نشان می‌دهند که کشور ما بین برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای و نیازهای بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی، هماهنگی کافی ندارد. هم‌چنین میان مراکز آموزشی و اشتغال هیچ‌گونه پیوند نظام‌داری به وجود نیامده است.

با مراجعه به گزارش‌های رسمی برخی از مسئولان ذی‌ربط، از موفقیت نسبی برنامه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش سخن گفته می‌شود که جای بحث دارد. در صورتی که تحصیل در شاخه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش امکان اشتغال مناسب دانش‌آموختگان را در این حوزه افزایش ندهد فایده عملی برنامه آموزش‌های مهارتی و فنی مورد تردید قرار می‌گیرد، که به نظر نگارنده این اتفاق رخ داده است.

از طرف دیگر، تأکید بر مهارت‌آموزی در دوره متوسطه و گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای درون‌آموزشگاهی، رویکردی است که در کشورهای پیشرفته جهان ارزش خود را از دست داده و منسوخ شده است و به جای این‌گونه

آموزش‌ها به پرورش عوامل زمینه‌ساز و تقویت ویژگی‌های غیر فنی (خصلت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های مناسب بازار کار) فراگیران آموزشی فنی و حرفه‌ای تأکید می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد آموزش‌های مهارتی شاخه کار و دانش و فنی و حرفه‌ای روز به روز مشروعیت عملی خود را از دست می‌دهند و مسئولان و مجریان را با پرسش‌های فراوانی روبه‌رو می‌دهند و آن‌ها را به چالش جدی و ایجاد تحول فرامی‌خوانند. از مجموع اسناد موجود و یافته‌های پژوهشی می‌توان استنباط کرد که وضعیت کلی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مرتبط با اشتغال و بازار کار مناسب نیست زیرا توانایی‌های کسب شده توسط دانش‌آموختگان از کفایت لازم برای انجام وظایف شغلی خود برخوردار نیستند و اجرای برنامه‌های درسی به دلیل محدودیت‌های ناشی از کمبود تجهیزات، نیروی انسانی و فضای لازم، عملاً وجود ندارد.

در پایان امید می‌رود که با درک شرایط موجود و مطالعه عمیق و استفاده از اسناد، بسستر رشد و توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای فراهم گردد تا از این طریق بتوان به رشد اقتصاد کشور کمک نمود.

منابع

۱. نفیسی، عبدالحسینی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در قرن بیست و یکم، ترجمه پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۲.
۲. معدن‌دار، عباس و دیگران، آموزش و توسعه، مباحث نوین در اقتصاد آموزش، نشر نی، تهران، ۱۳۸۸.
۳. مجموعه چکیده‌های نخستین همایش، علوم انسانی و چالش‌های اقتصاد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۴. مجموعه چکیده‌های همایش ملی آموزش و پرورش و رشد آموزش‌های نظری و مهارتی، فرصت‌ها و چالش‌ها، تهران، ۱۳۸۶.
۵. اکبری، نرگس، ارتباط میان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نیازهای بازار کار داخلی و منطقه‌ای، همایش ملی آموزش و پرورش و رشد آموزش، تهران، ۱۳۸۶.
۶. متین، نعمت‌الله، جهانی شدن و تعلیم و تربیت، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۷.
۷. استفاده از منابع موجود در کتابخانه پژوهشکده تعلیم و تربیت بانک پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌ها.
۸. مجموعه چکیده‌های پژوهش در حوزه فنی و حرفه‌ای، جلد ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۹.

علم، فناوری وبازار

اسفندیار معتمدی



علم و فناوری را تحت تأثیر قرار دهد و سرعت تولید آن‌ها را کنترل نماید. این عامل «بازار» است. بازار است که نیازها و تقاضاها را برای دستاوردهای علمی و فناوریانه مشخص می‌کند و به تولید و مصرف و انتقال آن‌ها سرعت می‌بخشد. بازار، محلی است برای عرضه و تقاضای کالاها و خدمات و جایی است برای داد و ستد که امور آن را بازرگانان و پیشه‌وران اداره می‌کنند. بازار در ارتباطات و نقل و انتقال کالاها و ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضا و تعیین قیمت کالاها نقش عمده‌ای دارد. بازار هم می‌تواند در محدوده کوچکی فعالیت داشته باشد و هم وسعت کارش سراسر کره زمین را دربرگیرد.

در این جا به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم که اثر بازار را در فعالیت‌های علمی و فناوریانه نشان دهد. در مثالی که مربوط به فیزیک هسته‌ای و رآکتور بیان کردیم و نیز در موضوع فلوئورسانس اثر بازار را شرح می‌دهیم: موضوع انرژی یکی از مسائل مهم افراد و جوامع کنونی است. در قرن بیستم منابع نسبتاً ارزان نفت و گاز و زغال سنگ در اختیار مصرف‌کنندگان بود اما بازار این منابع با کمبود روبه‌رو شد و اکنون در قرن بیست‌ویکم بازار انرژی هسته‌ای گرم است. از این‌رو کوشش بر آن است که علم و فناوری هسته‌ای بیشتر مورد توجه و استفاده قرار گیرد. همین گرمی بازار انرژی هسته‌ای بسیاری از کشورها را به سرمایه‌گذاری در این بخش مهم وادار کرده است. نمونه نزدیک آن ایران است. طی ماه‌های اخیر دولت می‌کوشید که رآکتور اتمی

در شماره بیستم مجله، علم و فناوری و اثر متقابل آن‌ها مورد بحث قرار گرفت. در آن جا گفتیم که علم در جهت شناختن روابط میان پدیده‌ها و کشف رازهای طبیعی و افزایش دانایی است و فناوری کوششی است در راه آسان کردن کار و افزایش توانایی‌ها. مثلاً فیزیک هسته‌ای می‌کوشد تا انسان را با ساختار هسته اتم و نیروهای میان‌ذره‌های بنیادی تشکیل‌دهنده آن آشنا کند، در صورتی که در رآکتورهای هسته‌ای به دنبال آنیم تا انرژی درون هسته را آزاد کنیم و آن را برای تولید برق به کار ببریم.

درخصوص تأثیر متقابل علم و فناوری نیز بحث کردیم و مشخص شد که مثلاً اطلاعاتی که درباره شکست و بازتابش نور در عدسی‌ها و آینه‌ها به دست آورده‌ایم ما را قادر ساخته است تا به ساختن میکروسکوپ‌ها و تلسکوپ‌ها بپردازیم و با این ابزارهاست که توانسته‌ایم به اطلاعات گسترده‌تری درباره جهان بی‌نهایت کوچک‌ها و جهان بی‌نهایت بزرگ‌ها روبه‌رو شویم. مثال دیگر پدیده فلوئورسانس است. این پدیده مربوط به بعضی مواد است که وقتی در مسیر پرتوهای غیر مرئی مانند پرتوهای فرابنفش قرار می‌گیرند می‌توانند از خود نور تابش کنند. وقتی این پدیده کشف شد لامپ‌های مهتابی را ساختند و برای روشنایی به کار بردند.

ضرورت شناخت بازار

در این نوشته از عامل سومی نام می‌بریم که می‌تواند



رشد آموزش

دوره ششم / شماره ۴ / تابستان ۱۳۹۰

۳۷

پدیده فلوئورسانس پی‌می‌برد، در مرحله دوم که مرحله نوآوری و رشد است انسان درمی‌یابد که این پدیده را می‌تواند در لامپ‌ها به کار برد و بهره‌وری آن‌ها را افزایش دهد. در مرحله سوم که مرحله بلوغ فناوری است بازار تقاضا برای مصرف عمومی و ملی و فراملی به کار می‌افتد و تولید انبوه را می‌طلبد و کارخانه‌ها تأسیس می‌شوند و تولیدات آن‌ها روزبه‌روز افزایش می‌یابد، به‌طوری‌که در کارخانه آزمایشگاه علمی و صنعتی به‌وجود می‌آید و بخشی از درآمد کارخانه به فعالیت علمی و پژوهشی اختصاص می‌یابد و حتی دانشگاه‌ها و مراکز علمی و فناوریانه سهمی از سود کارخانه را دریافت می‌کنند و به پژوهش بیشتر می‌پردازند و فناوری را از مرحله رشد به مرحله بلوغ می‌رسانند.

فناوری قدیم و جدید

بسیاری از فناوری‌ها پس از رسیدن به حد کمال در اثر عوامل فیزیکی محدود و متوقف می‌شوند و بازار کالای آن‌ها کهنه و منسوخ می‌گردد و جای خود را به فناوری جدید می‌دهد. برای مثال، سابقاً در رادیو و تلویزیون‌ها از لامپ‌های خلأ استفاده می‌شد اما اندازه و گرمای حاصل از این لامپ‌ها مشکلاتی را به‌وجود آورد و بازار متوجه ساختن و مصرف کردن نیمه‌هادی‌ها (ترانزیستور) شد. ترانزیستور با حجم کمتر، مصرف ناچیز و امکانات بیشتر به سادگی جای لامپ‌های خلأ را گرفت و در ارتباط و مخابرات تحولی بزرگ به‌وجود آورد.

بوشهر را زودتر به کار اندازد و برق تولید کند و از مصرف نفت و گاز که سبب انواع آلودگی‌ها می‌شود، جلوگیری نماید. علاوه بر آن، رآکتورهای دیگری را در سایر استان‌ها طراحی کند و به کار اندازد و نیز با بعضی از کشورهای همسایه همکاری نماید. مشخص است که برای تربیت کادر علمی و فنی به سرمایه‌گذاری بیشتر نیاز است و این سرمایه را بازار تأمین خواهد کرد.

بازار است که نیازها و تقاضاها را برای دستاوردهای علمی و فناوریانه مشخص می‌کند و به تولید و مصرف و انتقال آن‌ها سرعت می‌بخشد

نمونه دیگر چراغ‌های کم‌مصرف است. از کشف پدیده فلوئورسانس بیش از یک قرن می‌گذرد اما وقتی ساختن لامپ‌های مهتابی و کم‌مصرف مورد توجه قرار گرفت که نیاز بازار به تهیه و مصرف آن‌ها روبه افزایش گذاشت. هم‌اکنون در کشور کارخانه‌های تولید این نوع لامپ‌ها به کار مشغول‌اند و حتی دولت برای خرید این لامپ‌ها یارانه (سوبسید) می‌پردازد تا افراد در خانه‌های خود نیز به جای لامپ‌های التهابی معمولی از این نوع لامپ‌ها استفاده کنند.

علم و فناوری و بازار را می‌توان سه مرحله از یک فرایند تصور کرد. در مرحله اول که مرحله خلاقیت و جنبی است کشفی صورت می‌گیرد و مثلاً انسان به‌وجود

علم و فناوری و بازار در جهت رفع نیازهای بشر ایجاد و گسترده شده است و در اثر پیدایش نیازهای تازه و حرص و ولعی که انسان برای شناخت طبیعت و تسلط بر آن دارد، هم‌چنان رو به تکامل است. در گذشته علم و فناوری و بازار محدود و کند بود، در حالی که امروز این عوامل یکدیگر را تقویت و پشتیبانی می‌کنند و هم‌اکنون شاهد تحول بزرگی در توسعه آن‌ها هستیم. به‌طوری که گفته می‌شود روزانه صدها اختراع جدید صورت می‌گیرد و هر پنج سال حجم دانش و میزان اطلاعات انسان دو برابر می‌شود.

ضرورت علم و فناوری بازار

در سال‌های اخیر ارتباط علم و فناوری و بازار بسیار بیشتر شده و فاصله زمان میان یک کشف علمی و اختراع مربوط به آن و تولید انبوه در بازار به سرعت کاسته شده است. مثلاً قرن‌ها طول کشید که ماشین‌های گرمایی جای ماشین‌های دستی و مکانیکی را بگیرد و ده‌ها سال طول کشید تا ماشین‌های الکتریکی به بازار کار وارد شود، اما چالش‌های الکترونیکی چند دهه بیشتر طول نکشید که انجام کارها را ساده‌تر کرده و اکنون هم ماشین‌های نوری به بازار آمده است.

بسیاری از فناوری‌ها پس از رسیدن به حد کمال در اثر عوامل فیزیکی محدود و متوقف می‌شوند و بازار کالای آن‌ها کهنه و منسوخ می‌گردد و جای خود را به فناوری جدید می‌دهد

فاصله زمان کشف علمی، اختراع فناوری و تولید انبوه در بازار در کشورهای مختلف متفاوت است. نمونه مثال زندگی ژاپن است. ژاپن پس از جنگ دوم جهانی (۱۹۴۵م) و شکست بزرگی که آمریکا بر آن کشور تحمیل کرد، به علم روی آورد. آن‌ها برای رسیدن به تولید علم به گردآوری آن از همه‌جا و از همه‌کس و به‌طور پی‌گیر پرداختند. ژاپنی‌ها هم فرآورده‌های علم را به‌دست آوردند و هم روش علمی را برای کشف و یافتن علم شناختند و به‌کار بردند. آن‌ها در مدت یک ربع قرن پس از جنگ به انواع یافته‌های علم بشر دست یافتند و آن را به کمال رساندند. دانش‌آموزان، دانشجویان، کارگران، کارمندان، و حتی زنان خانه‌دار به انواع آموزش‌ها روی آوردند و سپس به یاد دادن روی کردند.

دولت هم به تشویق و سرمایه‌گذاری و دعوت از

صاحب‌نظران خارجی و اعزام افراد مستعد به خارج دست زد و با سرعت مسیر کسب دانش، تولید فناوری و بازار کار و تجارت را فراهم آورد. تولید وسایل ارزان‌قیمت و فراوان و صدور به خارج (به جای مصرف داخلی) بازار کشورهای آسیایی و غربی را پر کرد و درآمد هنگفتی نصیب کشور نمود. این درآمد هنگفت، به جای مصرف بی‌رویه داخلی و ایجاد تنبلی و تن‌پروری، بر سرمایه‌گذاری‌های علمی و فنی افزود و چرخه‌های سریع و پر قدرت از علم و فناوری و بازار به‌وجود آورد و با سرعت ژاپن را در جهان در مقامی ممتاز قرار داد.

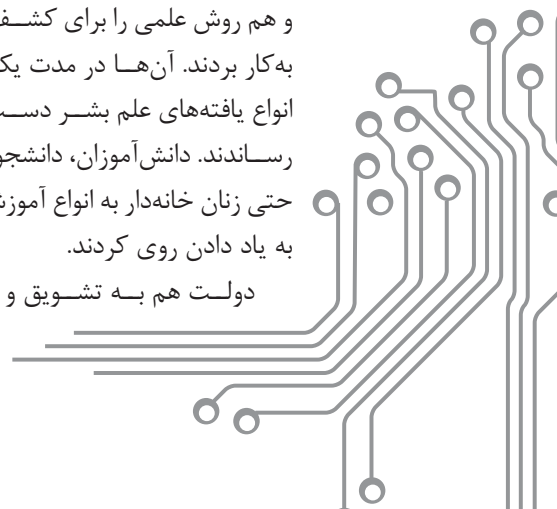
البته همه این پیشرفت‌ها مربوط به مسئولیت‌پذیری، کار منظم و روحیه سازندگی مردم ژاپن است که ریشه در آیین‌های بودا و کنفوسیوس و مذهب شینتو دارد. بودا مردم را به پرهیزکاری و مسالمت‌جویی و وحدت فکری و عاطفی دعوت کرد و کنفوسیوس در کتاب آموزش بزرگ چنین نوشت:

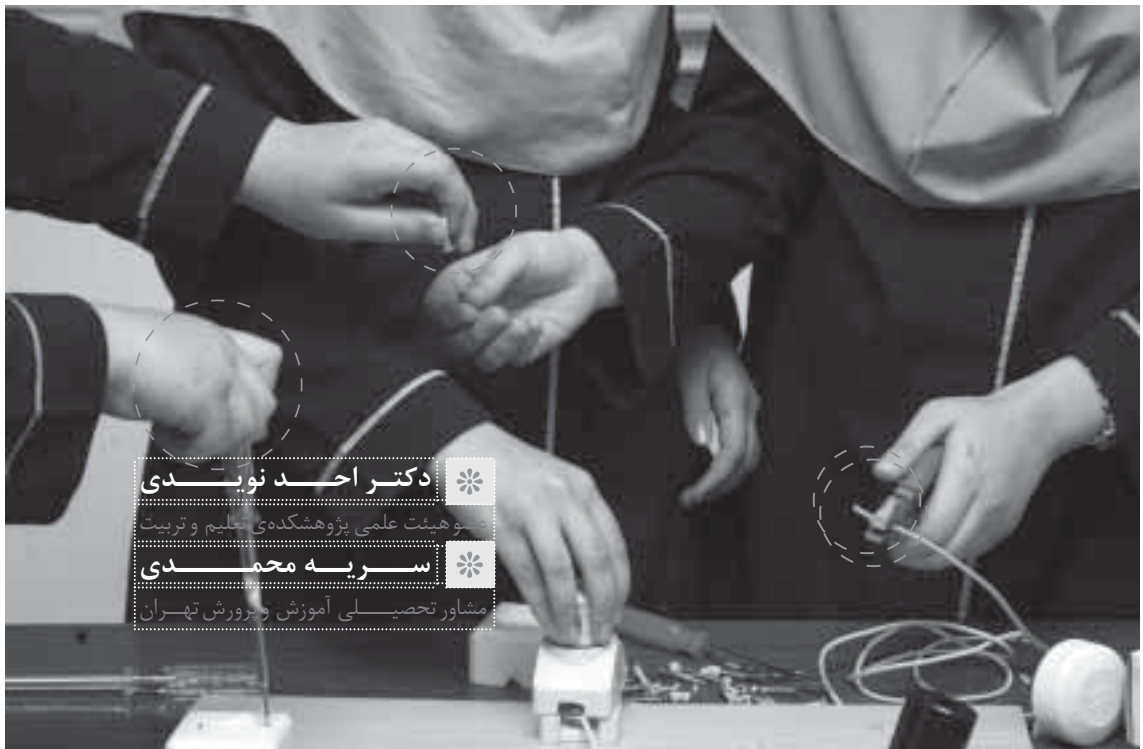
«پیشینیان که می‌خواستند فضیلت اعلا را در برابر امپراتوری پخش کنند، نخست امارت‌های خود را به خوبی انتظام می‌بخشیدند. برای انتظام بخشیدن به امارت‌های خود، نخست، خانواده‌های خود نظام می‌دادند. برای نظام دادن به خانواده‌های خود نخست نفوسشان را پرورش می‌دادند. برای پرورش خویش، نخست قلوب خویش را پاک می‌کردند. برای پاک کردن قلوب خود، نخست می‌کوشیدند تا در افکار خود صادق و مخلص باشند. برای آن‌که در افکار خویش صادق و صمیمی باشید، نخست دانش خود را تا برترین مرز می‌گسترند. گسترش دانش، زاده پژوهش در احوال اشیاء است.

از پژوهش در احوال اشیاء دانش کامل می‌شد. از کمال یافتن دانش افکار آنان خلوص می‌یافت. از خلوص افکار آنان، قلوبشان پاک می‌گشت. از پاکی قلوبشان، نفوسشان پرورش می‌یافت. از پرورش نفوسشان، خانواده‌هایشان نظام می‌گرفت. از نظام گرفتن خانواده‌هایشان، امور امارات قوام می‌پذیرفت از گردش درست امور امارات، سراسر امپراتوری به آرامش و سعادت می‌رسید.^۱

پی‌نوشت

۱. تکنولوژی فردا و فردای تکنولوژی. مجموعه مقالات (علوم و تکنولوژی در قرن ۲۰). وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.





دکتر احد نویدی
عضویت علمی پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت
سریه محمدی
مشاور تحصیلی آموزش و پرورش تهران

برنامه آموزش‌های مهارتی در شاخه کاردانش

چکیده

وجود تنگناها و مشکلات متعدد در نظام آموزشی کشور، به‌خصوص رشد روزافزون نیازهای جامعه و افزایش مشکلات دانش‌آموزان در نگاه آینده‌پژوهی مسئولان فرهنگی جمهوری اسلامی را بر آن داشت تا مسئله نظام آموزشی را جدی بگیرند و برای حل آن تدابیر لازم اتخاذ نمایند.

برای اصلاح یا تغییر نظام آموزش و پرورش فعالیت‌هایی به‌همت مسئولان فرهنگی کشور و صاحب‌نظران علاقه‌مند انجام شد و در پایان سال ۱۳۶۴، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورایی به نام شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش را مأمور انجام بررسی‌های لازم کرد. حاصل این مأموریت به‌صورت «طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران» تدوین شد و در تیر ماه ۱۳۶۸ به تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید.

طراحی تفصیلی و فراهم آوردن مقدمات اجرای آزمایشی این طرح ادامه یافت تا این که برنامه جدید آموزش متوسطه کشور از سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱ با زیر پوشش قرار دادن ۱۰ درصد دانش‌آموزان سال اول متوسطه به مرحله اجرا درآمد. از آن زمان تاکنون بر تعداد

دانش‌آموزان کاردانش به‌طور فزاینده افزوده شده است (نویدی، ۱۳۸۳)، به‌طوری که تعداد دانش‌آموزان شاخه کاردانش در مقایسه با سال ۷۳-۱۳۷۲ (شروع برنامه) ۲۸/۸ برابر شده است.

در همین مدت، نسبت دانش‌آموزان شاخه کاردانش به کل دانش‌آموزان پایه دوم و سوم دوره آموزش متوسطه از ۱۳/۴۰ درصد به ۱۹/۳۰ درصد رسیده است. به عبارت دیگر، ۱۹/۳۰ درصد از دانش‌آموزان دوم و سوم متوسطه در سال ۸۸-۱۳۸۷ را دانش‌آموزان شاخه کاردانش تشکیل می‌دهند. انتظار می‌رفت این شاخه تحصیلی (کاردانش)، که ظاهراً براساس رویکردهای جدید آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تأسیس شده است، از موفقیت چشم‌گیری برخوردار شود و استقبال گروه‌های ذی‌ربط از این برنامه روزبه‌روز افزایش یابد. هم‌چنان که سال به سال بر تعداد دانش‌آموزان کاردانش افزوده می‌شد و رقم آن در سال‌های اخیر به ۲۰ درصد دانش‌آموزان دوره متوسطه نزدیک شد. در عین حال، شواهد متقاعدکننده‌ای درباره موفقیت قاطع برنامه کاردانش فراهم نشده است.

کلیدواژه‌ها: کاردانش، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش‌های مهارتی، بازار کار.



ماهیت شاخهٔ کاردانش

کاردانش شاخه‌ای از نظام جدید آموزش متوسطه است که براساس اهداف کلی و اصول حاکم بر این نظام و هماهنگ با آن طراحی شده است. اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی و آماده ساختن جوانان برای اشتغال مفید یا ادامهٔ تحصیل در سطوح عالی‌تر به‌عنوان هدف کلی دورهٔ متوسطه تعیین شده است. آموزش‌های کاردانش به آموزش‌هایی اطلاق می‌شود که موجبات ارتقای دانش افراد و ایجاد مهارت‌های لازم و به فعلیت درآوردن استعدادها و نهفتهٔ آنان را فراهم می‌آورد تا آن‌ها را برای احراز شغل، حرفه و کسب کار مشخص آماده سازد و یا مهارت آن‌ها را برای انجام کاری که به آنان محول شده است، تا سطح مطلوب افزایش دهد (نویدی، ۱۳۸۳).

نظام جدید آموزش متوسطه کشور از سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱ با زیر پوشش قرار دادن حدود ۱۰ درصد دانش‌آموزان سال اول متوسطه به مرحلهٔ اجرا درآمد. از همان سال تحصیلی، ادارهٔ کل آموزش و پرورش فارس، به‌عنوان تنها و اولین استان کشور، شاخهٔ کاردانش را در محدودهٔ شهر شیراز با پذیرش ۲۳۷ نفر دانش‌آموز و ارائهٔ آموزش در پنج رشتهٔ مهارتی، به مرحلهٔ اجرا درآورد (تکمیل همایون، ۱۳۷۷). در سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲ همهٔ استان‌های کشور، با توجه به ظرفیت‌ها و امکانات موجود، برای اجرای آموزش‌های کاردانش اقدام کردند تا پس از ارائهٔ آموزش‌های عمومی و مشترک و نیز ارائهٔ دروس اختصاصی و آموزش مهارت مورد نظر، این گروه از دانش‌آموزان را پس از کسب دیپلم کاردانش، برای ورود به بازار کار آماده سازند.

از آن زمان، سال به سال بر تعداد مناطق آموزشی تحت پوشش برنامهٔ کاردانش افزوده شد و در سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸ بیش از ۸۲ درصد مناطق آموزشی کشور زیر پوشش آموزش‌های کاردانش قرار گرفتند (نویدی، ۱۳۸۳). با مطالعهٔ آمار موجود درمی‌یابیم که نسبت دانش‌آموزان شاخهٔ کاردانش به تعداد کل دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم نظام جدید آموزش متوسطه، از ۱۳/۴۰ درصد در سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲ به ۱۹/۳۰ درصد در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ رسیده است و تعداد کل دانش‌آموزان کاردانش در طول این ۱۶ سال، بدون احتساب بزرگسالان، به ۴۱۳۹۰۶ نفر رسیده است.

از زمان اجرای برنامهٔ نظام جدید آموزش متوسطه،

پژوهش‌های فراوانی درخصوص برنامهٔ آموزش‌های مهارتی شاخهٔ کاردانش انجام شده است. اگرچه این پژوهش‌ها سیمای واقعی برنامهٔ کاردانش را به‌طور کامل و واضح نشان نمی‌دهند، ولی شناخت بسیاری از واقعیت‌های مربوط به برنامهٔ کاردانش را از طریق مطالعهٔ مجموعهٔ این پژوهش‌ها امکان‌پذیر می‌سازند.

مشاوران بر این باورند که دانش‌آموزان به رشته‌های کاردانش کم‌تر علاقه‌مندند و اغلب آنان در اثر عدم احراز شرایط سایر رشته‌ها، به ناچار به شاخهٔ کاردانش روی آورده‌اند

در برخی از اسناد پژوهشی به نقاط مثبت برنامهٔ کاردانش اشاره شده است. برای نمونه، برقه‌ای (۱۳۸۴) در تحقیق خود نتیجه گرفت که اغلب دانش‌آموختگان (فارغ‌التحصیلان) رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش در مشاغل مرتبط با رشتهٔ تحصیلی خود مشغول به‌کار شده‌اند. اکثر دانش‌آموختگان رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش از رشتهٔ تحصیلی خود راضی هستند و برای انجام وظایف شغلی از توانایی نسبی برخوردارند.

براساس گزارش اسداللهی (۱۳۸۲)، دانش‌آموزان مدارس کاردانش از سطح حرمت خود بالاتر، سلامت عمومی بیش‌تر و پیشرفت تحصیلی بهتری برخوردارند و راه یافتن به مدارس کاردانش، احتمال به‌دست آوردن شغل در آینده را افزایش می‌دهد. از نظر کارفرمایان در بخش صنعت، دانش‌آموختگان هنرستان‌ها جهت استخدام نسبت به دانش‌آموختگان دبیرستان‌ها در اولویت قرار دارند (عابدی، ۱۳۸۳). بنا به گزارش حق‌پرست (۱۳۷۷) اکثر دانش‌آموختگان کاردانش مورد مطالعه اظهار داشته‌اند که از مهارت‌های آموخته شده رضایت دارند.

در بیش از دو سوم گزارش‌های پژوهشی، بر جنبه‌های منفی برنامهٔ کاردانش تأکید شده است. به عبارتی دیگر، نگرش‌ها و واکنش‌های منفی گروه‌های ذی‌ربط نسبت به

کاردانش در ۷۰ درصد اسناد پژوهشی منعکس شده است و شواهد ناظر بر جنبه‌های منفی بسیار روشن‌تر و نافذتر از شواهد و دلایلی است که برای نشان دادن نقاط مثبت ارائه شده‌اند. یافته‌های برخی از پژوهش‌ها به شرح زیر خلاصه شده است:

میزان علاقه دانش‌آموزان به شاخه کاردانش

غریب (۱۳۷۴) در پژوهش خود نتیجه گرفت که دانش‌آموزان با استعداد، به علل مختلف، به شاخه نظری گرایش دارند و دانش‌آموزانی وارد شاخه کاردانش می‌شوند که شرایط ادامه تحصیل در شاخه نظری را ندارند و ناگزیر به شاخه کاردانش هدایت می‌شوند. دانش‌آموزان کاردانش، به‌ویژه پسران، برای تحصیل در این شاخه علاقه کافی ندارند. والدین دانش‌آموزان تمایلی به انتخاب رشته کاردانش برای فرزندان خود ندارند.

مهدی‌زاده (۱۳۷۶) گزارش کرد که ۵۴ درصد دانش‌آموختگان اعلام کرده‌اند که از روی ناچاری به انتخاب شاخه کاردانش تن داده‌اند. یک‌سوم دانش‌آموختگان کاردانش از نتیجه حرفه‌آموزی در شاخه کاردانش و گذراندن این دوره رضایت نداشتند. مبهم بودن آینده دانش‌آموختگان کاردانش، علاقه آنان را نسبت به این شاخه کاهش داده بود.

بنا به گزارش سلیمانی (۱۳۷۵)، دانش‌آموزان مهم‌ترین عامل گرایش نداشتن به شاخه کاردانش را دیدگاه منفی دبیران به این شاخه بیان کرده‌اند

در مطالعه دیگر، برخی از دانش‌آموزان نمونه آماری اظهار داشتند که شاخه کاردانش به آن‌ها تحمیل شده است و برای گریز از ترک تحصیل به این شاخه روی آورده‌اند (شهسواری‌فرد، ۱۳۷۵). مشاوران بر این باورند که دانش‌آموزان به رشته‌های کاردانش کم‌تر علاقه‌مندند و اغلب آنان در اثر عدم احراز شرایط سایر رشته‌ها، به ناچار به شاخه کاردانش روی آورده‌اند (افشاری، ۱۳۷۵).

نویدی (۱۳۷۵) نتیجه گرفت که برخلاف نظر مسئولان حوزه ستادی شاخه کاردانش، تنها ۷۲ درصد دانش‌آموزان این شاخه در انتظار مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی خود هستند. تنها ۵۰ درصد از دانش‌آموزان مورد مطالعه به رشته تحصیلی خود علاقه‌مند هستند. براساس یافته‌های حمزه‌لویی (۱۳۷۴)، مشاوران به دلیل تناسب نداشتن

تحصیلات آنان با وظایف مشاور، چندان موفق نبوده‌اند و فرایند پیش‌بینی‌شده برای هدایت تحصیلی اجرا نمی‌شود. مشاوران در زمینه اجرای برنامه هدایت تحصیلی اهتمام جدی ندارند.

به نظر می‌رسد همه مجریان نظام جدید در مورد وظایف خود ابهام دارند. فقط در حدود نیمی از اولیا در مورد برون‌داد نظام جدید رضایت دارند. ابراهیم‌آبادی (۱۳۷۶) هم نشان داد دانش‌آموزان کاردانش نسبت به این شاخه تحصیلی نگرش مثبتی ندارند. مدیران و معلمان، با توجه به مشکلات اجرایی و چشم‌انداز نه‌چندان مساعد، درباره موفقیت‌آمیز بودن برنامه شاخه کاردانش تردید دارند و آینده تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان این شاخه را مبهم می‌دانند.

میری (۱۳۷۶) گزارش داد که در شرایط موجود اجرای برنامه شاخه کاردانش در هنرستان‌ها صرفاً هدر دادن منابع است و آموزش کشاورزی در شاخه کاردانش مطلقاً موفق نیست. در برنامه جدید آموزش متوسطه، هدایت تحصیلی (براساس علاقه، استعداد و نیازهای جامعه) اصولی دانش‌آموزان شاخه کاردانش موفقیت‌چندانی نداشته و شکایت‌های معلمان، دبیران فنی و استادکاران از بی‌علاقگی و نیز نداشتن استعداد کافی دانش‌آموزان در زمینه رشته مهارتی حکایت می‌کند (هیبت‌اللهی، ۱۳۷۶). نامناسب بودن ملاک‌ها و برنامه هدایت تحصیلی در پژوهش نویدی (۱۳۸۱) مورد تأکید قرار گرفته است.

بنا به گزارش سلیمانی (۱۳۷۵)،

دانش‌آموزان مهم‌ترین

عامل گرایش نداشتن

به شاخه کاردانش را دیدگاه

منفی دبیران به این شاخه بیان

کرده‌اند. براساس یافته‌های پژوهش

لنکرانی (۱۳۸۰)، مدیران واحدهای

آموزشی، موانع توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

و کاردانش را نگرش نامساعد اولیای دانش‌آموزان،

وجود ارتباط ضعیف بین مسئولان ذی‌ربط، نامناسب

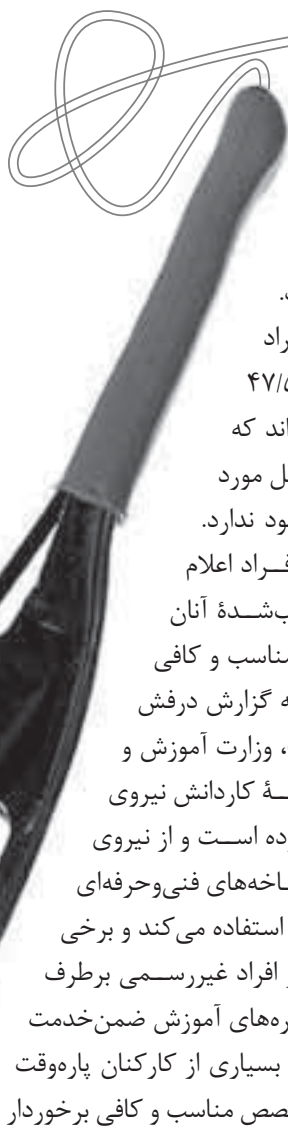
بودن جذب و سازماندهی کارکنان و پایین بودن کیفیت

فضا و تجهیزات آموزشی بیان کرده‌اند. در اثر نبود فضای

آموزشی استاندارد از ساختمان‌های دبیرستان و مدارس

راهنمایی برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استفاده می‌شود

که مناسب نیست (سوداگری، ۱۳۸۱).



بازار کار برای دانش‌آموختگان کار دانش چندان مناسب نیست. به‌طوری که ۳۴/۱ درصد افراد مورد مطالعه بیکار بودند. ۴۷/۵ درصد شاغلان اعلام کرده‌اند که بین رشته تحصیلی و شغل مورد تصدی آنان هماهنگی وجود ندارد. تنها حدود ۲۶ درصد افراد اعلام کرده‌اند مهارت‌های کسب‌شده آنان برای انجام وظایف شغلی مناسب و کافی است (خانی، ۱۳۸۰). بنا به گزارش درفش کاویان و قدسی (۱۳۸۴)، وزارت آموزش و پرورش برای اجرای برنامه کار دانش نیروی انسانی مخصوص اقدام نکرده است و از نیروی موجود خود که قبلاً در شاخه‌های فنی و حرفه‌ای یا طرح کاد مشغول بودند، استفاده می‌کند و برخی از کمبودها را با استفاده از افراد غیررسمی برطرف می‌کند. کمیت و کیفیت دوره‌های آموزش ضمن خدمت چندان رضایت‌بخش نیست. بسیاری از کارکنان پاره‌وقت و حق‌التدریس از دانش و تخصص مناسب و کافی برخوردار نیستند.

نتایج تحقیق صابری (۱۳۸۳) نشان داد که برنامه‌های درسی نتوانسته است دانش و مهارت لازم را به هنرجویان شاخه کار دانش بدهد. همه گروه‌های نمونه آماری اعتقاد داشتند که شاخه کار دانش نتوانسته است زمینه مناسب را برای قانون‌مند شدن امر اشتغال فراهم آورد. آموزش‌های شاخه کار دانش متناسب با نیازهای منطقه توسعه پیدا نکرده است.

یافته‌های پژوهش نویدی و برزگر (۱۳۸۲)
نشان می‌دهد که صرف‌نظر از رشته تحصیلی، ۴۰ درصد دانش‌آموختگان رشته‌های کامپیوتر و حسابداری در شهر تهران بیکار هستند

در مطالعه نویدی (۱۳۸۸)، وقتی که از کارشناسان آموزش و پرورش درباره پیآمدهای جنبی منفی برنامه کار دانش سؤال شد، به مواردی اشاره کردند که با یافته‌های سایر پژوهش هماهنگ است. این افراد بر این باور بودند

یافته‌های پژوهش نویدی و برزگر (۱۳۸۲) نشان می‌دهد که صرف‌نظر از رشته تحصیلی، ۴۰ درصد دانش‌آموختگان رشته‌های کامپیوتر و حسابداری در شهر تهران بیکار هستند. حدود ۶۰ درصد افراد نمونه آماری اعتقاد دارند که مهارت‌های کسب‌شده آنان برای انجام وظایف شغلی کافی و مناسب نیست. بیش از ۴۰ درصد افراد اعلام کرده‌اند که به رشته تحصیلی خود علاقه نداشتند و از روی ناچاری و توأم با اکراه در شاخه کار دانش به تحصیل خود ادامه داده‌اند. تحصیل در شاخه کار دانش شانس اشتغال دانش‌آموختگان را افزایش نداده است. برزگر (۱۳۸۲) در پژوهش دیگری دریافت که ۵۰ درصد دانش‌آموختگان رشته‌های نقشه‌کشی ساختمان و حسابداری به رشته تحصیلی خود علاقه نداشتند و از روی ناچاری و توأم با اکراه در شاخه کار دانش به تحصیل خود ادامه داده‌اند.

حدود ۴۵ درصد دانش‌آموختگان رشته‌های نقشه‌کشی ساختمان و حسابداری در شهرستان‌های تهران بیکار بودند. تنها ۲۳ درصد افراد شاغل اعلام کرده‌اند که در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی اشتغال دارند. صرف‌نظر از جنس و رشته تحصیلی، ۶۵ درصد افراد نمونه آماری اعتقاد دارند که مهارت‌های کسب‌شده آنان برای انجام وظایف شغلی کافی و مناسب نیست. میرهادی (۱۳۷۹) اعلام کرد که ارتباطی میان آموزش‌های دریافت‌شده و نوع اشتغال دانش‌آموختگان وجود ندارد. هم‌چنین، درس کارورزی و کارآفرینی در تعیین شغل مؤثر نیستند. آموزش‌های ناکافی، نظارت نکردن بر اجرای صحیح واحدهای کارمندی، تدریس درس کارآفرینی توسط افراد ناآشنا و غیرمتخصص و وضعیت نابه‌سامان بازار کار در به‌وجود آمدن این وضع دخالت دارند.

شریعت‌زاده (۱۳۸۵) هم گزارش داد که بین اجرای آموزش‌های مهارتی کار دانش در سطح سازمان آموزش و پرورش شهر تهران و نیازهای بازار کار ارتباط نظام‌مند و مشخص برقرار نیست. رشته‌های مهارتی با نیازهای بازار کار هماهنگ نیست و در نتیجه آن، دانش‌آموختگان کار دانش در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی خود جذب نمی‌شوند (حنیفی، ۱۳۸۰). در اثر عدم رعایت استانداردهای آموزشی، وزن بخش نظری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای سنگین‌تر شده است و مهارت‌آموزی تأثیری در اشتغال افراد نداشته است (لرستانی، ۱۳۸۱).

که در اثر ضعف در تمهید مقدمات اجرای طرح (تربیت نیروی انسانی متخصص، تهیه تجهیزات مناسب و تدوین قوانین و مقررات)، برنامه کاردانش از مسیر اصلی خود منحرف شده و در تحقق رسالت و اهداف اصلی آن اختلال ایجاد شده است.

این تصور مخرب که «کاردانش برای دانش‌آموزانی که از نظر فرهنگی، علمی و اخلاقی در سطح پایین هستند، مناسب است»، به‌طور فزاینده‌ای تقویت شده است. وجود شاخه کاردانش و ذهنیت منفی مربوط به آن به افت کیفیت آموزش در واحدهای آموزشی این شاخه منجر شده است. اشتغال نیروی انسانی غیرحرفه‌ای و کم‌توان‌تر در واحدهای کاردانش به نابرابری بیش‌تر در توزیع فرصت‌های آموزشی منجر شده است و در واقع، فرزندان خانواده‌های وابسته به طبقه پایین اجتماع از امکانات آموزشی کم‌تری برخوردار شده‌اند.

حضور الزامی دانش‌آموزان برخی از رشته‌ها در مؤسسات خصوصی نگرانی‌هایی را درباره تأثیر مخرب بر تربیت دانش‌آموزان به‌وجود آورده است. با گذشت زمان، نگرش خانواده‌ها و افکار عمومی نسبت به کاردانش منفی‌تر شده است. برخلاف اهداف اعلام شده، روحیه مدرک‌گرایی تقویت شده، بازار آموزشگاه‌های آزاد و مراکز آمادگی برای کنکور داغ‌تر شده و انگیزه ورود به دانشگاه به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته است. همچنین تمرکز بر دروس نظری بیش‌تر شده و اولویت درس‌های عملی مورد غفلت قرار گرفته است.

توزیع نامناسب رشته‌ها در کشور

در اثر توزیع نامناسب رشته‌ها در مناطق مختلف کشور و نیز توزیع نامناسب دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف، بازار کار از برخی از رشته‌ها اشباع شده و در برخی از رشته‌ها نیاز بازار کار برطرف نشده است. برخلاف انتظار، استانداردهای آموزشی «به‌روز» نبوده و از تناسب و کفایت کافی برخوردار نیستند و در نتیجه نیازهای بازار کار را پوشش نمی‌دهند. در اثر وجود برخی از تخلفات، تقلب‌ها و به‌طور کلی ضعف اساسی در فرایند ارزیابی صلاحیت‌های دانش‌آموختگان، درباره روایی و اعتبار گواهی‌نامه‌های

مهارت صادر شده از آموزشگاه‌های آزاد تردید جدی وجود دارد و دانش‌آموختگان کاردانش به‌منزله شاهد زنده، ضعف‌ها و نارسایی‌های برنامه را به نمایش گذاشته و ذهنیت منفی استخدام‌کننده‌ها را تقویت کرده و در عین حال منزلت اجتماعی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را تنزل داده‌اند.

برخلاف پیش‌بینی برنامه‌ریزان، قوانینی برای التزام سایر دستگاه‌ها و مؤسسات با وزارت آموزش و پرورش تدوین نشده و در نتیجه آینده شغلی دانش‌آموختگان مبهم است و شانس اشتغال آنان نسبت به سایر گروه‌ها به‌طور معنادار افزایش نیافته است. در اثر کمبود منابع مالی و امکانات آموزشی، وزارت آموزش و پرورش به ایجاد رشته‌های کم‌هزینه‌تر و ارائه دروس نظری گرایش پیدا کرده است.

این گرایش با اهداف اصلی کاردانش تعارض دارد و شواهد متقاعدکننده‌ای درباره فایده آموزش‌های مهارتی کاردانش برای فراگیران این آموزش‌ها فراهم نشده است. به نظر می‌رسد کسانی که وارد شاخه کاردانش شده‌اند، فرصت‌هایی را از دست داده‌اند و در مقابل هیچ فرصت معناداری را به دست نیاورده‌اند.

اشتغال دانش‌آموختگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مشاغل غیرمرتبط با رشته تحصیلی یا ناکافی بودن تناسب میان مهارت‌های کسب‌شده و وظایف شغلی افراد مورد نظر، به‌طور آشکار نشان می‌دهد که میان نظام‌های اشتغال و آموزش رابطه نظام‌دار و تعریف‌شده‌ای وجود ندارد

یکی از اهداف برنامه کاردانش کاهش دادن تقاضای اجتماعی برای ورود به دانشگاه و تعدیل فشار پشت کنکور بود. آیا این هدف تحقق پیدا کرده است؟ حدود ۸۰ درصد کارشناسان آموزش و پرورش به این پرسش پاسخ منفی داده‌اند و این پاسخ منفی در بسیاری از اسناد پژوهشی منعکس شده است. کارشناسان مصاحبه‌شونده برای توجیه نظر خود به موارد زیر اشاره کرده‌اند:

۱. در اثر شیوع فرهنگ مدرک‌گرایی، تب کنکور در جامعه ما بسیار بالاست. به‌طوری که بسیاری از خانواده‌ها راه موفقیت فرزندان خود را ورود به دانشگاه می‌دانند.

دلایل متقاعدکننده‌ای که خانواده‌ها به اتکای آن‌ها بخواهند از انگیزه و تمایل خود برای ورود فرزندان خود به دانشگاه صرف‌نظر کنند، وجود ندارد.

۲. وقتی که فرصت اشتغال برای دانش‌آموختگان کار دانش فراهم نیست، نمی‌توان انتظار داشت تقاضا برای ورود به دانشگاه کاهش یابد. در نتیجه، ادامه تحصیل تنها راهی است که دانش‌آموختگان کار دانش، همانند سایر دانش‌آموختگان دوره متوسطه، می‌توانند در پیش بگیرند.

۳. برخلاف اهداف برنامه کار دانش، نه تنها از فشار کنکور و روحیه مدرک‌گرایی کاسته نشده، بلکه این روحیه تقویت شده و بازار آموزشگاه‌های آزاد و مراکز آمادگی برای کنکور داغ‌تر شده و انگیزه ورود به دانشگاه به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته است. به‌طوری که در حال حاضر در بسیاری از شهرهای کشور اطلاعیه‌هایی که برای جذب دانش‌آموزان کار دانش به کلاس‌های کنکور پخش می‌شود، بسیار چشم‌گیر و برای همگان قابل مشاهده است.

از مجموعه شواهد پژوهشی موجود چنین استنباط می‌شود که عملکرد برنامه آموزش‌های مهارتی شاخه کار دانش چندان موفقیت‌آمیز نیست. موفقیت‌آمیز نبودن تجربه اجرای برنامه کار دانش در ایران را نمی‌توان به یک یا چند عامل شناخته شده نسبت داد. ارزش‌یابی دقیق عملکرد برنامه کار دانش مستلزم توجه کافی به بافت فرهنگی و مجموعه نظام‌هایی است که همواره در حال تعامل هستند.

هدف عمده برنامه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشورهای توسعه‌افته تربیت تکنسین و کارگرهای ماهر است و کشوری که از صنعت مهندسی، که ویژگی آن ابتکار و پیروی از فرایند پژوهش و توسعه است، برخوردار نباشد عملاً به کارگر ماهر و تکنسین نیاز ندارد و در نتیجه از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بی‌نیاز می‌شود

عوامل بازدارنده موفقیت برنامه کار دانش

قضاوت قطعی درباره برنامه کار دانش و شناسایی عوامل مؤثر بر ضعف عملکرد آن و نیز وزن هر عامل در این مجال نمی‌گنجد. با این حال، برخی از عوامل بازدارنده موفقیت

برنامه کار دانش به شرح زیر خلاصه شده است:

• نابسامانی وضعیت اقتصادی و بازار کار:

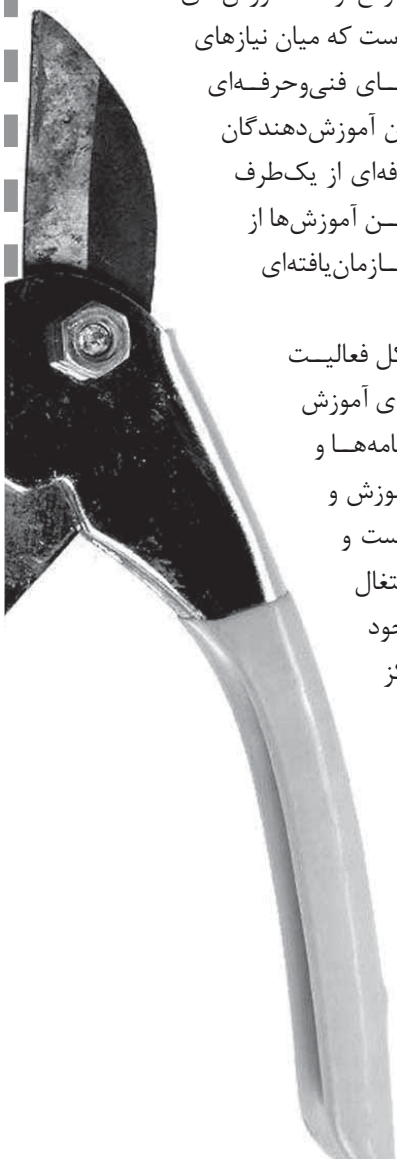
نظام‌های اقتصادی آلوده به رانت، سایر نظام‌های جامعه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل، سر و سامان یافتن برنامه‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مستلزم بهبود وضعیت اقتصادی کشورها و بازار کار است. اختلال در نظام اقتصادی کشور و رواج اقتصاد مبتنی بر دلّالی و غلبه آن بر اقتصاد تولیدی موفقیت برنامه‌های آموزش و پرورش، به‌ویژه برنامه‌های آموزش‌های مهارتی را تهدید می‌کند و اگر رکود و بی‌برنامگی، که حاصل آن بیکاری است، ادامه یابد تفاوتی نمی‌کند که آموزش به چه شکلی سازمان‌دهی و ارائه شود، چون در هر صورت دانش‌آموختگان بیکار می‌مانند و از آموزش‌ها ثمری حاصل نمی‌شود. بنابراین، اختلال در نظام اقتصادی کشور و رواج اقتصاد مبتنی بر دلّالی بر اقتصاد تولیدی می‌تواند موفقیت برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای را تهدید کند.

• ناهماهنگی میان نیازهای جامعه و برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای:

یکی از موانع توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشور ما این است که میان نیازهای جامعه و برنامه‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هماهنگی کافی وجود ندارد. میان آموزش‌دهندگان و فراگیران آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از یک طرف و مصرف‌کنندگان محصولات این آموزش‌ها از طرف دیگر، ارتباط و پیوند سازمان‌یافته‌ای وجود ندارد.

صرف نظر از نوع و شکل فعالیت مراکز اشتغال، برای فراورده‌های آموزش فنی و حرفه‌ای جایگاهی در برنامه‌ها و سازمان نیروی انسانی مراکز آموزش و مراکز اشتغال پیش‌بینی نشده است و میان مراکز آموزشی و عرصه اشتغال هیچ‌گونه ارتباط و پیوندی وجود ندارد و به سبب این بیگانگی، مراکز اشتغال از ظرفیت و توانایی‌های آموزش‌گرفتگان بی‌خبرند.

به همین ترتیب، مراکز آموزشی نیز از میزان و نوع نیاز مراکز اشتغال اطلاعی ندارند. بنابراین، دانش‌آموختگان



آموزش‌های فنی و حرفه‌ای که به‌طور منطقی برای تأمین همین نیازها تربیت می‌شوند، به علت کیفیت نارسای آموزش و نیز نبودن ارتباط میان بازار کار و مراکز آموزشی سرنوشتی بیگانه با اهداف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دارند (مؤسسه مطالعات و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۶۷) و این وضع موجب شده که شانس اشتغال مهارت‌آموختگان آموزش فنی و حرفه‌ای نسبت به هم‌تایان آن‌ها در رشته‌های نظری کم‌تر یا برابر باشد. بنابراین، یکی از عوامل بازدارنده موفقیت برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای این است که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزش فنی و حرفه‌ای فاقد برنامه‌ای برای شناسایی نیازهای جامعه هستند و برای برقراری ارتباط و هماهنگی کافی میان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نیازهای جامعه، نیز فاقد تدبیرند.

اشتغال دانش‌آموختگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مشاغل غیرمرتبط با رشته تحصیلی یا ناکافی بودن تناسب میان مهارت‌های کسب‌شده و وظایف شغلی افراد مورد نظر، به‌طور آشکار نشان می‌دهد که میان نظام‌های اشتغال و آموزش رابطه نظام‌دار و تعریف‌شده‌ای وجود ندارد. نفیسی (۱۳۷۸) در هنگام بررسی نارسایی‌های ارتباط نظام‌های آموزش و پرورش و بازار کار نتیجه گرفت که گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش اصولاً از نیازهای فعلی و آتی بازار کار نشئت نمی‌گیرد، بلکه بیش از هر چیز از امکانات مالی، انسانی و کالبدی تبعیت می‌کند و اجرای برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش بیش‌تر متأثر از تقاضای اجتماعی صورت می‌پذیرد و پاسخ‌گویی به تقاضای اجتماعی، مرزبندی کمی و کیفی را، که در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی باید رعایت شود، درمی‌نوردد و در این میان نیازهای بازار کار که یک کالای اقتصادی است، رنگ می‌بازد.

● نبود یک نهاد سیاست‌گذار در سطح ملی و مشخص نبودن چشم‌انداز و مأموریت اصلی تشکیلات بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای: هنوز در کشور ما تعریف جامع و مانع و مورد توافق همگان از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ارائه نشده است و به دلیل وسیع بودن حیطه این آموزش‌ها و متعدد بودن متولیان آن،

احساس مسئولیت در برابر برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در میان متولیان پخش شده و یا لوٹ شده است. نشانه این لوٹ مسئولیت این است که سازمان‌های مختلف توفیق نیافتن برنامه را به گردن یکدیگر می‌اندازند و از پاسخ‌گویی طفره می‌روند. مأموریت سازمان‌های مختلف آموزش فنی و حرفه‌ای به روشنی تعیین نشده است و این آموزش‌ها در سطح ملی متولی ندارد. درواقع می‌توان گفت ریشه‌ای‌ترین مشکل آموزش فنی و حرفه‌ای حاکم نشدن یک اندیشه و طرح کلان تفاهم شده در تصمیم‌گیری روی مسائل مربوط به بخش مورد نظر است که بازتاب آن در همه سازمان‌ها مشهود است.

● مناسب نبودن ساختار بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی برای آموزش فنی و حرفه‌ای: چنان‌که مشهود است ساختار صنعت در کشور ما یک صنعت مونتاژ است. ماهیت صنعت مونتاژ، هرم نیروی انسانی شاغل در بخش صنعت را به گونه‌ای متفاوت با کشورهای در حال توسعه شکل داده است. هدف عمده برنامه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشورهای توسعه‌افته تربیت تکنسین و کارگرهای ماهر است و کشوری که از صنعت مهندسی، که ویژگی آن ابتکار و پیروی از فرایند پژوهش و توسعه است، برخوردار نباشد عملاً به کارگر مهار و تکنسین نیاز ندارد و در نتیجه از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بی‌نیاز می‌شود.

صنعتی نبودن جامعه ما و متکی بودن اقتصاد کشور به درآمد حاصل از فروش نفت خام و سایر مواد معدنی ضعف برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای را توجیه می‌کند.

بی‌رغبتی افراد ذی‌نفع، ذی‌ربط و ذی‌نفوذ، برای سرمایه‌گذاری در این بخش، از این واقعیت نشئت می‌گیرد که غایت نهایی و سرانجام این آموزش‌ها برای متولیان بخش‌های اشتغال، آموزش‌دهندگان، آموزش‌گیرندگان و حتی دولت مشخص نیست

● مشکل سرمایه‌گذاری در بخش آموزش فنی و حرفه‌ای: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نسبت به آموزش‌های نظری بسیار پرهزینه هستند و در صورتی که از محصولات این برنامه‌ها استفاده نشود، این هزینه سنگین بر دولت و مردم تحمیل می‌شود. از آنجایی که برنامه‌ای





و اصلاح کاستی‌ها اجرا می‌شوند و قضاوت درباره ارزش برنامه‌ها بسیار کلی و ذهنی است. در چنین شرایطی امید زیادی به اصلاح برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای وجود ندارد. از طرف دیگر، کمبود پژوهش مانع آماده شدن بستر لازم برای کاربرد علوم و تکنولوژی است.

● **درک مسئولان کشور از اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای:** اگرچه اکثر مسئولان کشور نیاز مملکت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نقش این آموزش‌ها را در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تأیید قرار می‌دهند، ولی بعضاً درک کافی از جایگاه و نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ندارند. به همین دلیل، در تخصیص منابع به بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای همواره طوری عمل می‌شود که عملاً این آموزش‌ها را غیرمفید و کم‌اهمیت می‌گردانند. درحقیقت، اهمیت و جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در نظام تصمیم‌گیری کلان کشور چندان روشن و مناسب نیست.

توفیق برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در گرو استحکام و کیفیت آموزش‌های پایه و عمومی است و بدون تردید یکی از عوامل بازدارنده موفقیت برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای این است که مهارت‌های غیرفنی، که کسب آن‌ها برای توفیق در هر شغلی ضروری است و زمینه‌ساز مهارت‌های فنی و حرفه‌ای است، به‌وسیله دانش‌آموزان در جریان آموزش عمومی کسب نمی‌شود

● **ضعف آموزش عمومی و پایه:** توفیق برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در گرو استحکام و کیفیت آموزش‌های پایه و عمومی است و بدون تردید یکی از عوامل بازدارنده موفقیت برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای این است که مهارت‌های غیرفنی^۱، که کسب آن‌ها برای توفیق در هر شغلی ضروری است و زمینه‌ساز مهارت‌های فنی و حرفه‌ای است، به‌وسیله دانش‌آموزان در جریان آموزش عمومی کسب نمی‌شود و اغلب دانش‌آموختگان فنی و حرفه‌ای ویژگی‌های زمینه‌ای و مهارت‌های هسته‌ای را در حد مطلوب ندارند و به همین دلیل، پس از گذراندن دوره از کارهای عملی واهمه دارند و به پشت میز نشینی تمایل پیدا می‌کنند.

مدون و نظامی
هو شیاری
برای استفاده از فرآورده‌های آموزش فنی و حرفه‌ای وجود ندارد، چنین تصور می‌شود که سرمایه‌گذاری در این بخش چندان مفید نیست. به همین دلیل، در بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به اندازه کافی سرمایه‌گذاری نمی‌شود و در اثر آن، فضا، نیروی انسانی و تجهیزات (ورودی برنامه) بخش آموزش فنی و حرفه‌ای از کیفیت کافی برخوردار نیستند. بی‌ رغبتی افراد ذی‌نفع، ذی‌ربط و ذی‌نفوذ، برای سرمایه‌گذاری در این بخش، از این واقعیت نشئت می‌گیرد که غایت نهایی و سرانجام این آموزش‌ها برای متولیان بخش‌های اشتغال، آموزش‌دهندگان، آموزش‌گیرندگان و حتی دولت مشخص نیست. کج‌فهمی‌های سنتی درباره آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مبنی بر پایین بودن شأن این آموزش‌ها، هم در میان مردم و هم در میان متولیان، مزید بر علت است. چنان‌که کسب مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، آموزش این مهارت‌ها و استفاده از فرآورده‌های آن توسط بخش‌های تولیدی و خدماتی در کشور ما افتخاری تلقی نمی‌شود.

● **پایین بودن منزلت اجتماعی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و گرایش عمومی جوانان برای ورود به دانشگاه:** گرایش عمومی جوانان برای ورود به دانشگاه و رواج فرهنگ کارمندی و پشت میز نشینی، صرف‌نظر از منشأ آن، به‌طور جدی موفقیت برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای را تهدید می‌کند. دانش‌آموزانی که وارد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌شوند، غالباً از ویژگی‌های مطلوب (شناختی، عاطفی و روانی- حرکتی) برخوردار نیستند و تعامل این وضع با کیفیت پایین برنامه‌ها و... وضع را بدتر می‌کند.

● **کمبود فرهنگ پژوهش و ارزش‌یابی:** فرهنگ پژوهش و مطالعه درباره برنامه‌ها به‌منظور اصلاح آن‌ها در کشور بسیار ضعیف است و معمولاً برنامه‌ها بدون ارزش‌یابی

• **ابهام درباره «مراحل» و «مکان‌ها»ی مناسب**

برای آموزش فنی و حرفه‌ای: مراحل، همچنین مناسب‌ترین سنی که آموزش فنی و حرفه‌ای باید آغاز و پایان یابد و نیز مکان‌های مناسب آموزش برای مجریان آموزش فنی و حرفه‌ای در کشور ما مبهم است. به همین دلیل، گاهی در آموزشگاه و گاهی در محیط واقعی کار به ارائه آموزش‌ها اقدام می‌شود.

• **رعایت نکردن اصل واقع‌بینی در تدوین**

برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای: در اثر نبود پژوهش و مبتنی نبودن برنامه‌ها به پژوهش و به تبع آن فقدان نظریه‌ای جامع درباره آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، معمولاً در کشور ما برنامه‌ریزی‌های مربوط به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آمایش سرزمین و مطالعه همه‌جانبه شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی انجام می‌شود. به همین دلیل، معمولاً برنامه‌ها در عمل با شکست مواجه می‌شوند. نمونه بارز آن نظام جدید آموزش متوسطه است که در اثر غفلت از عوامل بازدارنده (منابع مادی، نیروی انسانی، شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) هیچ‌گاه دستاورد قابل دفاعی نداشته است.

• **مستقل بودن کار و تلاش از رفاه شخصی و**

منزلت اجتماعی: در کشور ما در اثر اختلال در نظام اقتصادی، سرمایه‌ها و موقعیت‌های بادآورده به‌طور فراوان وجود دارد و غالباً افرادی که از رفاه و منزلت اجتماعی بالایی برخوردارند سرمشق جوانان قرار می‌گیرند و وقتی که الگوهای جوانان موقعیت و سرمایه خود را نه از راه کار و تلاش و شایستگی بلکه از راه سوءاستفاده، دلالتی، تظاهر، ریا و وابستگی‌های خاص به دست می‌آورند دیگر چه نیازی به آموزش به معنای عام و آموزش فنی و حرفه‌ای به معنای خاص خواهد بود.

آیا در چنین جامعه‌ای می‌توان انتظار داشت که آموزش فنی و حرفه‌ای از اهمیت و منزلت کافی برخوردار گردد؟

پی‌نوشت

* Non Technical Skill

* منابع در دفتر مجله موجود است.



برنامه‌ریزی مدیریت سازمانی یک شهر

(مطالعه موردی شهرداری شهر لاهیجان)

دکتر محمد دوستار

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

دکتر محمد تقی امینی

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

محمود کوهنشین لیلی

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مدیریت اجرایی (MBA)

شماره ۴۸
دوره ششم (شماره ۴۸) تابستان ۱۳۹۰

چکیده

آن‌ها در قالب اهداف و سؤالات فرعی این پژوهش در بحث تدوین استراتژی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این نوشتار سعی شده است به روش چارچوب جامع تدوین استراتژی، عوامل اصلی تأثیرگذار بر شهرداری شناسایی شود و پس از ارزیابی عوامل و تشکیل ماتریس سوات و برنامه‌ریزی استراتژیک کمی، مناسب‌ترین استراتژی‌ها که عبارت‌اند از استراتژی آموزش و جذب نیروهای تحصیل کرده، مدیریت واحد شهری، ایجاد درآمد ثابت و پایدار و توسعه گردشگری برای شهرداری فوق انتخاب گردد.

کلیدواژه‌ها: توسعه پایدار، چارچوب جامع تدوین استراتژی، شهرداری لاهیجان، ماتریس ارزیابی عوامل داخلی، خارجی، SWOT و برنامه‌ریزی استراتژیک کمی.

لاهیجان یکی از بزرگ‌ترین، قدیمی‌ترین و زیباترین شهرهای استان گیلان است. سابقه شهرداری آن به سال ۱۳۰۷ شمسی برمی‌گردد. این شهر در ۴۵ کیلومتری غرب استان قرار دارد و براساس آخرین سرشماری جمعیت آن ۷۹۲۵۰ نفر است. این شهر دارای جاذبه‌های طبیعی و تاریخی بسیار زیاد است، به‌طوری که شهر نمونه گردشگری ایران نام‌گذاری شده و لقب عروس شهرهای شمال را نیز به خود اختصاص داده است. اما با وجود داشتن این همه مناظر زیبا و دل‌چسب تا رسیدن به توسعه پایدار و همه‌جانبه فاصله زیادی دارد. هدف اصلی این پژوهش تدوین استراتژی شهرداری برای رسیدن به این شهر به توسعه پایدار است. از طرفی چون عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) بر شهرداری تأثیر می‌گذارند، شناخت و میزان تأثیرگذاری

مقدمه

گسترش شهرنشینی و به دنبال آن مشکلات خاص زندگی شهری بیش از پیش توجه به راهبردها و چاره‌های سودمند را برای بهینه‌سازی زندگی شهروندان ضروری ساخته است. شهرداری به عنوان یکی از کهن‌ترین و محوری‌ترین بنیادهای خدمات‌رسانی همواره مورد توجه مردم و دولت‌مردان قرار داشته و هماهنگ با زمان، دامنه این توجهات نیز دگرگون شده با رویکردهای مختلفی روبه‌رو بوده است. اما محوریت آن به منزله اصلی‌ترین نهاد مؤثر در تعریف مدنیت هیچ وقت مخدوش نگردیده است (روشن‌بین: ۱۳۸۵، ص ۷۷). استان گیلان دارای ۵۱ شهر است و شهرداری‌های آن در زمینه عمران و آبادی با هم رقابت دارند. از جمله آن‌ها شهر زیبا و توریستی لاهیجان است.

هدف اصلی این تحقیق تدوین استراتژی جامع برای شهرداری لاهیجان با رویکرد توسعه پایدار شهری است. بی‌شک توسعه پایدار شهری برای انسان شهری رویکردی حیاتی محسوب می‌شود.

نوشتار حاضر، روابط بین توسعه پایدار شهری و مدیریت شهری با استراتژی و نقش آن را در توسعه مورد بررسی قرار داده و سعی نموده است تا با جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و برداشت میدانی و پرسش‌نامه و مصاحبه با جامعه آماری، که کارکنان ستادی دیپلم و دیپلم به بالای شهرداری و شورای اسلامی‌اند، به ایفای نقش شهرداری در توسعه شهرها بپردازد و در راستای تحقق هدف اصلی، یعنی تدوین مناسب‌ترین استراتژی برای شهرداری به منظور دستیابی شهر لاهیجان به توسعه پایدار و همه جانبه گام مثبتی بردارد.

مفهوم توسعه پایدار شهری

با گسترش انقلاب صنعتی و ماشینی شدن زندگی انسان و بی‌توجهی به محیط طبیعی و استفاده بی‌رویه از آن، به‌خصوص پس از جنگ جهانی دوم و تغییر نظام اقتصادی و اجتماعی به نفع شهرها و افزایش مهاجرت به شهرها، فشار به منابع و تخریب محیط‌زیست بیشتر گردید. این امر در شهرها با معضلاتی نظیر آلودگی هوا، آب، خاک و فقر شهری و افزایش زاغه‌های شهری و حاشیه‌نشینی همراه شد. مشکلات یاد شده منجر به بحث‌هایی جهت حل مشکل و یافتن راه‌هایی برای جلوگیری از تخریب

محیط‌زیست شد که نتیجه آن رهیافتی تحت عنوان توسعه پایدار، شکل گرفت. این بحث در شهر، با عنوان توسعه پایدار شهری جهت کاهش فشار بر محیط طبیعی انسان آغاز گردید (موحد: ۱۳۷۹، ص ۴۲).

مفاهیم و تاریخچه استراتژی

در زبان فارسی به استراتژی، «سوق‌الجیش» یا راهبرد نیز گفته می‌شود. «استراتژی» از کلمه یونانی Strategic گرفته شده که به مفهوم هنر سرداری یا سپهسالاری است (هانگر و همکاران: ۱۳۸۱، ص ۱۲). اولین متفکر بزرگی که به اندیشه استراتژیکی شکل داد یک فیلسوف چینی به نام «سون تسو» بود که رساله‌اش را در چهارصد سال قبل از میلاد مسیح تحت عنوان «هنر جنگ» نگاشته و «پدر استراتژی» شناخته شده است. این فیلسوف، استراتژی را در اصطلاح نظامی هنر و فن طرح‌ریزی^۱، ترکیب^۲ و تلفیق عملیات نظامی برای رسیدن به هدف جنگ مشخص تعریف می‌کند (پهلوانیان: ۱۳۸۵، ص ۱۴). در سال‌های اولیه قرن بیستم شاهد تلقی جدید و متفاوتی از استراتژی بودیم و بعد از آن نیز، متفکران به تدریج با تغییر شرایط، تعاریفی مختلف از استراتژی به عمل می‌آوردند (لورنز و همکاران: ۱۳۸۵، ص ۴۸).

هدف اصلی این تحقیق تدوین استراتژی جامع برای شهرداری لاهیجان با رویکرد توسعه پایدار شهری است. بی‌شک توسعه پایدار شهری برای انسان شهری رویکردی حیاتی محسوب می‌شود

از جمله مایکل پورتر استراتژی را این‌گونه تعریف می‌کند: استراتژی به معنای ارائه فرمولی گسترده است برای تعیین چگونگی رقابت در یک کسب و کار، تعیین اهداف و این که چه کارهایی لازم هستند تا آن اهداف محقق شوند (Porter, 1987, p: 5).

هم‌چنین هنری منیتزبرگ معتقد است که مفاهیمی چون استراتژی را نمی‌توان در قالب تعریف آورد و باید تعاریف مختلفی را برای آن پذیرفت. از این‌رو وی پنج تعریف را برای استراتژی پیشنهاد کرده است: استراتژی یعنی ۱. طرح نقشه^۲، ۲. صف‌آرایی^۳، ۳. الگو^۴، ۴. موضع^۵، ۵. دیدگاه^۶ (Minzberg, 1994, p: 7).

مدیریت شهری

مدیریت شهری یک «سازمان گسترده متشکل از تمام عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی ذی ربط و مؤثر در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهر با هدف اداره، هدایت، کنترل و توسعه همه جانبه و پایدار شهر مربوطه» است که از بخش‌ها و نهادهای مختلفی تشکیل می‌شود (ماهنامه پژوهشی، آموزشی شهرداری‌ها: ۱۳۸۵). از طرفی از اوایل دهه ۱۹۶۰ مفهوم مدیریت رابطه تنگاتنگی با استراتژی پیدا نموده تا جایی که به عقیده نظریه‌پردازان مدیریت، امروزه استراتژی نمی‌تواند جز در چارچوب مدیریت توجیه شود و مدیریت نیز هرگز نمی‌تواند بدون توجه به مفهوم استراتژی به مقصود خود دست یابد. در همین راستا مدیریت شهر و اقداماتی که برای رفاه و آسایش شهروندان صورت می‌گیرد به عهده شهرداری‌هاست.

پس در هر صورت بین توسعه پایدار شهری و تدوین استراتژی برای شهرداری رابطه مستقیم وجود دارد. لذا پس از انتخاب مدل تحقیق برای تدوین، شناخت منطقه از لحاظ موقعیت اجتماعی، تاریخی، اجتماعی و جاذبه‌های طبیعی ضروری به نظر می‌رسد.

موقعیت جغرافیایی و تاریخی شهر لاهیجان

شهر لاهیجان در ۳۷ درجه و ۱۵ دقیقه عرض جغرافیایی و ۵۰ درجه و ۲ دقیقه طول جغرافیایی واقع شده است. منطقه جغرافیایی لاهیجان با ارتفاع نسبی ۲ متر از سطح دریای آزاد بین کوه‌های البرز در جنوب و دریای خزر در شمال واقع شده است. لاهیجان از زیباترین شهرهای استان (گیلان) و کشور است. موقعیت جغرافیایی این شهر در ناحیه پای کوهی، که تپه‌ماهورهای آن را بوته‌های همیشه سبز چای در ردیف‌کاری‌های منظم هندسی پوشانده است جلوه زیبایی به سیمای شهر بخشیده است (سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان گیلان: ۱۳۸۵). آب و هوای آن در بخش جلگه‌ای معتدل و مربوط و در قسمت کوهستانی سردسیر و خوش آب و هواست.

از نظر ویژگی‌های تاریخی یکی از شهرهای مهم گیلان به شمار می‌رود. بنای اولیه آن قلعه‌ای است که در شش کیلومتری شرق لاهیجان فعلی در زمان اشکانیان ساخته شده و پناهگاه سپاهیان فرهاد چهارم در جنگ

با سلوکی‌ها بوده است. بعد از حمله مغول ساختمان دارالاماره رو به نابودی رفت. از بدو پیدایش اسلام تا قرن هفتم از چگونگی تغییرات بافت فیزیکی شهر اطلاعی در دست نیست. از سال ۷۴۹ ه. ق. لاهیجان محل اقامت و حکمرانی سادات کیایی شد و شهر دیگری بنا گردید. پس از سقوط سادات کیایی شهر به دست حکام صفوی اداره می‌شد و شکل‌گیری کالبدی شهر و گسترش آن در این دوره اتفاق افتاده است. از اواخر دوره صفویه (و به‌ویژه از اوایل دوره قاجار) لاهیجان به عنوان یکی از مراکز فعال اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی گیلان به تدریج اهمیت خود را از دست داد و رشت و بندر انزلی که رابط تجاری ایران با باکو و روسیه بودند جای آن را گرفتند (مهندسین مشاور پویانقش شهر و بنا: ۱۳۸۸).

با توجه به اهمیتی که جامعه آماری به این استراتژی قائل شدند نتیجه می‌گیریم که بیش‌ترین مشکلات مربوط به توسعه پایدار نداشتن شهرها متوجه شهرداری‌هاست و بیش‌ترین مشکل شهرداری‌ها نیز آموزش ندیدن کارکنان و به‌طور کلی فقدان استراتژی آموزش و جذب نشدن نیروهای تحصیل کرده است

ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی لاهیجان

براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، جمعیت این شهر ۷۲۹۵۰ نفر گزارش شده است. بررسی روند تغییرات جمعیت نشانگر آن است که اولاً جمعیت این شهر همواره رو به افزایش بوده که این امر ناشی از رشد طبیعی جمعیت و رشد ناشی از مهاجرت بوده است. ثانیاً جمعیت شهر طی دوره پنجاه ساله (۸۵-۱۳۳۸) به بیش از سه برابر رسیده است، چرا که شاخص جمعیت که در سال ۱۳۳۵ برابر با ۱۰۰ بوده در سال ۱۳۸۵ به ۳۶۷ افزایش یافته است (مهندسین مشاور پویانقش شهر و بنا: ۱۳۸۸).

جاذبه‌های طبیعی - تاریخی شهر لاهیجان

شهرستان لاهیجان به علت قرار گرفتن در کوهپایه‌های زیبای البرز، لقب عروس شهرهای شمال را به خود اختصاص داده و نیز نزدیکی آن به مرکز استان، موجب

بین آن‌ها به عوامل استراتژیک خارجی و داخلی، که بیش از ۸۵٪ جامعه آماری است تأکید شده است. در پرسش‌نامه دوم، که پایایی آن ۸۴٪ است، تأیید شده و به آن امتیاز دادند و سپس ضریب اهمیت و رتبه عوامل استراتژیک خارجی و داخلی را براساس فرمول $X \div \Sigma X = Y$ منظور کردیم، به‌طوری‌که X : امتیاز هر عامل و ΣX : مجموع امتیاز عوامل و Y : ضریب اهمیت هر عامل است. سپس براساس میانگین، چنانچه X بزرگ‌تر و مساوی میانگین باشد برای فرصت‌ها و قوت‌ها رتبه ۴ و اگر کوچک‌تر باشد رتبه ۳ می‌دهیم. هم‌چنین در مورد تهدیدها و ضعف‌ها چنانچه X بزرگ‌تر و مساوی میانگین باشد رتبه ۱ و اگر کوچک‌تر باشد رتبه ۲ می‌دهیم. در پایان با توجه به ضریب و رتبه داده شده ماتریس ارزیابی عوامل خارجی و داخلی جامعه آماری تشکیل می‌دهیم و نمره این عوامل محاسبه می‌شود و در نهایت انحراف معیار این نمرات نیز مشخص می‌گردد (جدول ۱ و ۲).

گسترش سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری گردیده است. جاذبه‌های مهم این شهر شامل:

(الف) جاذبه‌های طبیعی: شامل تالاب امیرکلایه، بام سبز، استخر لاهیجان، آبشار شیطان کوه

(ب) جاذبه‌های تاریخی: شامل بقعه چهار پادشاهان، مساجد جامع و اکبریه، مقبره شیخ زاهد گیلانی، بقعه سیدرضا کیا، بقاع سید محمد، میرشمس‌الدین، پل خشتی لاهیجان، موزه تاریخ چای ایران و آرامگاه کاشف‌السلطنه، حمام گلشن (سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان گیلان، ۱۳۸۵).

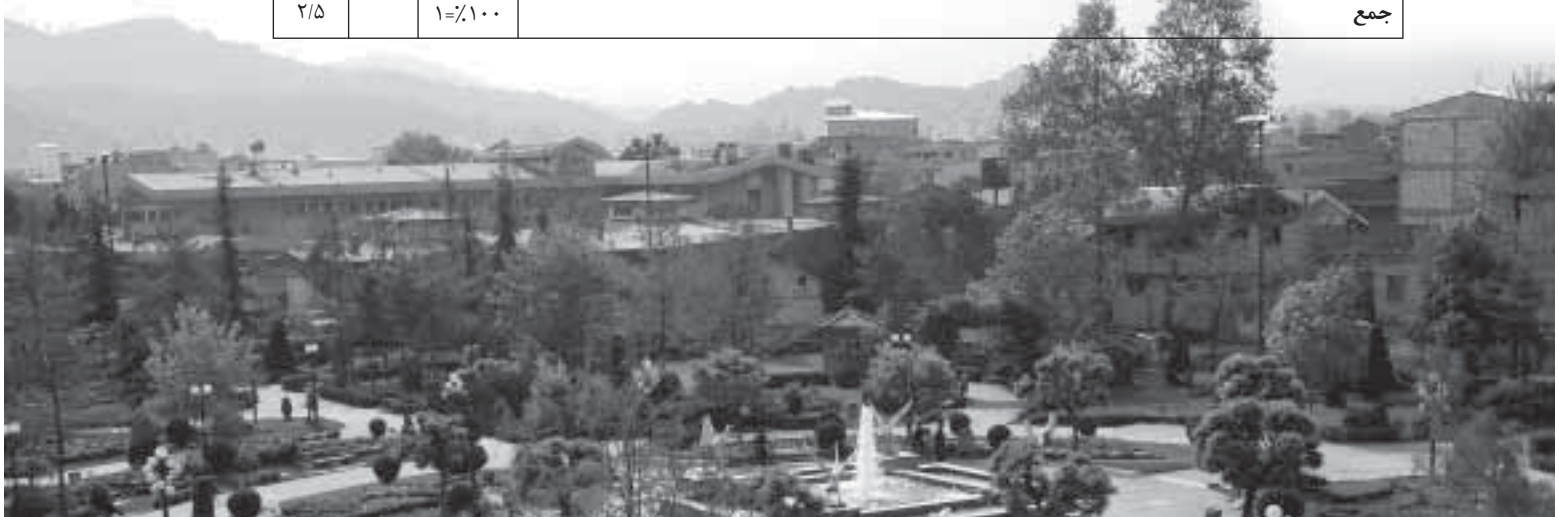
در تهیه این تحقیق از مراحل زیر استفاده گردیده است:

مرحله ورودی

در این مرحله، پس از جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتایج زیر به دست آمد. با توجه به پرسش‌نامه اول، عوامل خارجی و داخلی شناسایی شد. از

جدول ۱. ماتریس ارزیابی عوامل خارجی جامعه آماری

عوامل خارجی (تهدیدها، فرصت‌ها)			
نمره	رتبه	ضریب	
فرصت‌ها (ف)			
۰/۴۴	۴	۰/۱۱	ف ۱ - موقعیت مناسب شهر لاهیجان از لحاظ توریستی و گردشگری
۰/۴۰	۴	۰/۱۰	ف ۲ - امکان ایجاد زیرساخت‌های توسعه توریستی و گردشگری، نظیر فرودگاه، ساختن هتل پنج‌ستاره، مسافرخانه و...
۰/۳۰	۳	۰/۱۰	ف ۳ - داشتن فرهنگ مردمی و برخورداری از نیروهای انسانی با تجربه در زمینه‌های عمرانی
۰/۴۰	۴	۰/۱۰	ف ۴ - داشتن محصولات استراتژیک کشاورزی و باغی و صنایع دستی، نظیر چای، برنج، ابریشم، کلوچه، سفالگری و...
تهدیدها (ت)			
۰/۱۰	۱	۰/۱۰	ت ۱ - نبودن زیرساخت‌های توریستی و گردشگری در شهر لاهیجان
۰/۲۰	۲	۰/۱۰	ت ۲ - نبودن مدیریت واحد شهری
۰/۲۰	۲	۰/۱۰	ت ۳ - مهاجرت و رشد بی‌رویه شهرنشینی و تناسب نداشتن جمعیت با امکانات موجود
۰/۱۸	۲	۰/۰۹	ت ۴ - وجود گره‌های ترافیکی سنگین در مرکز شهر
۰/۱۸	۲	۰/۰۹	ت ۵ - مشکلات ناشی از بارندگی و نرخ بالای تورم و تملک در اجرای پروژه‌های عمرانی شهر لاهیجان ...
۰/۱۰	۱	۰/۱۰	ت ۶ - وجود مکانیکی‌ها و تعویض روغنی‌ها در ورودی و خروجی شهر
۲/۵		۱=۱۰۰٪	جمع



بنابراین استراتژی‌های انتخاب عبارت‌اند از:

استراتژی‌های محافظه‌کارانه (WO)

هدف از این استراتژی‌ها این است که جامعه آماری با بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در محیط خارج بکوشند نقاط ضعف داخلی را بهبود بخشند، که عبارت‌اند از:

۱. استراتژی ایجاد درآمد ثابت و پایدار
۲. استراتژی آموزش و جذب نیروهای تحصیل‌کرده
۳. استراتژی توسعه فضای آموزش عالی
۴. استراتژی ارتقای تحصیلی کارکنان
۵. استراتژی تغییر ساختار و جذب نیروهای متخصص

فرهنگ‌سازی در بین شهروندان برای پرداخت عوارض و وجوه قانونی و تدوین لایحه استنفکاف از پرداخت عوارض و مطالبات شهرداری و چگونگی جلوگیری و گرفتن حق و حقوق شهرداری‌ها

استراتژی‌های تدافعی (WT)

جامعه آماری تحقیق در اجرای این استراتژی حالت تدافعی به خود می‌گیرد و هدفش کم کردن نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدات ناشی از محیط خارجی است که عبارت‌اند از:

۱. استراتژی توسعه توریسم و گردشگری
۲. استراتژی مدیریت واحد شهری
۳. استراتژی فعال‌سازی بخش خصوصی
۴. استراتژی ارتقای سطح علمی کارکنان
۵. استراتژی آموزش اصول شهرنشینی برای شهروندان

با توجه به نظر استادان محترم و کارشناسان فن در شرایط فعلی از استراتژی‌های فوق چهار استراتژی زیر مناسب است، که عبارت‌اند از:

۱. استراتژی (توسعه توریسم و گردشگری)
 ۲. استراتژی (مدیریت واحد شهری)
 ۳. استراتژی (آموزش و جذب نیروهای تحصیل‌کرده)
 ۴. استراتژی (ایجاد درآمد ثابت و پایدار)
- اکنون با توجه به ماتریس عوامل داخلی و خارجی و با استفاده از ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی به اولویت‌بندی آن‌ها می‌پردازیم.

نکته: انحراف معیار محاسبه شده برای نمرات عوامل استراتژیک خارجی و داخلی در ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) و داخلی (IFE) به ترتیب برابر است با مقدار عددی زیر: $\delta = 0.1262$ و $\delta = 0.0780$ و این نشان می‌دهد که تحقیق مسیر اصلی خود را طی نموده است.

مرحله تطبیق و مقایسه

در این مرحله عوامل اصلی داخلی و خارجی با استفاده از ابزارهایی چون ماتریس سوات (SWOT) و ماتریس داخلی و خارجی (IE) تطبیق داده شده و با استفاده از تکنیک طوفان فکری چهار دسته از استراتژی‌های تهاجمی (SO)، محافظه‌کارانه (WO)، رقابتی (ST) و تدافعی (WT) شناسایی و تدوین شد، که در راستای مأموریت شهرداری لاهیجان و متناسب با عوامل داخلی و خارجی شهرداری بوده‌اند.

ماتریس داخلی و خارجی (IE) جامعه آماری

با عنایت به چهار دسته از استراتژی‌های قرار گرفته در ماتریس سوات و با توجه به جمع نمرات ماتریس‌های ارزیابی عوامل داخلی و خارجی مطابق جدول ۱ و ۲ منطقه قرارگرفتن شهرداری در ماتریس داخلی و خارجی (IE) مشخص شد و آن دسته از استراتژی‌ها جهت ارزیابی و انتخاب در ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی برگزیده شد که به منطقه تعیین شده در ماتریس چهارخانه‌ای داخلی و خارجی مربوط‌اند.



مرحله تصمیم گیری

در این مرحله نتایج حاصل از پرسشنامه سوم که شامل محاسبه ضریب جذابیت استراتژی‌های انتخاب شده (نسبت به عوامل داخلی و خارجی، ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی عوامل داخلی و خارجی و نتایج ماتریس) است، مشخص شده است.

ضریب جذابیت استراتژی‌های انتخاب شده نسبت به عوامل استراتژیک داخلی و خارجی شهرداری با توجه به فرمول $Y = \sum X$ است، به طوری که Y : امتیاز کل هر استراتژی نسبت به هر یک از عوامل استراتژیک داخلی و خارجی است و X : امتیاز هر پاسخ توسط جامعه آماری محاسبه است. سپس با توجه به امتیاز کل جذابیتی که از پرسشنامه سوم، که پایینی آن ۹۱٪ است تأیید شد میانگین امتیاز استراتژی‌های انتخاب شده نسبت به هر یک از عوامل اصلی داخلی و خارجی با توجه به فرمول

$\mu = \frac{Y}{113}$ به طوری که μ : میانگین امتیاز استراتژی‌های انتخاب شده نسبت به هر یک از عوامل داخلی و خارجی است و Y : امتیاز کل هر استراتژی نسبت به عوامل داخلی و خارجی است و ۱۱۳: تعداد جامعه آماری تحقیق است.

این محاسبه با گرد کردن میانگین امتیازات به عدد صحیح با توجه به فرمول $T = \Phi(\mu)$ شد، به طوری که T : ضریب جذابیت استراتژی‌های انتخاب شده نسبت به هر یک از عوامل داخلی و خارجی $\Phi(\mu)$: گرد شد و میانگین امتیاز استراتژی‌های انتخاب شده نسبت به هر یک از عوامل داخلی و خارجی به دست آمد.

ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی (عوامل داخلی و خارجی) جامعه آماری تحقیق

یکی از تکنیک‌ها و ابزارهای بسیار شایع در ارزیابی گزینه‌های استراتژیک و مشخص نمودن جذابیت نسبی استراتژی‌ها که در مرحله تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد، ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی (QSPM) است. این ماتریس مشخص می‌نماید که کدام یک از گزینه‌های استراتژیک انتخاب شده، مناسب‌تر است و در واقع این استراتژی‌ها را اولویت‌بندی می‌نماید (علی احمدی: ۱۳۸۲، ص ۲۵۶) در جدول ۳ و ۴ ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی QSPM (عوامل داخلی و خارجی) جامعه آماری آورده شده است.

جدول ۲. ماتریس ارزیابی عوامل داخلی جامعه آماری

نمره	رتبه	ضریب	عوامل داخلی (S-W)
قوت‌ها (ق)			
۰/۴۴	۴	۰/۱۱	ق ۱ - دارا بودن امکانات رفاهی
۰/۳۳	۳	۰/۱۱	ق ۲ - قدرت شهرداری و برخورداری از طرح‌های شهرسازی، گردشگری و...
۰/۳۳	۳	۰/۱۱	ق ۳ - هماهنگی بین شهرداری و شورای شهر لاهیجان
۰/۳۳	۳	۰/۱۱	ق ۴ - برخورداری از پرسنل مجرب و کارآمد
ضعف‌ها (ض)			
۰/۱۳	۱	۰/۱۳	ض ۱ - کمبود درآمد و مشکلات مالی
۰/۲۲	۲	۰/۱۱	ض ۲ - نبودن سیستم آموزشی کارآمد، متناسب با شرایط و تکنولوژی روز
۰/۱۱	۱	۰/۱۱	ض ۳ - محروم کردن اکثر کارکنان شهرداری از تحصیلات عالی
۰/۱۲	۱	۰/۱۲	ض ۴ - فقدان استراتژی‌های جامع و هماهنگ و اداره شهرداری به روش سنتی
۰/۲۰	۲	۰/۱۰	ض ۵ - جذب نیروی بیش از نیاز و خارج از چارت سازمانی در شهرداری لاهیجان
۲/۲۱		۱۰۰٪	جمع امتیازات

جدول ۳. ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی (عوامل داخلی) جامعه آماری

استراتژی داخلی		استراتژی (۱)		استراتژی (۲)		استراتژی (۳)		استراتژی (۴)	
عوامل داخلی	استراتژی	عوامل داخلی	استراتژی	عوامل داخلی	استراتژی	عوامل داخلی	استراتژی	عوامل داخلی	استراتژی
قوت‌ها (ق)									
ق ۱- دارا بودن امکانات رفاهی	۰/۱۱	۲	۰/۲۲	۲	۰/۲۲	۳	۰/۳۳	۲	۰/۲۲
ق ۲- سابقه و قدمت شهرداری و برخورداری از طرح‌های شهرسازی و گردشگری و توریستی	۰/۱۱	۲	۰/۲۲	۲	۰/۲۲	۳	۰/۳۳	۳	۰/۳۳
ق ۳- هماهنگی بین شهرداری و شورای شهر لاهیجان	۰/۱۱	۲	۰/۲۲	۲	۰/۲۲	۳	۰/۳۳	۲	۰/۲۲
ق ۴- برخورداری از کارکنان مجرب و کارآمد	۰/۱۱	۲	۰/۲۲	۳	۰/۳۳	۳	۰/۳۳	۳	۰/۳۳
ضعف‌ها (ض)									
ض ۱- کمبود درآمد و مشکلات مالی	۰/۱۳	۲	۰/۲۶	۲	۰/۲۶	۳	۰/۳۹	۳	۰/۳۹
ض ۲- نبودن سیستم آموزشی متناسب با شرایط و تکنولوژی روز	۰/۱۱	۲	۰/۲۲	۲	۰/۲۲	۳	۰/۳۳	۳	۰/۳۳
ض ۳- محرومیت اکثر کارکنان شهرداری از تحصیلات عالی	۰/۱۱	۲	۰/۲۲	۲	۰/۲۲	۳	۰/۳۳	۲	۰/۲۲
ض ۴- فقدان استراتژی‌های جامع و هماهنگ و اداره شهرداری به روش سنتی	۰/۱۲	۲	۰/۲۴	۳	۰/۳۶	۳	۰/۳۶	۲	۰/۲۴
ض ۵- جذب نیروی بیش از نیاز و خارج از چارت سازمانی در شهرداری	۰/۱۰	۲	۰/۲۰	۲	۰/۲۰	۳	۰/۳۰	۲	۰/۲۰
جمع	۱=۱۰۰		۲/۰۲		۲/۲۵		۳/۰۳		۲/۴۸



مقبره‌ی شیخ زاهد گیلانی

جدول ۴. ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی (عوامل خارجی) جامعه آماری

استراتژی (۴)		استراتژی (۳)		استراتژی (۲)		استراتژی (۱)		استراتژی	عوامل داخلی
۰/۳۳	۳	۰/۳۳	۳	۰/۳۳	۳	۰/۳۳	۳	۰/۱۱	ف ۱- موقعیت مناسب شهر لاهیجان از لحاظ توریستی و گردشگری
۰/۳۰	۳	۰/۳۰	۳	۰/۳۰	۳	۰/۲۰	۲	۰/۱۰	ف ۲- امکان ایجاد زیرساخت‌های توسعه توریستی و گردشگری، نظیر فرودگاه، راه آهن، ساختن هتل پنج ستاره، مسافرخانه و...
۰/۳۰	۳	۰/۳۰	۳	۰/۲۰	۲	۰/۲۰	۲	۰/۱۰	ف ۳- داشتن فرهنگ مردمی و برخورداری از نیروهای انسانی با تجربه در زمینه‌های عمرانی، شهرسازی.
۰/۳۰	۳	۰/۳۰	۳	۰/۳۰	۳	۰/۳۰	۳	۰/۱۰	ف ۴- داشتن محصولات استراتژیک کشاورزی و باغی و صنایع دستی نظیر چای، برنج، ابریشم، کلوچه، سفالگری و...
تهدیدها (ت)									
۰/۳۰	۳	۰/۳۰	۳	۰/۳۰	۳	۰/۳۰	۳	۰/۱۰	ت ۱- نبودن زیرساخت‌های توریستی و گردشگری در شهر لاهیجان
۰/۲۰	۲	۰/۳۰	۳	۰/۳۰	۳	۰/۲۰	۲	۰/۱۰	ت ۲- نبودن مدیریت واحد شهری
۰/۲۰	۲	۰/۳۰	۳	۰/۲۰	۳	۰/۲۰	۲	۰/۱۰	ت ۳- مهاجرت و رشد بی‌رویه شهرنشینی و تناسب نداشتن جمعیت با امکانات موجود
۰/۱۸	۲	۰/۲۷	۳	۰/۱۸	۲	۰/۱۸	۲	۰/۰۹	ت ۴- وجود گره‌های ترافیکی سنگین در مرکز شهر
۰/۲۷	۳	۰/۲۷	۳	۰/۲۷	۳	۰/۱۸	۲	۰/۰۹	ت ۵- مشکلات ناشی از بارندگی و نرخ بالای تورم و تملک در اجرای پروژه‌های عمرانی شهر لاهیجان...
۰/۳۰	۲	۰/۳۰	۳	۰/۳۰	۳	۰/۲۰	۲	۰/۱۰	ت ۶- وجود مکانیکی‌ها و تعویض روغنی‌ها در ورودی و خروجی شهر
۲/۶۸		۲/۹۷		۲/۶۸		۲/۲۹		۱=۱۰۰	جمع

از جمع‌بندی دو ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی برای عوامل داخلی و خارجی نتایج زیر حاصل گردید (جدول ۵)

بین توسعه پایدار شهری و تدوین استراتژی برای شهرداری رابطه مستقیم وجود دارد

جدول ۵. جمع‌بندی دو ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی برای عوامل داخلی و خارجی

استراتژی‌ها	نمره ارزیابی عوامل داخلی	نمره ارزیابی عوامل خارجی	مجموع نمره‌های ارزیابی جذابیت	میانگین نمرات
استراتژی (۱)	۲/۰۲	۲/۲۹	۴/۳۱	۲/۱۵۵
استراتژی (۲)	۲/۲۵	۲/۶۸	۴/۹۳	۲/۴۶۵
استراتژی (۳)	۳/۰۳	۲/۹۷	۶	۳
استراتژی (۴)	۲/۴۸	۲/۶۸	۵/۱۶	۲/۵۸

با توجه به نتایج ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی، مناسب‌ترین استراتژی‌ها به ترتیب زیرند: اولویت اول، استراتژی آموزش و جذب نیروهای تحصیل کرده؛ دوم، استراتژی مدیریت واحد شهری؛ سوم، استراتژی ایجاد درآمد ثابت و پایدار؛ چهارم، استراتژی توسعه توریست و گردشگری.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌طور که می‌دانید سؤال و هدف اصلی این تحقیق تدوین مناسب‌ترین استراتژی برای شهرداری لاهیجان بود. از آنجایی که عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) و داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) نیز تأثیرگذار بودند لذا پس از بحث و بررسی در مورد آن‌ها نتایج زیر حاصل گردید.

نتایج حاصل نشان داد که جامعه آماری از لحاظ مدرک تحصیلی دارای بالاترین درصد مدرک تحصیلی دیپلم و پایین‌ترین درصد مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر است. همچنین در بحث عوامل خارجی تعداد ۵۰ مورد تهدید بیان شده و تهدید نبودن امکانات توریستی و گردشگری و طولانی شدن اجرای برخی از پروژه‌های عمرانی به ترتیب بیش‌ترین و کم‌ترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

در مورد فرصت‌ها نیز ۳۱ مورد بیان شده که وجود موقعیت شهر لاهیجان از لحاظ گردشگری نظیر وجود موزه چای و وجود زمین‌های بایر به ترتیب بیش‌ترین و کم‌ترین درصدها را به خود اختصاص داده‌اند و در تعیین عوامل استراتژیک خارجی که مدنظر بیش از ۸۵ درصد کارکنان بوده چهار مورد از فرصت‌ها و شش مورد از تهدیدها بیان شده است.

همچنین در بحث عوامل داخلی تعداد ۱۸ مورد قوت و ۳۰ مورد ضعف از طرف جامعه آماری مطرح شد که در بین قوت‌ها دارا بودن برخی امکانات رفاهی و خدمات رسانی سریع در مواقع اضطراری و در بین ضعف‌ها کمبود درآمد و وجود قوانین دست و پا گیر برای صدور پروانه بیش‌ترین و کم‌ترین درصدها را دارا بودند و در همین راستا تعداد ۴ مورد قوت و ۵ مورد ضعف، که بیش از ۸۵ درصد کارکنان به آن تأکید داشتند، شناسایی شد.

در مورد تأثیرگذاری، از عوامل خارجی، فرصت‌ها و تهدیدها به‌طور مساوی و از عوامل داخلی، ضعف‌ها بیش‌ترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند و این بیانگر این است که شهرداری بیش‌تر در موقعیت تدافعی و

محافظه‌کارانه بوده یعنی هدف از آن کم کردن نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدهای ناشی از محیط خارجی بوده است، که با بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در محیط خارج نقاط ضعف خود را باید بهبود بخشید. همچنین نمره ۲/۵ عوامل خارجی و ۲/۲۱ عوامل داخلی، موضوع قبل را که تأثیر بیش‌تر فرصت‌ها از عوامل خارجی و ضعف‌ها از عوامل داخلی بر شهرداری بیان کرده بود مورد تأیید قرار می‌دهد.

از طرفی انحراف معیار در عوامل خارجی ۰/۱۱۹۷ و در عوامل داخلی ۰/۱۱۰۳ نشان دهنده این است که تحقیق مسیر اصلی خود را طی کرده است و در مرحله تطبیق و مقایسه نیز از بین موقعیت‌های استراتژی، شهرداری بیش‌تر در منطقه محافظه‌کارانه و تدافعی قرار گرفت.

بنابراین پس از تشکیل ماتریس عوامل داخلی و خارجی (IE) استراتژی‌های چهارگانه انتخاب شدند. در مرحله تصمیم‌گیری، نتایج حاصل استراتژی برتر شهرداری لاهیجان را که به ترتیب عبارت‌اند از استراتژی آموزش و جذب نیروهای تحصیل کرده، مدیریت واحد شهری، ایجاد درآمد ثابت و پایدار و توسعه توریسم و گردشگری، نشان داد و به این ترتیب سؤال و هدف اصلی تحقیق معلوم شد.

با توجه به اهمیتی که جامعه آماری به این استراتژی قائل شدند نتیجه می‌گیریم که بیش‌ترین مشکلات مربوط به توسعه پایدار نداشتن شهرها متوجه شهرداری‌هاست و بیش‌ترین مشکل شهرداری‌ها نیز آموزش ندیدن کارکنان و به‌طور کلی فقدان استراتژی آموزش و جذب نشدن نیروهای تحصیل کرده است.

در بخش وظیفه‌ای نیز سه استراتژی دیگر است، زیرا امروزه فاصله میان ملت‌ها بر مبنای دانایی و نادانی آن‌ها تعریف می‌شود و نه دارایی و ناداری، بنابراین ارتقای بهره‌وری از منابع انسانی بیش از هر عامل دیگر متأثر از تجهیز منابع انسانی به انواع دانش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز است. چنین استلزامی، جز از طریق استراتژی آموزش و جذب نیروهای تحصیل کرده میسر نیست و تحقق سه استراتژی دیگر نیز امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین پیشنهاد می‌گردد:

۱. کارکنان شهرداری از آموزش‌های همگانی، که شامل تمام کارکنان شهرداری‌ها از بالاترین تا پایین‌ترین سطح می‌شود برخوردار گردند.

۲. کارکنان شهرداری از آموزش‌های کاربردی (رایانه و حفظ فضای سبز و...) برخوردار گردند.

۳. با فراهم نمودن زمینه‌های لازم از آموزش‌های آکادمیک، که به کارشناسان و مسئولان رده بالای شهرداری‌ها داده می‌شود (مثل ترافیک، برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری و سازه)، کارشناسان این شهرداری نیز برخوردار گردند.

۴. از آموزش‌های مخصوص مدیران، که حقوق و قوانین شهری، مدیریت و روابط عمومی را شامل می‌شود، برخوردار گردند و اهمیت آموزش نیروی انسانی به کارکنان مدیران شهری و شوراهای آموزش داده شود.

۵. آموزش دادن به مهندسان طراح و معمار در جهت مقاومت‌سازی ساختمان‌ها و رعایت نور و نکات ایمنی در جهت صرفه‌جویی و بهره‌وری از انرژی

۶. مجهز کردن شهرداری‌ها به اطلاعات روز و تکنولوژی و فنون پیشرفته دنیا

۷. آموزش قبل، بعد و در حین خدمت به کارکنان شهرداری.

۸. بهره‌گیری از قانون شهرداری، قانون تشکیلات، آیین‌نامه‌ها و معاملات شهرداری‌ها، قوانین مرتبط با زمین شهری، قوانین و مقررات مربوط به شهرسازی و طرح‌ریزی شهری، قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، قوانین و مقررات مربوط به تقسیمات کشوری در ارتباط شهرداری‌ها با وزارت کشور و...

۹. توجه ویژه به ارتقای تحصیلی کارکنان، با عنایت به آمار ۵۹/۲۹٪ دارا بودن مدرک تحصیلی دیپلم آنان شود.

۱۰. تلاش در زمینه جذب نیروهای متخصص، با توجه به آمار ۱۸/۵۸ درصد مهندسی و ۱۳/۲۷ درصد تکنسین‌ها.

۱۱. توجه به آموزش شهروندان در زمینه اصول شهرنشینی

مدیریت شهری یک «سازمان گسترده متشکل از تمام عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی ذی‌ربط و مؤثر در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهر با هدف اداره، هدایت، کنترل و توسعه همه جانبه و پایدار شهر مربوطه» است

اولویت دوم: استراتژی مدیریت واحد شهری است، زیرا:

شهر کلیتی یک‌پارچه و به هم پیوسته است و به سازمانی متشکل و مقتدر نیاز دارد. این سازمان مانند هر سازمان دیگر نیازمند مدیریت است. بنابراین، بحث مدیریت شهری و اداره مطلوب شهر مطرح می‌گردد.

در سالیان اخیر بسیاری از وظای برشمرده در قانون از شهرداری‌ها منفک و به نهادها و وزارتخانه‌های دولتی سپرده شد و مدیریت شهری در کشور ما چند پاره گردید و به صورت جزیره‌های جدا از هم درآمد. یعنی علاوه بر شهرداری‌ها و شوراهای، نهادهای دیگری چون وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی و... نیز وظایف و مسئولیت‌هایی را درخصوص امور شهری برعهده گرفتند.

این موضوع بیانگر این است که مدیریت کشور براساس مدیریت بخشی پایه‌گذاری شده است. در این میان برای یک سازمان محلی مانند شهرداری دشوار است که از مرز میان این ادارات مختلف دولتی عبور کند. هم پوشانی امور و منافع این ادارات و شهرداری‌ها و شوراهای، غالباً به اختلال در وظایف و به‌خصوص تضعیف نقش شهرداری‌ها و شوراهای

می‌انجامد و مدیریت شهر گرفتار مداخله ادارات مختلف می‌شود و از مسئول صلاحیت‌داری که مسئولیت اداره شهر را با نگرش و مسئولیتی کلانگر به عهده بگیرد و محروم می‌گردد و متأسفانه از هدف اصلی که رفاه و آسایش مردم است دور می‌شود. لذا استراتژی فوق می‌تواند شهرداری‌ها را از این سردرگمی نجات دهد و باعث رشد و شکوفایی شهرها گردد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد:

۱. با ایجاد مدیریت واحد شهری مشکل ترافیک و حمل‌ونقل، زیرساخت‌ها و کندوکاو‌های معابر و خیابان‌ها برطرف شود و از دخالت ادارات دیگر، اعم از آب و فاضلاب، برق، گاز و... و موازی‌کاری‌های آن‌ها جلوگیری به عمل آید.

۲. با ایجاد مدیریت واحد شهری و آثار تاریخی و مذهبی حفاظت گردد و بیت‌المال (در هزینه‌ها) حفظ شود.

۳. بازنگری در عزل و نصب شهردار، مبنی بر این که شهرداران یا توسط مردم مستقیماً یا توسط نمایندگان مردم یعنی شورا انتخاب شوند ولی عزل آن‌ها توسط شورای شهر نباشد.

۴. ایجاد مدیریت واحد شهری و جمع‌آوری شغل‌های

مزاحم و توسعه توریستی و گردشگری در شهر لاهیجان.
اولویت سوم: استراتژی ایجاد درآمد ثابت و پایدار است، زیرا:

بزرگ‌ترین دغدغه شهرداری‌ها ایجاد درآمد ثابت و پایدار است. زیرا هر شهرداری برای پیشبرد امور داخلی، اعم از پرداخت حقوق کارکنان، اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی و هزینه‌های دیگر نیاز به بودجه و درآمد دارد تا جواب‌گوی مشکلات پیش‌روی آن‌ها باشد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد:

۱. بهبود مدیریت و ارتقای کیفیت نیروی انسانی و کاهش هزینه‌ها، از طریق خصوصی‌سازی، جلب مشارکت‌های مردمی و...

۲. مشارکت و سرمایه‌گذاری شهرداری در پروژه‌های عظیم شخصی و خصوصی به جای گرفتن حق تراکم، عوارض صدور پروانه ساخت و... به منظور افزایش دارایی‌های شهرداری.

۳. تعیین محدودیت زمانی برای مالکین جهت پرداخت جرایم کمیسیون ماده ۱۰۰ و... (حداقل ۶ ماه) و اختصاص ۸۰ درصد جرایم راهنمایی و رانندگی و یارانه بیش‌تر، در راستای حمل‌ونقل و مسائل دیگر از محل تبصره ۱۳ از طرف دولت به شهرداری‌ها.

۴. ایجاد یک سازمان مستقل یا معاونت رئیس جمهوری به عنوان متولی اصلی شهرداری در زمینه مسائل درآمدی.

۵. امکان پرداخت فیش‌های عوارض نوسازی و غیره از طریق شتاب در بانک‌ها و جای‌گزین کردن قبض‌های کسب و پیشه و پسماند به جای بهای خدمات شهری.

۶. کسب درآمد از دارایی‌های غیرمنقول شهری (عوارض نوسازی)، حمل و نقل و ترافیک، فعالیت‌های اقتصادی شهری.

۷. فرهنگ‌سازی در بین شهروندان برای پرداخت عوارض و وجوه قانونی و تدوین لایحه استنفاف از پرداخت عوارض و مطالبات شهرداری و چگونگی جلوگیری و گرفتن حق و حقوق شهرداری‌ها.

و در پایان اولویت چهارم: استراتژی توسعه توریسم و گردشگری است، زیرا:

یکی از مسائل مهم جهان امروز تنوع بخشی به اقتصاد است. هر کشوری می‌خواهد با شناخت مزیت‌ها و یا خلق

مزیت‌های مکانی خود را از اقتصاد یک‌پایه‌ای برهاند... در این میان کشور ایران، از جمله شهر لاهیجان به لحاظ موقعیت مکانی و داشتن عناصر مهم جذب جهان‌گردی چون مناظر طبیعی، آثار باستانی، تنوع اقلیمی یا تمدن ریشه‌دار در تلاش است تا با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح جهان‌گردی به توسعه همه جانبه و پایدار دست یابد و دستیابی به صنعت اول جهان بدون داشتن استراتژی فوق میسر نیست. بنابراین پیشنهاد می‌گردد:

۱. به علت وجود سازمان‌ها و تشکیلات موازی و نبود تمرکز مدیریتی واحد در برخورد با جنبه‌های مختلف، صنعت جهان‌گردی در ایران و لاهیجان با مشکل روبه‌رو است. لذا ضرورت دارد وزارتخانه مستقل جهان‌گردی ایجاد گردد تا اقدامات لازم تحت مدیریت وزیر جهانگردی صورت گیرد.

۲. با رعایت قوانین ساخت و ساز در شهر لاهیجان از این نعمت خدادادی حفظ و حراست شود و با ساخت بازارچه برای میوه و تره‌بار نسبت به سازمان‌دهی دست‌فروشان اقدام گردد.

۳. شهرداری می‌تواند با استفاده از بخش خصوصی نسبت به ایجاد امکانات توریستی و گردشگری در شهر لاهیجان اقدام نماید.

۴. با توجه به وجود موزه چای ایران و موقعیت شهر لاهیجان از نظر توریستی و گردشگری نظیر بام سبز، تله‌کابین، آبشار و... شهرداری با همکاری بخش خصوصی می‌تواند در جهت جذب توریست و گردشگر و ایجاد درآمد ثابت و پایدار و توسعه شهر لاهیجان استفاده مطلوب نماید.

پی‌نوشت

1. Designing
2. Compound
3. Plan
4. Ploy
5. Pattern
6. Position
7. Perspective

* منابع در دفتر مجله موجود است.

معرفی کتاب

✻ علی محمد بخشوده

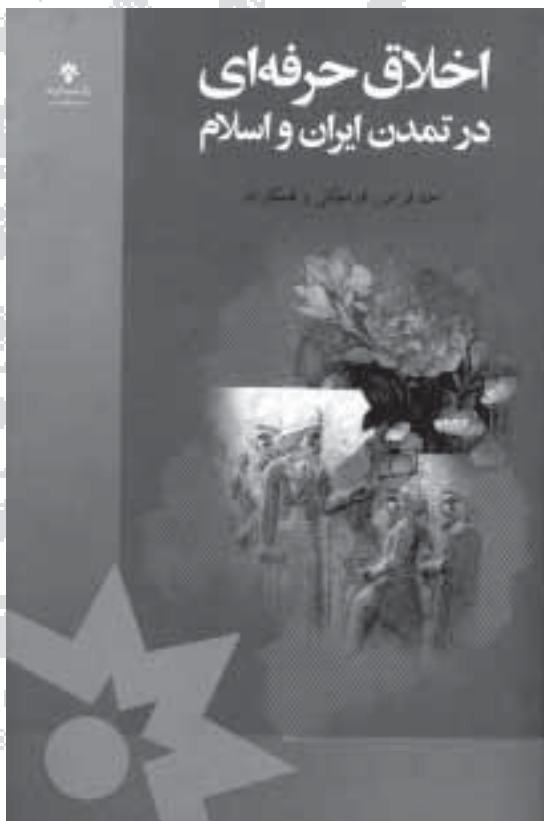
اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام

• چاپ اول: زمستان ۱۳۸۶، ۷۱۶ صفحه.

• احد فرامرز قراملکی و همکاران

• ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

• قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال



مقاله نخست در واقع تمهید مقدمه‌ای برای دیگر مقالات است. تعریف حرفه و تمایز آن از شغل، کار و حرفه‌نما و نیز تعریف اخلاق حرفه‌ای در دو رهیافت مدیریت منابع انسانی و مدیریت راهبردی مقدمه‌ای است که مقاله نخست براساس آن‌ها به بررسی تطبیقی پنج وجهی (بین وضعیت جامعه ما در اخلاق حرفه‌ای، پیشینه اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران باستان، جایگاه آن در آموزه‌های دینی و تمدن اسلامی و نقش راهبردی آن در جهان صنعتی) می‌پردازد - حاصل این بررسی در مقام توصیف، سخن مولانا در مثنوی است.

بر سر گنج از گدایی مردهام
زان‌که اندر غفلت و در پردهام

وضعیت موجود تبیین‌های فراوان می‌پذیرد. در این میان عوامل سه‌گانه «نبود تعامل اثربخش بین سازمان‌های اجرایی و صنعتی با دانشگاه»، «کم‌کاری محققان علوم انسانی» و «ویژگی اخلاق پژوهان و پرده‌پنداران» در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است.

مقاله دوم از جایگاه اخلاق حرفه‌مندی و پیش‌روی در ایران باستان بحث می‌کند. در ایران باستان شغل برای هر کس خویشکاری او تلقی می‌شد و پیشه‌ور راستین باید کار

اخلاق حرفه‌ای از رشته علمی فراتر رفته و گستره معرفتی وسیعی را دربرگرفته است تولد و رشد رشته‌های فراوان در اخلاق حرفه‌ای به حرف و صنعت‌هایی معطوف می‌شود که حاصل دغدغه‌های اخلاقی ناشی از پژوهش آن‌ها در دانشگاه‌هاست. اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران باستان پیشینه‌ای بیش از سه هزار سال دارد و در آموزه‌ها و تمدن اسلامی از منزلت اساسی و جایگاه بنیانی برخوردار است. امروزه اخلاق حرفه‌ای، به تبع تطور مفهوم حرفه، تنوع و درهم تنیدگی حرفه‌ها و چالش‌های فراوان برخاسته از جهانی‌شدن، در محیط جهانی کسب و کار جایگاهی راهبردی یافته است.

کتاب یاد شده برای نشان دادن سه حقیقت به بیست و هفت مطالعه نظام‌مند پرداخته است. یک، سابقه اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران باستان؛ دو، جایگاه اخلاق حرفه‌ای در آموزه‌ها و معارف اسلامی؛ و سه، نقش اخلاق حرفه‌ای در تمدن اسلامی در ایران، علاوه بر این سه بخش، آخرین بخش این مجموعه به مباحث تطبیقی و مطالعات پژوهشی‌ای که چالش‌های جدید را ایجاد کرده، پرداخته است. گزارش هر یک از مقالات را به اختصار می‌آوریم:

خود را هم راستای ذات نیکوی انسانی انجام دهد. چنین پیشه‌وری را جوان‌مرد می‌خوانند. جوان‌مرد از اوصافی مانند خردمندی، راستکاری، و مردمی بودن برخوردار بود. در عصر هخامنشیان با تأثیرپذیری از مصر باستان اتحادیه‌های حرفه‌ای تشکیل شده بود و بر اخلاقی بودن مشاغل نظارت می‌کرد.

عادلانه بودن دستمزد در دوران هخامنشیان عنوان مقاله سوم است. مسئله نظام جامع پرداخت یا جبران خدمت، امروزه از مسائل مهم و چند تبار است و عادلانه بودن آن دغدغه اصلی محققان «اخلاق حرفه‌ای» است.

نویسنده این مقاله براساس گِل نوشته‌ای قرائت شده در تخت‌جمشید، وضعیت پرداخت حقوق و پاداش را گزارش می‌کند و با توجه به عناصری چون سختی کار و حقوق کودکان و زنان، این فرضیه را اثبات می‌کند که دستمزد در دوران هخامنشیان در مجموع عادلانه بوده است.

مؤلف مقاله چهارم براساس گزارش شاهنامه به تحلیل اوصاف اخلاقی صاحبان مشاغل در این دوره می‌پردازد. مشاغل در این دوره بر سه گونه عمده قابل تقسیم‌اند. هر گروه از مشاغل واحد اوصاف اخلاقی خاصی است. نویسنده فرضیه خود را مبتنی بر شایسته‌سالاری در حرف نشان می‌دهد.

شناخت ارزش‌های اخلاقی در ایران زمان ساسانیان آخرین مقاله در بخش نخست است. نویسنده این مقاله پس از درج مقدمه‌ای در نشان دادن ساختار حکومتی و مدنی دوران ساسانی، براساس متون پهلوی به بحث ارزش‌های اخلاقی، به‌ویژه اخلاق در تعامل اجتماعی و وظایف اخلاقی پادشاهان، می‌پردازد.

بخش دوم با عنوان اخلاق حرفه‌ای در آموزه‌ها و معارف اسلامی و با پژوهشی در استقلال قاضی آغاز می‌شود. این مسئله که اهمیت راهبردی در اخلاق قضا دارد، کم‌وبیش مورد بی‌توجهی محققان قرار گرفته است. نویسنده دانشمند مقاله ششم بر مبنای تعریف اخلاق قضا، رفتار قضایی، ابعاد مختلف استقلال قاضی و عوامل تهدیدکننده آن را تحلیل می‌کند. سپس با ارجاع آداب فضا به احکام فضا مبانی الزامی کردن آداب فضا را تبیین می‌نماید.

عدالت قاضی و نقش آن در عدالت قضا هفتمین مقاله مجموعه است. در این مقاله به کمک سه رهیافت فقهی، حقوقی و اخلاقی، مسئله عدالت قاضی و جایگاه قضا تحلیل می‌شود. «عدالت قاضی» با رهیافت اخلاق صاحبان حرفه و

«عدالت در فضا» با رهیافتی سیستمی‌نگر و راهبردی مورد بحث قرار می‌گیرند تا تمایز و ارتباط آن دو نمایان گردد.

مقاله هشتم مسئله و فرضیه‌ای نو را به میان می‌آورد که اثبات آن گستره معرفتی اخلاق، از جمله اخلاق حرفه‌ای را، تحت تأثیر ژرف قرار می‌دهد. مسئله این مقاله پرسش از جایگاه اخلاق نبوی در رسالت پیامبر گرامی اسلام (ص) است و فرضیه‌ای که براساس آیات، روایات و برخی شواهد تاریخی اثبات می‌شود، این است که اخلاق آن حضرت، معجزه بعدی و در رتبه‌ای فروتر از قرآن و فراتر از سایر معجزات است. اخلاق حرفه‌ای بر سبک ارتباطی معینی استوار است. روان‌شناسان، الگوی اثربخش ارتباطی را چنان الگویی برخوردار از قاطعیت می‌دانند که صداقت، صراحت، احترام اصیل متقابل، خودمختاری و استقلال داشته باشد و الگوی سلطه‌گری، سلطه‌پذیری و پرخاشگری را، که فاقد برخی از مؤلفه‌های یاد شده‌اند، غیر اثربخش یا مرضی می‌دانند. نویسنده مقاله دهم این فرضیه را به نهج‌البلاغه عرضه می‌کند که الگوی رفتار ارتباطی حضرت امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و توصیه ایشان به مدیران و کارگزاران خود، به منزله الگوی قاطعیت است. چهار مقاله، بحث مهم امانت‌داری در حرفه را مورد تحقیق قرار داده‌اند. در مقاله دهم متناسب با پیچیدگی و توسعه سازمانی حرفه‌ها در محیط جهانی کسب و کار، مفهوم امانت‌داری به تفصیل تعریف شده و ابعاد آن در منابع انسانی، منابع مالی، برنده رقابت و اطلاعات مورد تحلیل قرار گرفته است. مقاله یازدهم پیامدهای امانت‌داری و عوامل آن را مورد تحقیق قرار می‌دهد و مانند مقاله قبلی با رهیافت درون دینی (آیات و روایات) به تحلیل آثار زیان‌بار خیانت و برکات فردی، اجتماعی، امانت‌داری و نیز عوامل ترویج امانت‌داری می‌پردازد. ایمان به خدا، سپردن امانت به فرد امین و خودداری از اعتماد ساده‌لوحانه، امنیت معیشتی، نظارت و بازرسی از اهم عوامل ترویج امانت‌داری در حرفه است.

دو مقاله دیگر به مبانی فقهی و امانت‌داری در حرفه می‌پردازد. در این دو مقاله، اقسام امانت در نگاه فقهی به شرعی و مالکانه و اقسام امانت مالکانه و تحلیل ماهیت رابطه امانی در عقود مختلف به تفصیل بحث شده است. مقاله سیزدهم دیدگاه رایج را در خصوص این که «امین ضامن، نیست» مورد چالش قرار می‌دهد و نظریه فقها در اسباب ضمانت در امانت را توسعه می‌بخشد. یعنی مفهوم «تعدی و تفریط» را به «انجام آنچه مجاز نیست و

ترک آنچه ترکش روا نیست» توسعه می‌دهد. این تعریف با مفهوم‌سازی جدیدی که مقاله دهم با رهیافت اخلاق حرفه‌ای به میان می‌آورد قابل مقایسه است. مقاله دهم امانت‌داری را براساس بهره‌وری تعریف می‌کند.

مقاله چهاردهم با جست‌وجو در آیات و روایات به بررسی ابعاد و پیامدهای کم‌فروشی می‌پردازد. مفسران و فقها در اطلاق تطفیف اختلاف‌نظر دارند. برخی بر آن‌اند که تطفیف در ویل‌اللمطفین صرفاً کم‌فروشی را امور قابل به کیل و وزن است، که مثلاً با متر اندازه گرفته می‌شوند، و قطعاً به آن ملحق می‌شوند. نویسنده با رهیافت تحلیل مفهومی و روش‌های تفسیری فرضیه مطلق بودن تطفیف را در هرگونه داد و ستد، به هر نوع میزان و سنجش بررسی می‌کند.

به همین دلیل این مقاله در پیشینه و سوابق این موضوع یافته‌هایی نو دارد. مقاله پانزدهم به بحث در معامله با جهت‌گیری نامشروع می‌پردازد. برخی داد و ستدها، مانند خرید و فروش امور محرم، اساساً حرام‌اند. اما برخی و داد و ستدها فی نفسه حرام نیست، مانند خرید و فروش چوب. در این گونه دادوستدها ممکن است، خریدار به قصد استفاده مشروع خرید کند. اگر فروشنده به این امر واقف باشد، اما خود قصد نامشروع نکند داد و ستد وی چه حکمی دارد؟

این مسئله را می‌توان از سه حیث فقهی، حقوقی و اخلاق حرفه‌ای مطرح کرد؟

امروزه چنین داد و ستدهایی در ابعاد مختلف حرفه‌ها رواج دارند. پول‌شویی، اعطای تسهیلات مالی برای قاچاق... نمونه‌های رایج آن است.

نویسنده فرضیه حرمت شرعی و خلاف اخلاق بودن چنین معاملاتی را مستدل ساخته است. داد و ستدهای فریبکارانه که فقها در قاعده غرور از آن بحث می‌کنند امروزه در محیط جهانی کسب و کار ابعاد پیچیده‌ای پیدا کرده است. جذب مشتری با تبلیغات دروغین و فریبنده و فروختن کالایی که مورد توافق مشتری نیست، ابعاد مختلف داد و ستد فریبکارانه است. مقاله شانزدهم به تحلیل مسئولیت‌های اخلاقی و نیز مسئولیت‌های حقوقی چنین داد و ستدهایی می‌پردازد. یکی از شاخه‌های اخلاق حرفه‌ای اخلاق آموزش و پرورش است. اخلاق تدریس از مسائل مهم این حوزه معرفتی است. مقاله هفدهم براساس فلسفه اخلاق اسلامی به توضیح مبانی و اصول اخلاق

تدریس می‌پردازد. شناخت و رعایت حقوق کارگر از وظایف اخلاقی کارفرما (اعم از اشخاص و سازمان‌ها) است. امروزه مقاله‌نامه‌های متنوعی در تحلیل و تبیین حقوق کارگر نوشته شده است.

مقاله هیجدهم با مقدمه‌ای در اهمیت کار در اسلام، حقوق کارگر را از منظر آیات و روایات بررسی می‌کند. مقاله نوزدهم سرآغاز سومین بخش مجموعه یعنی اخلاق حرفه‌ای در تمدن اسلامی است. اخلاق هنر از چالش‌های مهم دهه‌های اخیر است. در این مقاله به تحلیل دیدگاه فارابی درخصوص ارزش‌گذاری اخلاقی مضمون هنر پرداخته است.

یکی از مباحث قابل تأمل در تمدن اسلامی تأسیس نهادهای نظارتی بر اخلاق شهروندی است. مقاله بیستم به تحلیل وظایف و اختیارات چنین نهادهایی می‌پردازد، تاریخ مسئله نشان می‌دهد که در تعیین اختیارات این نهادها، ابتدا با رهیافت فقهی، آن‌گاه با رهیافت مدیریتی دوگونه نظریه‌پردازی مطرح شده است، این دو رهیافت هنوز در نظریه‌پردازی رواج دارند. به همین دلیل نویسنده به بررسی تطبیقی آن دو می‌پردازد. شایسته‌سالاری از جهات مختلفی در اخلاق حرفه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد. از طرفی حق افراد و کارکنان برخورداری از مدیران لایق و منصف است و از طرف دیگر اقتضای امانت‌داری در استفاده از منابع انسانی شایسته‌سالاری است.

مقاله بیست و یکم این مسئله را در قلمرو شرقی دوره عباسی مورد بحث قرار می‌دهد. نویسنده مقاله که در این موضوع پژوهش نظام‌مند و گسترده‌ای دارد، و در مقاله حاضر (در دامنه محدود دیوان رسایل) به بیان شروط و انتساب این دیوان، نحوه احراز شرایط و مقایسه بین آنچه «نظریه‌پردازی» آن دوره گفته‌اند و به آنچه در عمل به آن پای‌بند شده‌اند، می‌پردازد.

نقش اخلاق حرفه‌ای و باورهای دینی در توسعه کسب و کار در ایران پس از حمله مغول، موضوع تحقیق در مقاله بیست و دوم است. از دوران ایلخانان نفوذ فتوت غیرسیاسی در میان اقشار شهری، این فرصت را برای اهل فتوت فراهم آورد تا ضمن مشارکت در تعریف مبانی نظری، تشکیلات دنیوی اهل حرفه (اصناف)، تقدس بخشیدن به کار و نیز به سلسله مراتب صنفی، اخلاق حرفه‌ای آن‌ها را براساس باورهای دینی - فتوتی تدوین کنند. این مقاله می‌تواند سرآغاز پژوهش‌های یک محقق در نقش اخلاق حرفه‌ای

در بازسازی تمدن ایران اسلامی پس از حمله مغول باشد. یکی از مباحث اخلاق حرفه‌ای به اخلاق رهبری و مدیریت شهری برمی‌گردد. در مدیریت شهری استیفای حقوق و منافع شهروندان از اهم وظایف کارگزاران اعلام شده است. مقاله بیست و سوم پس از مقدمه‌ای در ساختار حکومتی عصر صفویه به بررسی نهادهای مسئول در قبال حقوق و منافع عمومی و روش‌های آنان می‌پردازد. بخش چهارم مجموعه حاضر به طرح چالش‌های جدید و بررسی‌های تطبیقی و پژوهشی اختصاص دارد. این بخش شامل چهار مطالعه نظام‌مند به شرح زیر است:

رابطه اخلاق و قانون به دلیل کثیرالاضلاع بودن آن از مسائل پیچیده فلسفه حقوق و فلسفه اخلاق است. نیاز به ممیزی اخلاقی در مقام وضع قانون، از مسائل مهم در اخلاق حرفه‌ای است.

مقاله بیست و چهارم این مسئله را با مذاقه فراوان و تحلیل تاریخی و حقوقی مورد بحث قرار داده و نتایج جدیدی را عرضه کرده است. بدون تردید، مقاله حاضر می‌تواند قانون‌گذاران را به ضرورت ممیزی اخلاقی بیشتر متوجه سازد و مدیران را در مقام آئین‌نامه و بخش‌نامه‌نویسی مدد رساند. مسئله انطباق اخلاقیات حاکم بر تجارت در جهان صنعتی با آموزه‌های دینی، چالش‌های فراوانی را فراروی مدیران و بنگاه‌های کسب و کار قرار داده است.

مقاله بیست و پنجم، ضمن عرضه آخرین اصول اخلاقی تجارت به فقها و اسلام‌شناسان ایرانی و تحلیل دیدگاه آنان، روش دلفی فرضیه خود در انطباق اخلاق تجارت با آموزه‌های اسلام را به اثبات می‌رساند. مسئله سرآمدی سازمان‌ها که در دهه‌های اخیر مورد توجه بنگاه‌های بزرگ کسب و کار قرار گرفته، نظر عالمان اخلاق را نیز به خود جلب کرده است. براساس مدل‌های رایج در سرآمدی سازمان، به‌ویژه مدل «EFQM» توجه به مسئولیت‌های اخلاقی، اجتماعی سازمان از معیارهای سرآمدی است. تحقیق این امر محتاج شناخت نظام یافته مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی سازمان و برخورداری از کارشناسان اخلاق حرفه‌ای است.

در مقاله بیست و ششم با گزارش اجمالی از مدل‌های سرآمدی به نقش آن در جاری‌سازی اخلاق در سازمان و نیز بررسی تطبیقی سرآمدی سازمان به منزله یک نظریه با آموزه‌های اسلامی می‌پردازد. جهت کاربردی مجموعه حاضر ارائه نمونه‌ای از امکان اخلاقی‌سازی

سازمان‌های کسب و کار است. مقاله بیست و هفتم با بررسی مورد پژوهانه راهکار عملی تدوین منشور اخلاقی سازمان را نشان می‌دهد. روش‌شناسی تدوین، مدل طراحی و آماده‌سازی منشور اخلاقی براساس تجربه ارائه می‌شود که در شرکت سیمان داراب به راهنمایی مدیر گروه اخلاق حرفه‌ای دانشگاه تهران به دست آمده است. مطالعات یاد شده با برنامه‌ریزی و مدیریت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری انجام شد.

فهرست اجمالی کتاب

دیباچه پژوهشکده

مقدمه

اخلاق حرفه‌ای در ایران باستان

(۱) بر سر گنج

(۲) اخلاق حرفه‌مندی و پیشه‌وری در ایران باستان

(۳) عادلانه بودن دستمزد در دوران هخامنشیان

(۴) ارزش‌های اخلاقی نزد ساسانیان

(۵) اخلاق مشاغل نزد پیشدادیان و کیانیان

اخلاق حرفه‌ای در آموزه‌ها و معارف اسلامی

(۶) جایگاه استقلال قاضی در اخلاق قضا

(۷) عدالت قاضی مبنای اخلاق حرفه‌ای قضا

(۸) اخلاق، معجزه دوم نبوی

(۹) مبانی الگوهای اخلاق حرفه‌ای در نهج‌البلاغه

(۱۰) تعریف امانت‌داری و ابعاد آن در حرفه

(۱۱) عوامل و پیامدهای امانت‌داری در حرفه

(۱۲) مبانی فقهی و حقوقی امانت‌داری

(۱۳) امانت‌داری در اخلاق حرفه‌ای

(۱۴) تحلیل ابعاد و آثار کم‌فروشی

(۱۵) معاملات با جهت‌گیری نامشروع

(۱۶) داد و ستد فریبکارانه

(۱۷) مبانی و اصول اخلاق تدریس در فلسفه اخلاق

اسلامی

(۱۸) کار و حقوق کارگر از دیدگاه اسلام

اخلاق حرفه‌ای در تمدن اسلامی

(۱۹) ارزش‌گذاری اخلاقی مضمون آثار هنری نزد

فارابی

(۲۰) وظایف و اختیارات نهاد نظارتی بر رفتار شهروندان

در تمدن



دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد کودک (برای دانش آموزان آمادگی و پایه اول دبستان)

رشد خردسال (برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دبستان)

رشد دانش آموز (برای دانش آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

رشد جوان (برای دانش آموزان دوره متوسطه و پیش دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش راهنمایی تحصیلی • رشد تکنولوژی

آموزشی • رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی) • رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره متوسطه) • رشد آموزش قرآن • رشد آموزش معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش هنر • رشد مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی • رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش زبان • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک • رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد آموزش زمین‌شناسی • رشد آموزش فنی و حرفه‌ای • رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

۲۱) شایسته‌سالاری در دیوان رسائل از نظر تا عمل
۲۲) اخلاق حرفه‌ای و باورهای دینی در بازارهای ایران
(سده‌های ۸-۱۲ ه.ق)

۱۲) مسئولیت‌های اخلاقی در قبال منافع عمومی در دوره حکومت صفوی

چالش‌ها و بررسی‌های تطبیقی

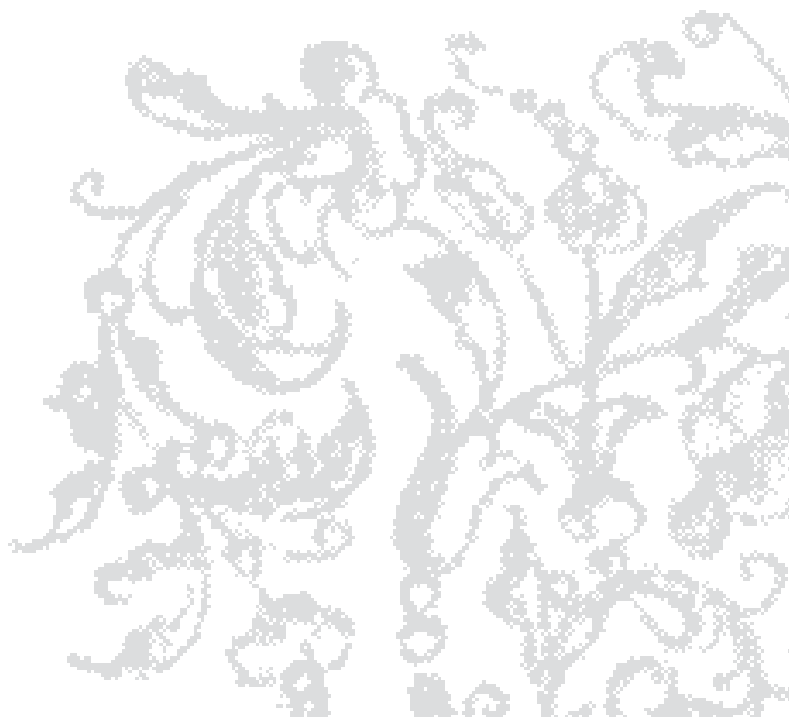
۲۴) اخلاق قانون‌گذاران

۲۵) بررسی تطبیقی اخلاق تجارت در جهان امروز اسلام

۲۶) نقش تعالی سازمانی در جاری‌سازی اخلاق در سازمان

۲۷) راهکار عملی تدوین منشور عملی سازمان

جامعه ما بر سر سه گنج پنهان در اخلاق حرفه‌ای نشسته است: میراث اخلاقی ایران باستان و میراث غنی اخلاق حرفه‌ای در آموزه‌های اسلامی و نیز میراث اخلاق حرفه‌ای در تمدن اسلامی. شناخت این سه گنج جایگاه راهبردی اخلاق حرفه‌ای در فرهنگ و دین ما را نشان می‌دهد. در مقایسه با کشورهای صنعتی، در توسعه اخلاق حرفه‌ای وضعیت مطلوبی نداریم. فقدان یا نقصان دغدغه اخلاقی در حرفه و عدم احساس نیاز به پژوهش‌های اخلاقی در صنعت، کم‌کاری محققان و غفلت، سه عامل عقب‌ماندگی ما در اخلاق حرفه‌ای است.



سخن‌ی با مخاطبان

رعایت اجزا و عناصر ساختاری مقالات علمی، حرفه‌ای و پژوهشی شرایطی دارد که یک پژوهشگر و نویسنده آگاه آن‌ها را به کار می‌بندد. به عبارت دیگر موفقیت مؤلف در ارائه مقاله به بهره‌مندی او از این قواعد و تسلط بر مبنای نگارش و آگاهی از اصول مقاله‌نویسی و مهارت در امر نوشتن وابسته است.

مجله رشد آموزش فنی‌وحرفه‌ای، نشریه‌ای آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی در زمینه آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای است که با توجه به اهداف آن، به صورت فصل‌نامه منتشر می‌شود. بر این اساس از پژوهشگران، متخصصان تعلیم‌وتربیت، به‌ویژه هنرآموزان، دبیران و مدرسان دعوت می‌شود تا با توجه به موارد ذیل:

۱. اصالت موضوع/۲. عنوان/۳. چکیده/۴. کلیدواژه/۵. مقدمه/۶. بیان مسئله/۷. تبیین هدف/۸. پرسش/۹. پیشینه پژوهش/۱۰. معرفی پروژه تحقیقاتی/۱۱. تشریح روش‌شناسی مورد استفاده و تبیین رویکرد مقاله/۱۲. ابزار گردآوری و تحلیل داده‌ها/۱۳. توصیف ویژگی‌های جامعه پژوهش/۱۴. تبیین محدوده و محدودیت‌های پژوهش/۱۵. ارائه یافته‌های توصیفی و تحلیلی/۱۶. بحث و نتیجه‌گیری/۱۷. پیشنهاد/۱۸. منابع مورد استفاده

حاصل پژوهش‌ها و مطالعات خود را در زمینه‌های زیر، جهت درج در مجله ارسال فرمایند.

* مبانی نظری آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای
* آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در سایر کشورها (تجارب)
* روش‌های آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای
* کارآفرینی، خوداشتغالی، ارزش‌آفرینی (تجارب)
رویکردها و دیدگاه‌ها در برنامه‌ریزی درسی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای
برنامه‌ریزی درسی منطقه‌ای * پروژه‌محوری در آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای * معرفی مؤسسات آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در ایران و سایر کشورها، معرفی پدیده‌های نو در حوزه آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و معرفی کتاب‌ها و مجلات جدید در حوزه آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای * مقالات ارسالی مرتبط با موضوع مجله باشد و تاکنون در مجلات دیگری درج نشده باشد * مطالب باید تایپ شده باشد * شکل قرار گرفتن جدول‌ها نمودارها و تصاویر باید در مقاله مشخص باشد * نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود * مقاله‌های ترجمه‌شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز ضمیمه مقاله ارسال شود * در متن‌های ارسالی باید تا حد امکان از معادل‌های فارسی واژه‌ها و اصطلاحات استفاده شود * پی‌نوشت‌ها و منابع باید کامل و شامل نام نویسنده، سال انتشار، نام اثر، نام مترجم، محل نشر، ناشر و شماره صفحه مورد استفاده باشد * مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقالات رسیده مختار است * آراء و نظرهای ارائه‌شده در مقالات، گزارش‌ها و مصاحبه‌ها لزوماً بیانگر دیدگاه‌های دفتر انتشارات کمک‌آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.

نشانی ارسال مقالات: تهران صندوق پستی ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵

وبگاه: faniherfeie@roshdmag.ir



برگ اشتراک مجله‌های رشد

شرایط:

- پرداخت مبلغ ۷۰/۰۰۰ ریال به ازای یک دوره یک ساله مجله درخواستی، به صورت علی‌الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه سه راه آزمایش (سرخه‌حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
- ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک بایست‌سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید.)

نام مجله‌های درخواستی:

- نام و نام خانوادگی:
- تاریخ تولد:
- میزان تحصیلات:
- تلفن:
- نشانی کامل پستی:
- استان:
- خیابان:
- پلاک:
- شماره پستی:

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

کد اشتراک:

امضا:

- صندوق پستی مرکز بررسی آثار: ۱۵۸۷۵/۶۵۶۷
- صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- نشانی اینترنتی: www.roshdmag.ir
- امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۵۱۱۰
- پیام‌گیر مجله‌های رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

یادآوری:

- هزینه برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، برعهده مشترک است.
- مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک خواهد بود.